



اراضی خراج و اجرت و ارض عشکر و ارض مملکت و ارض	قانون طه بو	در بیان لایحه	احوال ابن
۱۱	۷	۹	۱۰
احوال ابن ابن	ان ابن و غلوه	احوال سفار	اراضی المتوفی مدیون
۱۶	۱۱	۱۲	۱۵
در بیان حمل	احوال بنت	مقدار طه بو	اخ لابون ساح لایب
۱۶	۱۷	۲۰	۲۱
اخت	احوال بون	احوال وارث	باقی مسکنه ایکن و ارض و ارض سایر فقرات
۲۳	۲۶	۲۷	۲۸
تتمه کنی	احوال مشترک	احوال ارض و فاج قرمز و اجانب	احوال الاراضی الیه خارج و ارض سایر فقرات
۳۰	۳۱	۳۶	۳۷
جاذب متوجه تبع اولاد و وقت بیر	مطابق بوقضی عشکر ضبط آدمت و بر	سایر فقرات الروغنی ایکن اور	صاحب ارض تعمیر آن در ۳۱
۳۱	۳۱	۳۸	۳۸
احوال مشترک و ارض و ارض و ارض و کسب از ارض جاذب	اوج سنبل مدان	اورمان طاهر سلفان	کوص با ارض ۴۰
۳۸	۳۹	۴۰	۴۰

احداث بندگی بله امر ازین و اسباب	رسم طه بو	عزیم الا شجر جاذب	۴۰
۴۱	۴۱	۴۲	۴۲
احوال معدن جدید	باغی و بوستان و حدان ارض ۴۵	تعمیر با شرط ۵۰	۴۴
۴۴	۴۵	۵۰	۴۴
دکله در زمین بزرگین کوه	احوال نابوید	احوال بنت و مقفود	۵۱
۵۱	۵۲	۵۳	۵۱
دراجه کوه تاریخ	جداى وطن	سایر اشیاء نفاذ شده مشترک اولیه	۵۴
۵۴	۵۴	۵۶	۵۴
ارباب طه بو بوند بنافذ الیه	موقوف صاحب ارض	رسوم زمین و ارض و ارض و ارض	۶۱
۶۱	۶۲	۶۳	۶۱
اعشار و رسوم باطن و رسوم زوم	اعشار و ارض و سایر	شریک در ارض اعشار و ارض یا ارض	۶۴
۶۴	۶۹	۷۰	۶۴
رسوم ارض سند و ارض نظره	رسوم عادت اعتماد و ارض	رسوم زمین و ارض و ارض یا ارض	۷۲
۷۲	۷۳	۷۷	۷۲







یک شش اشرف ارض خواجه در ارض عشره نه در تقسیم است  
 بیوز خوب مشاب اول **خواب** امام بر مملکت فتح آمد و سب و آزار  
 غایت خشمش بر پیشه با خود و قبل از فتح ارضه خود با اسلحه کعب  
 امام از صحنه بی التذکره انقباض اول ارض عشره در زیر اسلحه  
 او زرنه وضع اولان و ظریفه عبادت مقوله شد در اولان کلاه  
 خواص موشن فارغ و محض در ارباب با اسم او در نه خواجه وضع  
 اولان ممکن و کلاه همان عشر وضع اولنور اگر امام اول مملکتی فتح  
 بود لب اهل بسن فرموده بر سر اقبوس جگه بنه بر اوزنه و غیر  
 قلوب و القزده اولان برابرین کند و در سه شوال و طول در اولان  
 که تکیک ایوب کند و دره خواجه وضع ایوب و سر اوزنه و ظریفه  
 پر اسه اول و ظریفه البته خواجه عشر اولان ارضه ایوب قدره  
 عشره عبادت معنی بر دارد کار فرنگ اهل و کلاه را البته  
 خواجه وضع اولنور اولانی ایوبی نوحه بری خواجه موقوفه که  
 بیله به بر خدا را خجالتور و بری خواجه مقامه در که حاصل اولان  
 غلغله عشره بیست ختی بعد از آنکه کلمه نوره تعیین اولنور  
 نصفه در تعیین اولان مشرفه در ارض غایت ایوب و ایوب  
 اولانی اول برارک عشره ایوبه بر با خود سکرده بر و بر اولان خواجه  
 مقامه سه و حضرت رسمی آینه و بر اولان خواجه موقوفی بود  
 یکس هزار سوم عشره در اندر سپاه بیست کمال حضرت مولی  
 نوع ارض که در اولدی ایوبیک بر بیست کمال بر بود ایوب  
 بر شکار کت عتقاد را بنیست بود که کلاه ز عشره در خواجه

بلکه

بلکه ارض مملکتی در که رقبه سی بیت انگلکدر تقریف رعایا به اجاره  
 طریقیه که بود و بر شد در تقریف ایوب خواجه موقوفی و خواجه  
 متاع ستمی سپاهیه و بر سر اقبوس و کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه  
 او غلغله کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه  
 و بر بود مقوله بر بر بار شد طر فخره کلاه کلاه کلاه کلاه  
 یکی اولان **سلسله** یک شش اشرف مملکت بر و در رعایا  
 الله اولان ارض عشره یک و ارض خواجه یک سب و در جنسی  
 و در بیع و عماره سی و شصت سی و در سب ال اوزرنه تعالی سب  
 واقع اولوب تصحیح و بیولدی عشره **باب** ارض عشره  
 و ارض خواجه صحیفه اخراج بیان او نمشد ایکننده طر تقریف  
 حکومره حدیسه عشره را ما رعایا القزده اولان ارضه نه عشره در  
 و نه خواجه در کلاه ارض مملکتی در که ارض میری دیکله خود وقت  
 رقبه سی بیت انگلکدر رعایا به تقریف شد یعنی او نمشد اگر کلاه کلاه  
 خواجه موقوفی حضرت ایوبی آینه بعضی دینار باطله ایوبی آینه  
 و خواجه مقامه سی عشره در بر سر کلاه کلاه کلاه کلاه  
 کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه  
 و بر ختی کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه  
 تقریف فرموده در مشرفه در بر سر کلاه کلاه کلاه کلاه  
 می و بر اولان کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه  
 تقریف قادر در و آله کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه  
 کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه کلاه



حاجیه در آن کسبه به فلیک او غیب بیت المال چون افزاز  
تصرف اندوه اجاره طریقه و بر شدرا کوب بکوب فواج  
موظفین حشمتا قیامت نامه و بیرون فواج مفسدین عشر  
اودن را در غیب فوت اولد قنده او غلظی فک اقرنه قارب  
او غلظ قلیوب قوی فکولر سربل بر وکی ایله کادیر فک امر  
اولمش دره بیاؤنه و برین ایجا اوجت مجله در زمان تصرفی  
تعیین اولغانمین اجاره فاسده در آن تعظیم ایمن الیزند  
آکول فوج و بر کله سپاهی منع اولغصین لغه شریقا قدر کله  
حقان حقوق ارض نایسه انک اورد **مسئله** ارض ملک فارض  
میری نه در **قواب** شهر را یکجده اولان بر لر فکله در حاجی سیه  
و حبه بر و رهنه و و وجه قادر در فوت اولغی قیوم و رنه  
انتقال ایضا ارض میری قیر ارا طرافه زراعت اولور بر کله  
صاحبوی قولغن چکوب بهوس و برور سیه و حبه و وقف  
قادر دکلدر فوت اولد قنده او غلظی فک تصرف ادر فکله  
سپاهی نه بواله و بر **مسئله** میری برده اولان باغ و باغچه  
حبه سنی صحیح اولور **قواب** اولان زراعت عدرا حبه مراد اولور  
اولان میری تقویین بالان اولغوب بعده باغ و باغچه و ساثر  
ایکجده اولان ملک جمله انچه اولور **مسئله** ارض میری اوزر نه  
اولان باغ حبه سنی صحیح اولور **قواب** سپاهی اولغی جانی در  
**مسئله** اولان سیه بر حبه وقف و رسوم عرقیه سیه سپاهی جانی  
اولان و بینه کلول اولان میری متولی و وقفی نه بوی و بر بر حبه

ساحسی

سپاهی و بر **مسئله** طابو سنی برک تصرفی مقابله کننده و بر  
لشند در برک رفیدی وقت اولغی منافع مقابله کننده و بر  
دخی وقت اوجت مجله سنی اولوب سبیرا جوت سنوت و بر  
شهر سنی بری شهر ضابطه تک کردگر سپاهی ایله دخی اولد برک  
عشرتی اولنده بر با خود سکرده و بر بیان فواج متولی  
و خدمت سنی ناعنه و بر فواج متولی بونک بیک بر رسوم  
شرعیته و ندر که سپاهنک عقال حق در رسوم عرقیه دن انده  
اصلا بر اولغی غایب چه جیما بنا ک آوند انان وانک مثال  
رسومه سنی کیشلی اولمان ارض سیه نیک طابو سنی  
اصلا سنی دخی سپاهنک ایچی انقدر کین روعده کله ارض  
ایچی بکشو در انک رسمی به بوسن اصلا صحیح اعلاک متولی  
وقف اولغی بک سپاهیلر کلوب و فاقه کیم و حاد و  
انوه حاصل سیه انمشدر حشمتا منافع ارض مقابله کننده و بر  
اوجت مجله در دیو حفاة جمله با خود بوعین کرسنه سز و فاقه  
حکام بیک قدر دکلدر **مسئله** زبوان ایچی باه او ازم و طابو  
طابو سنی صولور بر تقصیل اولان توقیر باغچه لرین وقت است  
ایچی و قضی متولی دخی اولور و حشمتا دخی با تقدر که  
کلکله و بر علیر اولور شرعا و حشمتا و اوزر اولان کله  
و قضی سیه اولور **قواب** ارض سیه نایه اولور سیه  
بر قسی ارض خواجه و در رسم دخی ارض عشرت و بر سنی  
ارض خوان مملکتی در و بونشم تا ندر که بین انان ارض سیه

۲

ویکله سو و قدر ارض خواجه اولدر که فاتی اولان پادشاه اول  
 سیری طوبی اهلن انده قرار تدر ب بر این انده ابقا تدر ب  
 و وزیر این خواجه وضع بخش اولایا خود انون کیدوب آنجا کلامه  
 انده کتوبد اسکان ایلیوب سیر زمین انده بر مقدار خواجه  
 و برش اولایونک کید ارضک بیسی و همدی و تقیعی و  
 و قشعی صحیح در نبر اهلن تقریر اسکان فاتی اولدر مالک  
 اولدر و ارض کتبی اولدر که فاتی اول سیری طوبی اولوب  
 اهلن اهلن ایدوب انون کتوب سلی نوره اولدر اهلن ایلیوب  
 ارضدن حاصل اولانک بعضی انده کتوبد بعضی مصارف  
 بیت لمان کون منط اولمش اولایونک ارض صدق و بر رخص  
 و تا باین نه ندره همان اون حصه در حصه انوب با بعضی  
 صاحب ارض خود قای ایگون ارض عشره ویکله معدون اکثر  
 بونک فاتی اهلن مالک اولمش بیسی و همدی و تقیعی و در تقیعی  
 صحیح و ارض خوان مملکت اولدر که صعبه ندره و جمعه  
 اندر فاتی و نه و جمعه و سیر لکی کون معلوم اولیوب یا خود  
 مالکری منقول اولوب مجهول الحال و مجهول مالک اولمش اولمش  
 بیت لمان منط اولوب و فاتی سلطان ولایت یازوقده قطع  
 ایلیوب بعضی کجا جمعه و غیر کجا جمعه و در تیمار اوزره و بر بد بو  
 و در ارض سیری اوشس و ندره و صاحب حرات و مایه کله  
 ایدو فاتی خواجه سیری اولوب ارض یا و ایکارینه تقریر حاصل اولوب  
 رسوم عرفیه و حقوق شرعی سلی اولوب بوا ارض سیری اسمک

صاحب

صاحب تیمار نه صاحب تقریر ارض اصله و قد ارض مالک  
 اولدر قری ایگون بیسی و نه جمعه و نه و تقیعی جابر در کن  
 اجاره و اعاره سیر جابر در اما بحب الفان بیس اولدر و کله  
 ارضه کتوبد اولمش در اولدر صورت فتوح اولان اولدر  
 و طه هرک و با جمعه هرک سیری اگر ارض حاجت با عشره سلیه  
 و قد تقیعی صحیح در و اگر ارض خوان مملکت ارض تقیعی صحیح و ارض  
**مسئله** ارض مالک تقریر ندره اولان در لاک بعضی جابر اولمش  
 قابل اولوب زراعت تیموریه بره خوب سیر حاصل اولان و کوشن  
 کتوبد انتقا با سیر طرفه در اختیار ارضی اولدر ارضه  
 سیری ایگون ارضی جابر اولدر **مسئله** ارض مالک ارضه هرک  
 مملکتی و کله در ارضی مملکت در حین فتحه کتوبد تقیعی تیموریه  
 زراعت و حرات ایدو عشره ارضه در مملکت در حین جنت ارضه  
 سو کوشن و بر یک ارضه در ارض مالک کتوبد فاتی زراعت و حرات  
 ایدو منط و جهت کتوبد کتوبد ارض مالک حقوق در کتوبد سن و کله  
 قدا ندره القدر حین اوج سیر تقیعی ایله ارضه ارضه و بر مالک  
 عشره در تا ارضه کتوبد حقوق تقیعی در مملکت کتوبد ارضه  
 حاصل اولان و ارضه معادل اولدر و حاصل عشره ارضه  
 با تقیعی ارضه ارضه حاصل اولان غلامه ارضه در ارض مالک  
 غلامه حاصل اولان ارضه ارضه ارضه ارضه ارضه ارضه ارضه  
 مؤنه سیر حاصل و بر هرک حاصله سیر ارضه ارضه ارضه ارضه  
 مشروع و کله در کن ارضه اولان ارضه ارضه ارضه ارضه ارضه

صاحب











موقت صاحب فضل برکنه بحق تفریق توفیق ایروب فریور  
و فی کوب اوله تا لاکس کخده نایسته اولان خدایه جوزاغا جویله  
صنط ایبرکن صیکو دن غنچه سالت اولوب همین توفیقده  
اول خدایه جوزاغا جویله ذکر اولنایه دی جوزاغا جویله من صنط  
ایرین دیو بیتره لیس خدایه ایتره اراضه نایه و در این دیوگی  
ایده جز لاکس کخده فالور فالوندر حکم سربیف و بر فرور مقده  
باغچه اولان بر لک بخاری سینه من قاسیوب نجیده صبان کیروب  
زراعت ایترکن اول بر لک سینه من علی التوالی نایه جوزاغا  
قلوب طابویستی اولدوقده برکنه صاحب فضل طابویله  
زراعت و حاشا ایله فالو اول بر لک نجیده خدایه جوزاغا جویله  
اولدوقده اسکی صاحبیا اول بر مقده باغچه ایله طابویستی اولماز  
ویکنه جوزاغا جویله و اوردور بیتره ایده جز خدایه نایست افغان  
یبه نایله برین طابویله اولان صنط ایبر و بیوم صوم توفیق عمره  
باش اهر و بر شدر برکنه قوت اولوب تفرقه اولان برین  
فالون اوزره طابویستی اولما زاد غلقری وار یکن کن و غلقری  
صغیر بو سوب زراعت نجیکه قدر اولیب ساد من توفیقده  
قلوب صاحب من صغیر ایشوب تفرقه قدر توفیقده کن اول  
برین طابویله خده و بر کنده صغیر ایشوب قدر اولدوقده  
بنا لری برین اول سنده کسک اولر طابویله اولان کنه بیتره خدایه  
الوم جو تفرقه ایله هر زراعت برکنه غلقری ایله سالت اولور قدر  
صاحب فضل نایله صغیر دن و بر ویکی قدیمه طلبیه هر صاحب

ارضه و بر ویکی قدیمه نایله صغیر نایله سنده ورق توفیقده  
برین صغیر اولدوقده نایست اولان کنده و صغیر صاحب برین  
وین نایله تفرقه ایتره ایتره جویله کله صغیر صاحبیا  
و بر سینه دیو مقبول و کله صغیر ایشوب تفرقه قدر اولدوقده  
صغیر اون بیتره و کله ایتره برین نایله اولان کنده  
ق توفیقده و بر ویکی اولدوقده نایله و بر لک صغیر  
وده سنده مقده باغچه خوت اولوب اوغلی و قرین و با بر لک  
قالیب اولدوقده اوغلی قاش اوله ایتره نایله بر لک  
رسم طابویله ایله طلب ایکن صاحب ارض خده و بر لک  
ایله بر لک و بر لک توفیقده و بر لک و بر لک خوت اولان کنده  
صغیر اولدوقده برین اولدوقده نایست اولان کنده  
صغیر ایتره ایتره ایتره ایتره ایتره ایتره ایتره  
صغیر و کله صغیر توفیقده و بر لک و بر لک و بر لک  
ادایته عودا کر ایتره و بر لک ارض صغیر ایتره ایتره  
و کله و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک  
ایله فالور و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک  
برین نایله ایتره و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک  
ایتره و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک  
صغیر ایتره ایتره ایتره ایتره ایتره ایتره  
و کله و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک و بر لک  
اولوب برکنه صغیر ایتره ایتره ایتره ایتره ایتره







قنداش مرقوم جنگک نار نارانه ده بوايله المش اوله قوی  
 حق ده بوئنده دیو تالارلی کرمی الهه قدره اولور من **الجواب**  
 اولماز نار نارانه اوغلندن عیتر کسنده کون حق ده بو پوز  
 وکن جنگکده ملک اولوب نار نارانه جنگکده تا بعد اولمقله  
 ملکه بیعت چینه ورده بوايله اولور **مسئله** بند فزت اولوب  
 قیزلی هند و زینبی ترک اولدکده صکره زینک سستی ده بو  
 اولان نار نارانه شفق هندی ده بوايوت نصف حوک  
 زینب ده بوايوت همد دنده ایکن قوت اوله لاول نصف  
 زینک اوغلنکی انماز ایکن حق ده بو واریدی دیو ده بو  
 ایله الهه قدر اولور من **الجواب** اولماز **مسئله** هندی متوقینک  
 سستی ده بواولان نار نارانه هندیک صغیر اوغلی عمر وک  
 باکیس بکو صغیر اشغ اولمقله صاحب ارصده ده بوايله  
 البوریک مراد ایتمکده صاحب ارضی اکا ویر سیوب آخه  
 و سکه قدر اولور من **الجواب** اولماز قانون در بیان احوال  
**صغیر** یعنی صغیرکی برلری آخه و برلری بو برلر **مسئله** ایتمک  
**النه** صغیرینه نیجا اولور و قانون اولور قانون نیجه در بیان احوال  
 صغیرکی برلری آخه و برلری ورلری من بعد البلوغ اولن سده  
 اولور **نوع** آخه صغیرکی سر عقل کلقله ده توج اولماز تو  
 اگر آخه و برلر بعد البلوغ اولن سده کمال اولور **نوع** آخه صغیرکی  
 با بالرنن منتقله برلری من خط و دراخته قدر تکی اولیوس  
 بر طریقه اولور من خط اولنونه آخه و برلش اوله س باغ اولدنگ

صکره اولن سده بویک کیردی اولور من با بالرنک خوی نه شدن  
 محسوب اولیوس بکنده کورنی باغ اولدنگلری نه شدن محسوب  
 اولن سده بویک بعد البلوغ من خطلری وار ور طلب وانقد  
 و ضبط ایدر با بعد البلوغ سکوت ایدوب اولن سده و اولد  
 طلب ایتمز تر سب خط اولور **نوع** آخه صغیر اوغلان بعد البلوغ  
 اولن سده بویک باکیس برلری کور آخه کرک صغیر کرک کیرمه  
 اولشو با سبک خوی کونون اولن بیله ایکن اولد کونک با برار  
 قزناش کرک صغیر کرک کیر او شوبلا ولد متوقین قزناش  
 برلری بر طریق ایلمه آخه و برلش اوله و فاشدن اولن بیله  
 وکن ده بوايله اولور قومان اوتمش در صکره الهمازق نونر **مسئله**  
 رند فزت اولدکده شرفنده اولان برلری صغیر اوغلی عمر و  
 اشغ ال ایتمش ایکن صاحب ارضی اول برلری ده بوايله بکره نغیض  
 ایلمه ناه عمر و باغ اولدکده اول برلری بکرک بولدن الهه  
 قدر اولور من **الجواب** اولور **مسئله** جا ولد ذکر فزت  
 اولان زینک سستی ده بواولان نار نارانه صغیر قوی هندک  
 و صیغیح عمر و هند ایکن ده بوايله البور سکن ان اشغ ایتمک  
 صاحب ارضی اول نار نارانه زینک اولی قوی ایتمک ده بو  
 ایله و سردکده صکره و فزت اولوب برلری بکره و صی اولدکده  
 زینبیه و سردک و وروب ناه اولمقله اول نار نارانه صغیر ایکن  
 الهه قدر اولور من **الجواب** اولور **مسئله** ملا ولد ذکر فزت  
 اولان زینک سستی ده بوايله برلری زینک صغیر قوی هندک

وپس اولاً عمرو صغیره بر نفع اولغده صغیره اچکون طوبی شلیله  
 الحظ طاب لیکن سببهای آنکه و بر مویب طاب بویاید بکره تنویض  
 اندکون کنگره عمرو اول تا لاکت طاب بوی مقلدین صاحب  
 ارغنه و بیروب اول تا لاکت کردن و صایه اوب صغیره  
 اولور من **الجواب** اولور **موسونده** عمرو اول تا لاکت بکر ذوق  
 و صایه صغیره اندکون کنگره بکر رسم طاب بونا ضد و بر مویب  
 صاحب ارغنه ن طیب ایدوب ایینه قدر اولور من **الجواب** اولور  
**مسئله** اید مستوفادون سفارته انتقال عاری ایلد انتقال ایدون  
 تا لاکت بی اوج کسندون زیاده عالی و معقل قالمقده صاحب  
 آخوه طاب بویاید و بر مشرب اولغده لا سفار باغ اولور قونده اولور  
 تا لاکت ایینه قدر اولور من **الجواب** اولور **مسئله** ایدوقده  
 ایدوب اوغلی عمرو ک صغیره بیک ایلد کده اجنبی اولور بکر  
 سببهایند بیک یر لرن طاب بونوب سببهایند اولور بکر  
 ایینه عمرو بعد البیوع یر لرن و اجاره ارض بکر  
 قدر اولور من **الجواب** یتیم ارضی اوغلی جو مشق حکم اولور  
 اوغلی ملک موروث کسید را اولور بکر اولور اولور  
 ایدوب یتیم جاننده بقرنده مانع اولور ایینه غضب حکم اولور  
 اوغلی تقاضا ارض و جو مشقندن تقاضی زیاده ایینه  
 اول حکم اولور **مسئله** ایدوقده ایدوب اوغلی عمرو صغیره  
 بیک ایلد کده بکشته سن تقرف ایدور کسده سن اولور معاین بکر  
 اجنبی طاب بویوب عمرو باغ اولور بقرنده ایدوب بعد عمرو

طیب ایلد کده بکر طاب بولش یر مد رویو و بر حکم قدر اولور من  
**الجواب** اولور اوغلی موروث کسید انتقاله زمان  
**مسئله** اید صغیره بیک تقرفنده اولور تا لاکت یر زراعت  
 ایدور کسده سنی اولور مسئله بکس الح کسده طاب و بوز قاضیه  
 صاحب ارض طاب بوی سنج اولور رویو طاب بویاید و بر حکم قدر  
 اولور من **الجواب** اولور **مسئله** اید صغیره مستوفی با سنی  
 عالی ایلر انتقال ایدوب وقف تا لاکت اولور زراعت ایلور  
 عالی استور اولور اولور لای طاب بویاید و بر حکم قدر اولور من  
**الجواب** اولور **مسئله** ایدوقده ایدوقده اوغلی عمرو  
 با سنی ایدون انتقال ایدون تا لاکت حق تقرفنی عمرو  
 ایدکی با سنی بکر بشرد تقویض ایلد عمرو بعد البیوع ذکر  
 اولور تا لاکت بشرک لندن المغن قدر اولور من **الجواب**  
 اولور ایدسطه تا لاکت عمروه تقرف ایدور بکر **موسونده**  
 بشرک تا لاکت تقرف ایدوبی تا لاکت دخی اوغلی عمرو  
 بشرک المغن قدر اولور من **الجواب** اولور بشرک  
 تا لاکت ایدوک قط اولور غنسابش اولور **مسئله**  
 ایدوب و سینه اولور دخی اید صغیره بیک با سنی عمرو و طاب اولور  
 قدر اولور تا لاکت سن صغیره بکر باغ اولور صغیره  
 ایدور رسم شلیله البیور کده سببهایند صاحب ارض اید  
 و بر مویب آخوه و بر کده قدر اولور من **الجواب** اولور **مسئله**  
 هندک زوج نایس اید هندک زوج اولور عمرو اولور

اولان اولاد صغیری بکورد بشره جنگلکوی هندک امر باد اول  
 سنه تقریب ایدوب جده بکورد بشره باغ اولد قورنه اول جنگلکوی  
 برقصه جنگلکوی صاحب ارضی اولد جاده بخویض ایلد کوزنه  
 زید جهرزین اول جنگلکوی اول سنه تقریب ایلد بکورد  
 ملکدر بو بود عوی ایدوب خالدرن لول جنگلکوی شرف  
 الخندق در اولور **الجواب** اولغاز بود وجه تقریب ملکی موجب  
 دکلد **مسئله** هند صغیره تک ملک باغی خواب اولوب تدار  
 اولد قدر صکره هند باغ اولوب زراعت و محصوله عشره  
 و صاحب ارضه و مرکب فراد ایلد که صاحب ارضه جهره باغ ایلد  
 خواب اولد آغزه طا بواید ویردین دیو بجه وید قوضون قادر  
 اولور **الجواب** ایلد **مسئله** زید شوق تک مخلوله اولان تارالان  
 صاحب ارضی نیک فرمودی هند و زینت صغیره اولی غلجه نیدر  
 عمروه طا بواید ویرمش اوله حاله صغیره ترک و مسیله و عمه ایلد  
 بکوصغیره لره باغ اولد عمروک ویردین ویردوب اول تارالان  
 و صاحب عمودن الخندق در اولور **الجواب** اولور **مسئله** زید صغیره  
 مشوقی با بایس عمودن انتقال ایدن تارالانک سبب جهره زید صغیره ایدوب  
 طا بواید آغزه ویردیک قدر اولور **الجواب** اولغاز **مسئله** هند  
 صغیره تک طا بواید تقریب اولان تارالان ایدکی با بایس زید عمروه  
 اذن صاحب ارضی لیه کورده بدله قالمکینه و فراد ایلد حاله  
 باغ اولد قورنه اول تارالان عمودن جمانه عوی ایدوب  
 الخندق در اولور **الجواب** اولور **مسئله** زید شوق تک

مسئله

صغیره اوغلی عمر و بکوره نیدن انتقال ایدن تارالانری زید اول  
 آغزه دیاوردن اولد اولون سنه مقدارکی زراعت اولوب بوز  
 قلم خله سبب بوز نیدن طا بواید ویردیک قدر اولور **الجواب**  
 اولغاز **مسئله** زید و صغیره اولد بقی صغیره تارالان اولون  
 سبب بوز ایلد شوقه راجه بدل مخالفه سنه عمروه خالدرن ایدوب  
 بعده صغیره باغ اولد قورنه اول تارالانکی عمروک ایلدن جمانه  
 الخندق در اولور **الجواب** اولور **مسئله** عمروه ویدن لول  
 ویردیک ایلد ایلد ندر نوب اولد قورنه ترک و ایلد سنه  
 بقی ایلد ویردیک سنه الخندق در اولور **الجواب** اولور **مسئله**  
 بد اولد عمر فوت اولان تک سستی طا بو اولان تارالان  
 صاحب ارضی عمروه طا بواید ویردیک صکره ایلد صغیره  
 قرنی هند باغ اولد قورنه عمروک ویردیک ویردوب اولان  
 عمودن الخندق در اولور **الجواب** اولور **مسئله** بد اولد عمر  
 فوت اولان زید تک سستی طا بو اولان تارالانری صاحب ارضی  
 عمروه طا بواید ویردیک عمروه ویردیک سنه تقریب ایلد  
 صکره حاله زید تک صغیره قرنی هندک و صغیره بکوصغیره  
 باغ اولد ویردیک ویردوب اول تارالانری عمودن الخندق  
 در اولور **الجواب** اولور فوت ندر دین اراضی المستوفی  
 مدیونایع نوبت فوت ایلد تک اراضی مستوفی  
 دینایع نوبت بجز اولمیدوب و ضرورت لغتیه صفرا کون  
 اراضی بایع الحجاز و بیع اولمیدوب کیر و باغ نوبت برقی کیشی

فوت اولدوقده دین ایکیون بری سانسکه صکره اوغلی هله ایسه  
 آنور نفرینده مکتبت جا نیز دکلد بری ادغون سلسله ایسه  
 برادغلیک اولور متوق تک دین ایکیون شرعی عالمی دغلی وارسه  
 اولدول او اندر بیور ارض مری یورخ ایکیون صامیز نوع تو  
 برکنسه نک غیره دینی وار یکن فوت اولوب نفرینده  
 اولان بریز اوغونو انتقال ایلمکه آخزون برکنسه من  
 سنگ بابانک میری به دینی ویروم بر لرین دینی ایکیون  
 اکورم دیو دغلی ایلمکه صحری به دینی اولمغه ارض مری  
 صامیز جا نیز دکلد متوق تک متوق تک وارسه اندر  
 انشور بره دغلی به مزق اولور نوع **اخو** دینی وار یکن فوت  
 اولان کنسه تک متوق اولدوقی بر لری از غلته قیانا انتقال  
 ایدر دینی ایکیون بری صامیز اگر هلسه ادغلی طلب ایسه  
 مکت اولور مکتبت نفری برده جا نیز دکلد متوق تک  
 دینی شرعی اگر عالمی دغلی وارسه او اندر بیور اگر اولدول  
 او اخله ارض میره صامیز جا نیز دکلد بره دینلر بره دغلی ایدر  
 اوغلی بلاط بونجان و نیز بلاط بوا ایدر قور و نیز شیلر  
 وس براره قیون اولور دغلی بوانید بر بیور نوع **اخو**  
 متوق تک بر لری صغرا دغلی سرتقال آنکوره وحی صکره  
 بر لرین ضرورت دینی و با خود ضرورت نشسته سیمو سنج  
 ایکنک جا نیز دکلد صاحب ارض ایدر بر لری قیون  
 دکلد صغرا بر شیلر نفرینده قار اولد قورنر صکره اولدول

جو ورا تیش دکل ایسه بر لرین ذوالیه اولاندن اولور لوق نوزدر  
**مسند** ترکه کس دیوننده قیون ایضا ایستون تک ادغلی عمر  
 با بکشدن مشقت تار لاون حقه سن قورنیش کور بره مقدار  
 آنچه دغلی بدسنده تقاضی ایتمکله دینک و اینور نیز ترکه  
 قیون ایکنک دیو دین بر عمر و دن المغه ق در اولور لرین  
**الجواب** اولماز بر و بنده دینی ایستون ایتمش ایسه و اینور تک  
 مرزعه حر حصار کلمه **مسند** زنده متوق تک صغیر ادغلی عمر و  
 و مسیسی صغیر تک تار لار بری صغیر ضرورت دین با خود  
 ضرورت نفرینده وار لار بره یور و قدره تقاضی بدسنده  
 آخوه فراغ ایتمکله ق در اولور **الجواب** اولماز **مسند** بند  
 و مسیسی اولدوقی عمر متوق تک صغیر ادغلی کورک نفرینده  
 اولان تار لار تک عمر و کس دینی شیخ ایکیون آخوه بر مقدار  
 آنچه مقابله سنده تقاضی ایتمکله ق در اولور **الجواب** اولماز  
**مسند** حقه متوق تک اولدوسفر رنه واهی اولان بند  
 صغیر تک تار لار بری ضرورت نفرینده سیمو سنج چون آخوه فراغ و  
 تقاضی ق در اولور **الجواب** اولماز **مسند** زنده صغیر تک  
 نفرینده اولان ارض میره تار لاری و مسیسی صغیر کورک  
 نفرینده سیمو سنج قاضی ایکنک حقه تقاضی ق در اولور **الجواب**  
 اولماز قیون در میان قیون متوق تک ادغلی اولور  
 زور کس جا اولدوقده قیون بوا ایدر نفرینده اولان تار لاری  
 قیون بوا ایتمکله بر و بر لری و بر لری بره انور متوق



اوغلی اولمیو. زود کسی حاصل اولوب مثل ظهور ایدیکه  
 تار لری نوزده اوغور **مستطاب** ایدیلد و فوات ایدوب  
 زوجه هندی حاصلی ترک ساید که صاحب ارغن بر لرین  
 طایب اولدی عروه و بیوب بیده هندی بنی وضع ایلدی کده  
 و حبس یوزک اولان بیز لرین زینب ایکیون قان اولزه  
 طایب بولوب درت میلدن سکن عرو و صاحب ارغن بیوب  
 اسم طایب یوزی بکار دایلم با خود بر لرین و طایب ایلدی  
 دیکه قی در اولور **الحوب** عرو دن انان ایلدی و ایلدی  
 و سی بر لره دخل ایدیه عز استحقاقه دکلدر عطا نیه در احوال ایدی  
 بو یله در هم شریک عرو در ویره مشرف اولدی عرو دن انان  
 و بر نینجه بی ندان النعنه هندی بو قدر سباجی عروه و بر مش  
 ایکن انچه سینه بو بر لری قوه و بر مش نافذ اولمز اول بر لر  
 طایب بو یوز استحقاق اولدی قده موجود اولتی قریبده استدراده  
 قاده سیدر بلنگ کده بر لری مقوله اولور لامره حوا جمعیت  
 اولدی **بو صوری** نه هندی عرو دن و بر دین سباجی سباجی و بر  
 بر لر ی صبطه و اولدی کده عرو دن و بر دیم انچه بگا و بر قده  
 صبطه ایدیم دیکه قدر اولور **الحوب** اولان **مستطاب**  
 ملا ولد فوت اولان زودک زود کسی هندی حاصل ایدی صاحب  
 ارغن نشرفده اولان تار لارین هندی وضع حل ایلدی من طایب  
 آخوه و بر ملک قدر اولور **الحوب** اولان **مستطاب** نیه و قی است ایدوب  
 زوجه کسی هندی حاصلی ترک ایلدی کده عرو زودک بر لر ی حوا

لایحه

له قدر کسکه هندی زینبی طوغز قده سیدر زینب کیون طایب  
 قفسه حکم اولور **مستطاب** مسطاب قزین و بر ملک خاری اولور  
 طایب در ایا کده دن ظهور ایدن و حی طایب بو با یانک لفظ قدر  
 اولمکن ابر کور لاشدر قری طایب و بر اغانی است قوه و بر ملک  
 زمان اولمشدر استحقاقه دکلدر عطا نیه در بر مشرف  
 اولور لامره حوا جمعیت **مستطاب** ارغن بر مشرف اولور  
 اولوب زوجه کسی هندی حاصلی ترک ایلدی کده صاحب ارغن  
 اراضی افر قومه و عروه و بر مشرف اولور طایب هندی وضع حل  
 ایدوب بر قری ظهور استحقاق طایب قزینک اولوب  
 و طایب بو ایلد یوز بر ملک مسغیه بی نافع اولدی صغیر و هندی  
 اولدی والد سینه هندی عرو و بر دین زودک اولور اراضی  
 صغیره ایکیون اوب تقریه قاره اولور **الحوب** اولور  
**قانون در بیان احوال ایشته طایب** عرو دن **مستطاب** اولور  
 اوغلی هندی متوفی ملک بر لر ی طایب طایب اولور لامره حوا  
 مسلمان تقدیر ایلدی حی طایب و بر ملک طوقوز یوز تمیشتن  
 ذمی اتقده سینه عروه سنده زمان اولمش ایدی کون با سینه  
 وفا سندن کسکه نه مقدار زنده کده و بر ملک مخصوص ایدی  
 اولمی ضمن اول اصل بر لر ی رعایا طایب قیه صاحب ارغن  
 طایب بو ایلدی اوب الدن اولد و عرو زنه کن ایکن متوفی ملک  
 قزین کلوی طایب ایلدی اوب المخلد بو احواله رعایا سینه  
 کلی اختلاف واقع اولغین نه مقدار زنده کده و بر ملک قوه

بچه در

اولنوب دیو یا نه سر بر اعلا به عوض اولننده بیک درت رضا  
 بنه کنه زن انک سخی و غنی فیما بین متوفی کنک بر لری طه ایله اولان  
 قوزینه بهالری و فاشندن اون بیلده دکن و بر یوب اون  
 بیلدن صکاره و بر لیه دیو قوزان اولنشد قوز کرک صفره کوز  
 کرک سیمیه اولسون و با با بر جزاش کرک صفر اولسون کرک  
 کبیر اولسون بو سوال اورزه **قلنون** متوفی کنک بر لری و  
 صفا تر لری قوزینه و بر لیک خصوص بیک اون دیکی ذی ائمه  
 اون برخی کومنده طه بوالیده و بر لیک قوزان اولنشد بر لری  
 ایدر بکشور رسم و مردم دیو تر ایل اولننده دخی معانی کفین  
 اولننده اول خوله طه بوی ستمی اولناده بوالیده بر خدایت  
 شرع و قوزن متوفی اولوب رسم کاشور و بر لیک رسم طه بکمانه  
 اولماز کرک رسم طه بکمانه اولوب اولدی بر لری قوزان اولنکر کیم  
 حواصی ایلایون و ذره ایلای صاریه و اوقاف و ارباب بخاره کخی  
 خدر اولنی خله صاحب لری کرک اهل بیلسون کرک بیلسون قوز  
 رسم طه بوقطع اولوب اولان بر لیک اولماز بویض مسی ناز  
 تقید بر لیک طه بوالیده تکلیف اولنور لیک کرک صاحب لری  
 و طه و کت و بر لری بویض مسی اوق اولنشد **سشم** بر لری و یا نه عورت  
 فوت اولسه تقید اولان تا مالاری کساجی طه بوی و بر لیک  
 ایل و بر لیک طه بوی و بر لیک لایه نامور اولان کلار **رشد**  
 قوز اولی بقی قوزینه کبیر **سشم** بر کت کندی چای بیلده و مال بیل  
 اورزه آجوب رعایت ایچون تارلا و چایر ایشنه یا خور و قیر اولور

بخی

جفتی ادا صایب اول کسینه فوت اولننده بر اولنن بر قوزینه  
 چای بیلده و جفتی ادا صایب اندیک بر لرون قوزینه کرم و دکلر ذی  
 نقد بر جبهه بوی بر لری **قوز** با مراد کاشجه بر اولننده  
 انتقال ایلر قوزینه جفته و بر لری کوز و قوز کرک قید اولنیش  
 اولور اوقات ایلر کسینه کنگ اوغلا اولیب شیخان قوزینه  
 قوز و بر لری بوی صاحب بقا کیم و کرک طه بوی و بر لیک کسینه  
 شیخان و قسین و سخی **سشم** انک بالنه کسینه و چای بیلده  
 اورغان و طغان اوب و قوزینه و چایر ایلر و الحاصل ایلر و انک  
 خور ایش اولنک کیمی بر لری اوقه طه بوالیده و بر لیک تقید  
 قوزینه یا بر لیک خوج ایلدی کیمی بالدن مجر و اولدی لایم لایم  
 قوزینه و بر لیک امر اولنشد بر لری قوزینه کسینه بر لری  
 اولنوب بویض کسینه لونه مقدر طه بوقه بر لری **سشم** قوزینه  
 المی امر بیلر شش **ق** قوزن قدیمه اوغنی قسینان متوفی کنک  
 بر لری قوزینه بویض کسینه تقید بر لری کسینه طه بوالیده  
 قوز کرک امر اولنوب بعده قانون بیلر **سشم** قوزن اوله  
 سر کرک بر لری کسینه مخصوص کسینه بر لری بویض کسینه  
 ایلر کسینه یا تقید و ایلر بیلر دیو بیک قوزن بیک تار کسینه  
 صادر اولنشد **سشم** زنده و قات امر و بویض کسینه عمر وی و ذره  
 هندکی و لا بویضا قوزن کسینه بیک تار کسینه قسینت کرک نه  
 و جسمه در و یا و ایلر کسینه هند تار لار ایلر و بر لری  
**ایکوز** نصی قوزینه باقی قوزن عصبوت ایلر یا کسینه و کوز

استحقاق اولاد برابر او شور لری با اید قزوینش ک قط اولاد  
 ایا عفا شیه اولان تالا خزینه ط بوالید و سر لکه قزان اولمشدر  
 قزی هند قضا شکیلون هجا او حقتیه ترقیه اولند و غنه امر  
 شریف کور شد با اینه قزاقی ایچ کور لکه قزاقش  
 پنجه در امر کور لمشدر کور بلان امر کردن لغزش اولان علا  
 بیبا ط بو خصوصه اجانب اولوب سماجی حتمه را اولمقد  
 عید کمال لومقوله حکیم و زوالا مکرر **مشهد** زید شوقنگ  
 اوغلی قلیوب میری بر لرین قزی هند و لا بوین قزاقش  
 غیر و لاب قزاقش بک ط بوالید المغه را غیب اولسه لید  
 قنقند و بر میر **الجوب** قزینه و بر لکه امر عالی کور لمشدر  
**مشهد** بلا و لدر کور قوت اولان زیدک لغزشده اولان  
 تارالری قزی هند ط بوشقزی ایله المغه ط بوالید ایکن زیدک  
 قزاقش غم و هنده لدر بیوب کندی المغه قدر اولور **الجوب**  
 اولماز **مشهد** زید قوت ایوب قزی هند کی تر کس ایچ کده غم و  
 قظام زیدک بر لرین کور **الجوب** کوی میل لغزش ایوب دست کور  
 وفات ایوب هند با یکس بر لرین المغه قدره اولور  
 قزی هند و راجنده ایکن آنچه و بر کفازن سلطان یوقدر خلاف  
 امر سلطان جصوصا و بر قوم اوزره لغزش معتبر دکلدر سینه  
 مستحق اولاقوبه و بر میر نهایت عدت مدد موری کیون  
 مکتب اولان بو خصوص امر سلطان ایله کور لمشدر **مشهد**  
 بلا و لدر کور قوت اولان زیدک لغزشده آراضی میر تیه سی حق

ط بوالید المغه صاحب ارض عمره ط بوالید و بر و ب زیدک قزی  
 هند بعد الملوغ اولن سیه سکوت ایوب ط بوالید المغه ط لکه  
 اولما شکیلون حال هندک اولان رقی ایچ بوالید بر لور سر ذی  
 مدافع ط قدره اولور **الجوب** اولماز **مشهد** زید قوت  
 اولوب بر لرین غیبی ط بوالیدوب کوی سید لکه قزاقش  
 هند ظهور ایوب عمر و ک صاحب ارض و بر میری کور  
 ایوب با یکس بر لرین المغه قدره اولور **مشهد** قزینه  
 و سر لکه قزان اولمشدر ایا بومقد از زمان حور و زین صکه هاشم  
 ایکنده المغه امر لاند بر لمر و عواسی دخی استماع اولماز  
**مشهد** بلا و لدر کور متوقفه اولان هندک حقیقته تارالری  
 مستحق ط بوالید قدره جفتک بوردی هند ریه قزی ایینه  
 انتقال ایوب زینت اولماز لار لکه ط بوالید ایچ کور  
 قدر **مشهد** بلا و لدر کور قوت اولان زیدک تارالری  
 مستحق ط بوالید قدره صلیبه قزی هند ط بوی شکیلی  
 المغه ط لکه ایوب صاحب ارض اولان عمر و ک ط بوی شکیلون  
 المغه قن عت ایتمیوب دختر بیکسید و بر و برین و لکه قدره  
 اولور **الجوب** اولماز بیغرض قستی نر لغزش بر لکلری کس  
 ط بوی لور **مشهد** ایچ کور و ک ملک بوردی بر لرین تارالری  
 زراعت استکوره صکه بلا و لدر کور قوت اولمقد قزی و حقه  
 وارثه کس هند اول بوردی برین ملکیت اوزره منبذ اولمقد  
 صاحب ارض ط بوالید و لاه اخوه و بر و برین دیکت در لور

ط بوالید ایچ کور و بر و برین  
 ط بوالید ایچ کور و بر و برین  
 ط بوالید ایچ کور و بر و برین









اجودب اجانیدز بشره سن آل دیگلا بشر اول مدلالری صاحب  
 از مندان المش اوله حاله اوج سن مرد زنده عمر و دیگلا کشف  
 حق انتری ایسه بن اعم و دیگلا بشره و مرد و کن و مرد اول  
 تار لاری بشره درن المذوق در اولور **الحجاب اولور سن**  
 بلا ولد فوت اولان زیدک سخی طابو اولان تار لاری صاحب  
 طابو ایله عمرده و مرد کده اینک لاب فزداشیم کر عمر و ک  
 و مرد و کن و مرد و ب اول تار لاری عمر و دن المذوق در اولور  
**الحجاب اولور** قنون در بیان احوال اخت یعنی متوفی که  
**مختلف قز قزداشیم** مستحق طابو خصوصه ک قنون و  
**قرمان** متناول ارضه در بیان اولور قنون حد بیرون  
 متوفی یک ارضه و با با برار قزداشیم قیلمی بود زنده ک  
 اولان قز قزداشیم یک اون رخصت شریفک عده سنده  
 فرماخ اولمشدی کن اکثر بود زده ک اولوب آله و ک  
 غدر اولوقین مطلق قز قزداشیم و مرکب با تا سر اصله  
 عرض اولمشده اولو با با برار قزداشیم قلمی متوفی که  
 هر لوی اول دیار کت المشبهه سن بیغرض مسلمانه تقدیر  
 ایندیگی رسم طابو ایله مرکب یک لاری ایستو ایک  
 یک یعنی کوز فرمان اولمشدر بود زنده ک قنون قز قزدا  
 جاعدا اولان و رنه در قز قزداشیم ایلمی بود زنده ک ساکن اهلان  
 وارث اولسا غزل تقدیم اولور **الحجاب اولور** قنون قدیمین بلا  
 ولد فوت اولوب با تا برار قزداشیم قلمی متوفی که هر لوی

لور زنده

بود زنده ک اولان قز قزداشیم ویر لک امر اولوب بود  
 قنون جدید ده سک اولن یکی تار کجند مطلق اولوب  
 ک قز قزداشیم بیغرض مسلمانه تقدیر ایلمی ک رسم طابو  
 ایله ویر لک فر اولمشدر و بیغرض مسلمانه ولد ک فوت  
 اولان متوفی یک هر لوی قز قزداشیم و قز قزداشیم  
 طابو ایله ویر لک ک اول بر لرین سربلیق محصولن ایلمی  
 طابو ایله اولوب زنده اندر کده ایتمه و اندر کده دیگلا  
 سک قز قزداشیم تار کجند قز قزداشیم اولمشدر بود زنده  
 جاعدا ایلمی ک تار کجند بیغرض مسلمانه تقدیر ایلمی ک رسم  
 طابو ایله اولور **الحجاب اولور** قنون قدیم اولن متوفی که  
 و غیر بود ارضه هر ک متوفی درن اوقه اولوقه کجند  
 و قز قزداشیم و اوقه برار قزداشیم قلمی متوفی که  
 اولان هر لوی یوردی اول زنده او توتور لک قز قزداشیم طابو  
 ایله ویر لک یک اون رخصت شریفک عده سنده  
 فرماخ اولمشدر و رت بش ک سن بدک ویر یوردی زده  
 بخش ایلمی **الحجاب اولور** قنون اولان زنده ک تار ک  
 مستحق طابو اولمشدر ایلمی ک و اجنبی بر ویر ویر لک  
 لا بوین قز قزداشیم هندی ک سن سکوت ایلمی حاله  
 عمرده ویر دیکنی ویر ویر تار لاری عمر و دن المذوق در اولور  
**الحجاب اولور** قنون قدیمین بلا  
 اولان زیدک سخی طابو اولان تار لاری اول کلمه ک



اولا تا بون قزوین است هند ط بوا علی المذهب برای کین بیک زنده  
زینب و بطی ثالثه و عسویه و اریغ و عوی سر می بندی منع  
و اول تا رانی ط بوا بیکه کنی کی الحاق قرار داد لر می **الحاق**  
ادگار **سلسله** و لغزفت اولان نیک مستحق ط بوا اولان تا رانی  
اول محله **کنس** ط قزوین است هند ط صاحب رنده ط بوا بیک  
المذهب را اندکده زینک والده س زینب بنم آبیون دخی حق  
ط بوا و المغله اول تا رانی کنی مقدارین بن ط بوا علی المذهب  
دیوب المذهب دره در نور می **الحاق** ادگار ط قزوین است هند  
انار بیکه حق ط بوا بیکه **سلسله** زنده فوت اولوب نصر فیه آری  
تا رانی مستحق ط بوا اولوبه نیک قزوین است هند اولوب اول محله  
کنس اولان هند ط بوا بیکه انخله سب هیه نه ط بوا علی المذهب  
فرا داد اندکده نیک والده س اول زینب بن آوری دیوب  
هند کی ط بوا بیکه مقدان منه ق دره در نور می **الحاق** ادگار **سلسله**  
**سوره** هند اول محله کنس ط بوا بیکه کنس سب هیه نه هند  
چونکس بو محله ادگار سن نصر فیه اولان تا رانی زینب  
فراغ و تقوی علی و حکم ق دره در نور می **الحاق** ادگار **سلسله** زینب  
عمر آید استراک ادرها دلان تا رانی مستحق اولوب  
بیمه ط و لغزفت اولوبه تا بون قزوین است هند اولوب سب هیه نه  
ادگار و محله **کنس** اولان هند اول تا رانی نیک هند سن  
ط بوا بیکه المذهب بوا اولوبه عوی سن ترکیب اولغله حق ط بوا  
بندرد یوهنه کی المذهب دیوب کنه کی المذهب دره در نور می **الحاق**

اولا تا شریک الحق اجانبه زنده قزوین اوتمشدر **سلسله** قزوین  
قزوین اولان هند و زینب کنس اولوبه کنس اولوبه کنس اولوبه کنس  
محله علی المذهب استراک تا رانی مستحق زینب کنس اولوبه کنس  
اولوبه کنس هند سن زینب سن شریک صلیط اولغله ط بوا  
ایران بصره صیقله ایده یک دیر بیک صا حب اهن تا رانی  
اولوبه کنس محله کنس اولوبه کنس و سر جم دیوب زینب و سب  
کنس قزوین است هند و سر ط ق دره در نور می **الحاق** ادگار **سلسله**  
نده ط و لغزفت اولوبه کنس قزوین است هند و سب کنس نصر فیه  
اولان تا رانی بون قزوین است هند اولوبه کنس اولوبه کنس  
اولوبه کنس اولان هند سب هیه نه ط بوا علی المذهب  
استماع ایوب الما مق ایله صاحب اهن اولوبه کنس اولوبه کنس  
عمره تقوی ایلی اولوبه کنس اولوبه کنس و سر و کن و سب  
اولوبه کنس اولوبه کنس دره در نور می **الحاق** ادگار **سلسله** اولوبه کنس  
فوت اولان نیک نصر فیه اولان تا رانی اولوبه کنس  
اولوبه کنس تا بون قزوین است هند ط بوا بیکه الما بیک صاحب اهن  
ط بوا بیکه سب هیه نه ق دره در نور می **الحاق** ادگار **سوره**  
زینب قانک حکم منزه قزنده اولوبه کنس اولوبه کنس اولوبه کنس  
سب هیه نه ط بوا بیکه منزه لوبه کنس اولوبه کنس اولوبه کنس  
انقلاب ایبردیوه هند ط بوا بیکه اولوبه کنس اولوبه کنس ق دره در نور می  
**الحاق** کنس و سب مقداری اولوبه کنس اولوبه کنس  
و استقل اولوبه کنس ق دره در نور می **الحاق**

وانا دکلدرو میرقی **نور** است ایله کوزب سورینا بیلر حواله ایکنده  
 طاش دیوانلانی اولورسه ط بویه ویریلور ایکنده اشهار  
 ستره اولغلم ط بویسته اولماز نهایت صاحب ارض آقوه  
 ویرد مرطه بویله وارنه ویرطه بویله هر ویرک قانور  
**مسئله** ایله ذمی آقو دیار حیزو اولوب قوزغناشوندر  
 او جا قنده کسک طریقه یه و آقو دیار حیزو یه و ادا جاتی  
 و عه قری اولور یعنی قریده بیزینه یه ترک بویسته شرقی بیزیک  
 ارض بیزیمین ط بویله قنوه قنیه اولور **نور** او جا قنده کسک طریقه  
 احق اولور **مسئله** ایله عا اولور قوت اولوب مسکنی ط بوارلان  
 تارلار بیزیک اول کله کسک اولما بویین قوزغناشوی ط بوی  
 ایله لغط ط لولایکین سرتکین ایزه ویر سوب آقوه ویرکله قار  
 اولور **نور** اولماز **بوصورده** سباهی اول تالاری اجا  
 بکه ط بویله ویرمش اوله قلا لیشی سته حوزو بیزیمین زبوره  
 بیکت ویردکن ویروب اول تالاری بکودن ایله قورده  
 اولور **نور** **نور** اولور **مسئله** ایله قوت لولوب زوده کسکی هندی  
 و صلی اوغلی عوی و صلیه ذمی بیزی و لای بویین قوزغناشوی بوی  
 ترک ایله کله صکره عوزو ذمی وفات اولور سانس قوزبوره  
 هندی و قوزغناشوی و قوزغناشوی و عقیقه یه بوی بوی ترک  
 ایله عوزوک اراضیه قوزغناشوی ط بویله کله قوزغناشوی  
 زبیزی ستمه اولور بویسته عقیقه یه بوی بوی اولور **نور**  
 ستمه ط بویسته انوب ستمه ایله قوزغناشوی انیب ستمه اولور

اگر بیزیک سکن ایلمند کوره اراضی کسک بیزیمین اولور کسک ستمه  
 اقل ایسه و الا اوج کونک مسافه ایسه انیب ستمه  
 اولور عتی بیزیمین کسک بوانقالت قوزغناشوی **در بیان احوال**  
**الوی بوی اوغدن** بابایه وایله هونده **نور** و **نور** و **نور**  
 اقوم مشوق اوغلی بیری و جاییری بابایه داناسه ویرطه کله  
 فوت اولورده انا وانا اوغلی بیری بولوندر محروم اولور قلی کوز  
 جی کله بویله عوی و اولور قلی بابایه سمر اعلی بیزیمین  
 اولور قده کسک بوی مشوق کسک اولور و بوی بیزیمین  
 قدیم مشوق کسک محلوله سرلی بابایه قورسه ط بوی ایله  
 ویریلور اگر بابایه قلیوب اناسه قورسه جمله سرلی اناسه  
 ویریلور اگر بابایه ویرا کسک بیزیمین مسافه قوزغناشوی  
 کسک بویله ویرک بیک اولور ذمی انقهده کسک اولور  
 کوزده فرمان اولور **نور** اوغلی سرلی بابایه وایله ویرک  
 خصوص کسک بوی ذمی انقهده کسک اولور بوی کوزده قوزغنا  
 اولور **نور** اخطام بیزیمین ویریلور و مشوق انا مشوق کسک اوغلی  
 و قوزغناشوی بابایه قوزغناشوی ویردی اولورده کسک قوزغناشوی  
 بوی بوی کسک بوی بابایه قوزغناشوی ویردی اولورده کسک قوزغناشوی  
 و قوزغناشوی بابایه قوزغناشوی قوزغناشوی کسک بابایه  
 ویرا کسک قورسه جمله سرلی و جاییری بابایه بیزیمین مسافه  
 قوزغناشوی کسک بوی بوی ویریلور بابایه قوزغناشوی کسک  
 ویرک کسک فرمان اولور **نور** اراضیه بیزیمین ستمه

ایند و اولد فوت اولوب و کورانا نده اولادی و قونداش دخی  
 قالیچی سر لهرن باکسنده طا بو اولد انتقال ادرم **الجواب** بیغضی سلی اول  
 تقدیر اولد کلمن طا بو اولد باکسنده و سر کت ادر اوشده **سینه**  
 رنر مشوقانک مستحق طا بو اولان تار لاری و جا سیر لری ایزدک  
 حضرا وارنده ان سیه هندی ابل و بر یکی رسم طا بو اولد لطفه قدره  
 اولورم **الجواب** امر جدید ایدر اولور اولد غلی سیر و اولد هسنده طا بو  
 اولد انتقال ایدر اولد اولد بیله دس ک لور قونقدر **سینه** سر عرقه  
 سنوی بر وقت قدر مقدار لیه مقادیر سس اولوب ادر زنده اولد  
 اشی رازیدک مکنی اولان باغجه ایزدک و فاشد نر حکمه ترک  
 ایشد یکی باکسنده انتقال ایدر م **الجواب** مکنی اولان اشی راشقا لایدر  
 اگر مکنده و کل السه عرصه بی رسم طا بو اولد لور مکنده ادر ستم  
 الوب مقادیر سس لایس لایدر **سینه** ایزد فوت اولوب  
 دگر و ان نده اولدی و قونداش و بیامی قالیوب نقر فده  
 اولد یا لاتی طا بو بیستی اولد قدره اولد کس هندی طا بو اولد  
 اولد کس باج نیک لور ایکی ادر ستم الوب تنوی ایشد کده  
 بیینه نکره و مر و سس سس نر و ایشد ایکن اچا نیدن اولد  
 عمر و کلوب ایزد شیت سیه اولد نینر ایشد ایشد دیو ایشد  
 نقر فده طا بو اولد قدره در اولدورم **الجواب** اولد نر ارض سیر کی سس  
 و کلدر عقی نیه در اولد کونه و بر هو کونه ایشد و بر مشق اولد سس  
 اولد نیک قطعاً دفع اولوب ایزد ک و بر سس اولدور **سینه**  
 جلا و اولد فوت اولد نر ایزدک لاری سس طا بو اولد قدره اولد کس هندی

قونداش عمو و عمی اولدی برون حق طا بو نسنکدر **الجواب**  
 والد هسنکدر **سینه** ایزد سیر اولد عمو و مشق فوت اولد قدره  
 حکمه ایزدک لایقین قونداش ایلوب اولد کله هسنکدر اولد  
 هندی عمو و نیدن مقدم فوت اولد لعل اولد لار ک حق طا بو  
 چندر ایزد عوی ایزد بر طر ک والد هسنکدر ایشد ایزد عمو و ن  
 مقدم فوت اولوب نده عمو و فوت اولد اولد اولد تار لار ک  
 حق طا بو سس چندر ایزد عوی ایزد بر مکن طرف نیک سینه لری  
 اولد سس قول نسنکدر **الجواب** ایزد کدر قونون در بیانه اولد  
**در نسنک** بیغضی سس مکن بودی و با خود ایشد و با خود  
**بسنک** و با خسته و با بیغضی خود بر ایشد اولدورم بر دور لوی  
 مطلق وارنده انتقال ایدر سس طا بو اولد قونون نجه دانه جان ایزد  
 اگر مستوف ک ادغه و قونون و هوا بر ایزد کس و قونون سس و بی  
 و ناسس کلید بر ورند سس ک لایق سس مستوف ک مکن اولدی  
 و ایشد لری اولد انتقال ایلد اگر اولد جفتک هر سکن ایزد  
 اول لری و جا سیر لری دخی بیغضی سس نر قدر ایدر کس طا بو  
 ایلان نره و کس فرغ نر اولد کدر اگر مستوف ک مکن اولد  
 اولدی و ایزد کس ایشد اولد کس مکن اولد مکنک لاندزه  
 سکن اولور اولد ایشد ل انتقال ایشد اولد ایزد کس ایزد  
 سکن اولد لوب ایزد صاهک سس مختار در اولد کونه و سیره  
 دیو بیگه نر و سس نر ایزد کونه فرغ نر ایشد نر نوع اولد اولد  
 فوت اولوب بر دور لوی قونداش و ناسس کلید مستوف ک مکن اولد

اولا غیر لری بود و در نرد و اولاد بر لری مکنی انتقال بدو و در هر یک  
 امر اولی باشد و از آن یک بود برین نقصان کلیه و ممالک بهمان  
 ضرر تر است بپایه و بیوردی بود بکنه هیچ و ارث فالعیوب  
 بیت المال فالسبت کمالی هر چند در حق بود بکنه و بان حال  
 هماد اولی شد **نوع اول** اگر متوفی تک حق ها بود با اولاد و در  
 کسب حق اولیوب بر هر چه ملک حقیق مندرک و همان جائز  
 انتقال بیدر و در حق اولی اول قریب کسب ایستاد اینست  
 آنچه در عیوب اولی بود در صاحب حق و ورش ایستاد و در هر یک  
 قانونی است تا بود و او زنده است اولی شرف در اولی آنچه در  
 اولی است که جنگی مزه قلمی مزه از اینست اولی اول قریب  
 ساکن اولی در اولی است اعتبار بود در اعتبار را در افاضه قانونی  
**نوع دوم** اگر متوفی تک بر لری او زنده است شیخی را اولیوب و حق  
 که بود اولی اولی در کسب حق اولیوب اول شیخی را بود  
 و بر لری اولی شیخ حاصل اولی ایستاد و کور و کوزنگه  
 صغیرت اولی و ارث مندرک بر تقدیم اولی باشد در قانونی  
**نوع سوم** ملک حقیق اولی در حق صورتی قوت اولی کسب تک  
 اولی در شیخی بکنه تر به ایستاد و حق اولی ایستاد  
 ارثا کسب انتقال بر اولی کسب اولی در شیخی اولی در اولی  
 بودند بکنه ساکن اولی کسب اولی شیخی را در اولی  
 در شیخی انتقال بر هر چه بکنه میوه شیخی را اولیوب  
 و ارث انتقال بر اولی ایستاد کسب حسب کور و

زراعت اولیوب بر هر چه بود مستحق اولیوب شیخ و ارث انتقال  
 بر لری غیر لری کسب بر تقدیم اولیوب کسب بکنه و ارث بکنه  
 اولیوب را کسب صاحب حق اولی حکم اولیوب زراعت اولیوب  
 بر لری اولیوب و بر هر چه بود **نوع اول** بکنه قوت اولیوب  
 حق ها بود با اولی در کسب حق اولیوب کسب بر هر چه  
 ملک حقیق مندرک و ملک حقیق اولیوب و اول قریب  
 اولی در اولی کسب مندرک بر هر چه کسب ایستاد  
 میوه شیخی را اولیوب و بعضی تر کسب حق اولیوب است  
 شیخی را اولیوب یا هیچ اولیوب صاحب حق اولیوب تا اولی  
 آنچه در ورش اولی اولی تر به کسب ایستاد و بولان  
 شیخی را ملک مندرک و همان حال انتقال بر هر چه و ارث اولیوب  
 ساکن ایستاد اولی در شیخی آنچه در اولی ایستاد  
 کسب بود و در هر یک قانونی اولیوب و ارث اولیوب کسب  
 ایستاد بکنه شیخی را اولی تا اولی کسب کسب کسب  
 خدای است آنچه بر هر چه کسب و ارث انتقال بر هر چه  
 ایستاد بر هر چه شیخی را اولی کسب ایستاد  
 و در هر یک حق زراعت اولیوب و اولی در اولی کسب  
 و در هر یک امر هر چه بود و اولی در هر یک کسب  
 نیز در هر چه و ارث اولیوب و ارث کسب ایستاد  
 بکنه و حق اولیوب کسب کسب کسب کسب کسب  
 کسب عدالت و حق بود **نوع اول** بر متوفی تک ملک حقیق

ق در اولیوب  
 بود متوفی  
 امر هر چه بود

فرزند با جوا بگفته بود که تا کسی اولوب یا بوسه بر شکر لیکن  
 ورثه با غیبت یک سال سن قلع ابد در عشرت انرا در اهنی ننگه قدر  
 اولور من **خواب** بنا و کشید متوفی ملک اولغله جراتور  
 اگر چه کیم اول در شب و در ملک امری مرفوع اید کن من امر علی  
 ایلرورد در بنده اولان و از نیک برینه ننگه علی ملک اکیون  
 بود مقوله چ و ارثه و سرنگ چه از اولغله در ناس لوا مرفوع غلط  
 اولغله و در شب و حیف اولور غفلت اولغله نیک امثال کثیر  
 الوقوع **سینه** نیک کن اولور غنی شهرک فرزند هر خطه سری  
 قدر بوب اکتبه صاحب ارض موشیلم علی غرس و بنا اعدان  
 زید و ب و طوین بوب و ب نقرق ایدر کن خورشید اول اول  
 بر ح اولان املک تک بر املک کسی اولاد نیده انتقال ایدر من  
**الجزایر** سزایطه بر بیلد انتقال اینتر اوزر نه اولان بنا و اشتی  
 مغرور سزایطه سزایطه سزایطه انتقال ایدر **سینه** زید ارض مصره  
 اذن صاحب ارض ایدر مغرور اولان شو قدر اشتی ماه تک ایدر  
 بد اولور غنی قوت اولوب ورثه سزایطه سزایطه سزایطه ملکیت  
 اوزر و منطه مراد ایدر کوزنه صاحب ارض اشتی سزایطه تا ایدر در بوب  
 طه بوب ایدر خوه و در بوب و در بوب نور زنی منصفه در اولور من **الجزایر**  
 اولان **سینه** بوب سزایطه اولان تارای تنقذه به سزایطه  
 خلیطه ایدر خواره نیست جمیع اولوب تقوی حواد اولغله سزایطه  
 تقدیر اولور **الجزایر** سزایطه و خلیطه مقدر اول غنی ایدر باقی  
 سینه کی اکیون ذایان **سینه** در **سینه** افرین اولوب

باقی صید اولان ذایان صاحبی قوت اولور طه ذایان بین اولور  
 انفس اولور من بوسه طه بوب ایدر و بر طوین **الجزایر** ملک در  
 اثر دین کیم است اولور فرخ اولور سزایطه ممکن ایدر قسمت اولور  
 راضی به استحقاقه اولور سزایطه اولغله نیکان و در بوب نزه طه  
 ایدر و بر طوین بوب مقوله سزایطه اولور اوزر و اجنت اولغله نیک **سینه**  
 زید و بوب که تو اذن صاحب ارض نقرق ذایان باقی صاحب ارض  
 کول کیم ایدر اولان بوب قدر سری سزایطه سزایطه و اینرا اذن  
 صاحب ارض نقرق عمره فراغ و تقویض عمره دینی تقویض ایدر  
 صلیطه ایش اولر صاحب ارض اولان بوب مقده صاحب  
 ارض تک اذ بیلد اولان فراغی طوین بوب اول سری بغیر وجه عمره  
 الخدق در اولور من **الجزایر** اولان **سینه** زید قوت اولوب  
 ترک می بیت المال عاید اولور طه بیت المال طرفه زید نیک  
 جفتگی طه بوب طه طلب و رحمت اولور نیک صاحب الارض اولور  
 و مرکب قدر اولور من **الجزایر** اولان بوب سزایطه قوت اولوب جفتگی  
 بیت المال ایدر ملک سزایطه نقرق و هر ملک کیم بوب بیت  
 المال طرفه نیک طه بوب نقرق ایدر و اولور ایدر اولور و در دکن  
 و مرکب و بر طوین بوب سزایطه اولور **سینه** زید بر ملک جفتگی و  
 قدیمه اول جفتگی تا بوب اولان تارایه متصرف لیکن قوت  
 اولوب نقرق زود سزایطه سزایطه نیک ایدر ملک مال است مال اول  
 جفتگی هنده زید ذمشده اولان مهر دینی ایدر سزایطه ریح  
 حقه سزایطه سزایطه و بر دکن سزایطه اولان تارایه کیم با

صاحب ارضدان طابوی مشغله المغه طابیه ایکن صاحب  
 ارض کا ویر میوت اجانبه ویر مکه ق در اولور می **الجاب**  
 اولماز **موصوفه** صاحب ارض اول تار لاری اجانبان  
 بکره طک نوابله ویر مشولوغه حاله هندی بکره ویر دینی اهر  
 عالی اولمغه صاحب ارضه ویر د اول تار لاری بکره المغه  
 ق دره اولور می **الجاب** اولور **مسئله** بخا ولد زیدک سا بوره می  
 زیدک تر کلسنه اولان ملک جنفکی زیدک زوجه سی بنده  
 حصه کسه طوته ویر د کلونه بصره هندی اول جنفکه تا بعد اولان  
 تار لاری طابوی مشغله المغه فی البیچن کس باچی هندی ویر  
 اجانبان غروه ویر د کسه بصره اول سیبانی معز اول ویر  
 یرینه بکره باچی اولد قریه هندی غروک ویر د بکی بکره ویر  
 اول تار لاری غروه ویر د المغه ق دره اولور می **الجاب** اولور **مسئله**  
 حصه معز ویر د بکی باچی اولان بکره ویر د اولان  
 حصه حرا اولد کسه غروه بکره بکا مقدم معز اولان سیبانی  
 ویر د بکی ویر د قریه سکمان تار لاری صنف ایندر جمه دیکه قادر  
 اولور می **الجاب** اولماز **مسئله** بکره غروه اولد حکم الله  
 مرافقا اولد قریه حکم الله غروه بکره مقدم معز اولان  
 سیبانی ویر د بکی ویر د بکره ایسه حکمی نافذ اولور می  
**الجاب** اولماز **مسئله** زیدک جنفکه ویر د کسه اولان جنفکه  
 تابع اولان تار لاره مشغله ایکن فوت اولوب اولان جنفکه  
 حصه وارثه اولان غمی غروه ارثه انتقال بکره غروه اول

تار لاری طابوی مشغله المغه طابیه ایکن صاحب ارض  
 کا ویر میوت اجانبه ویر مکه ق در اولور می **الجاب** اولماز  
**موصوفه** صاحب ارض اول تار لاری اجانبان بکره طاب  
 ایلمه ویر مشولوغه حاله هندی جنفکه تار لاره بکره ویر د بکره  
 ویر د بکی ویر د اولان تار لاری بکره المغه ق در اولور می **الجاب**  
 اولور **مسئله** زیدک فوت اولد قریه نصرفنده اولان تار لاری  
 مستحق طابو اولوب زیدک حصه وارثه اولوب اولان بکره  
 اولور می زیدک بکره سن ویر د بکره سیبانی سیبانی غمی مشغله  
 بکره اولان تار لاره طاب ایکن صاحب ارض اولان تار لاره  
 غمی ویر د ق در اولور می **الجاب** لایق اولان بل ویر د بکی  
 اول ویر د بکره ویر د **مسئله** طابو اولد قریه و اخوارت  
 و اجنب فوت اولان زیدک نصرفنده اولوب مستحق طابو اولان  
 تار لاری المغه بکره لایقین غمی غروه ایکن حق وارثه ویر  
**الجاب** بوقدر **مسئله** زیدک طاب بکره وارثه غمی  
 ارثه انتقال ایلیوب بکره غروه سفزه بوکخل زیدک بوردنه بکره  
 تار لاری اجانبه بکره صاحب غمی طابو اولد قریه غمی  
 سفزه کلده بکره تار لاری بوردنه بکره ویر د بکره صاحب  
 ارضه طابوی مشغله ویر د اول تار لاری بکره المغه ق در  
 اولور می **الجاب** اولماز **مسئله** بکره بکره ویر د بکره  
 تار لاری ایکن بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره  
 ویر د بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره بکره







**اوب اولور** **مسلم** زيد و عمرو بر کوهی بری صاحب ارضند  
 اشتراک اوب منصفه افزیره لکن عمرو اول بیرون بر بخت ارض  
 اوجوب تا ملاقاتش اولسه تا ازین منصفه شریک در اوب اول  
 احد و غنک برده و حق منصفه شریک اولغله اوله صوغک  
 بری اشتراک تصرف ایدم دیکه قدر اولور **اوب اولور**  
**اوب اولور** **مسلم** هندی زو شریک فرزندش ادغی زید ارض هر سنا  
 همه اید و بنی و حق انتهاب اید و سبک هندی که صحت و توفیق  
 ایدن بند فوت اولوب بندک فوت شدن صکره معرفت اوب  
 و بر سبک خصوص اوب ایچگی سنا ایدکن صکره مؤمن  
 ارضه مشاع و بعض بر لیده صیقل و شریک اولغله عمر و دیگر  
 یا فود بندک و از ترکی حاصله و ولیده زیدم شد ایچون و قریبی  
 ایدنلا و بر دیگر نین صکره اول ارضی بری ایدک بر نین لغت  
 قدر اولور **اوب اولور** **مسلم** فرزندش اولان زید  
 و عمرو و بر تصرف زید اولان تا لایر یک جمله سنا بکرک خصوص زید  
 زید و عمرو صاحب زمین منصفه حاصله تقوی اید کل زید بکرک  
 اشتراک خاله و حق بکرک اول تا لایر یک جمله مشاع تصرف  
 ایدکن صکره زید و عمرو فوت اولد قدر بکرک منصفه  
 تقوی بکرک منصفه منصفه خاله زید تصرف در اولور **اوب اولور**  
**اوب اولور** **مسلم** ارضی میر توده منصفه صابر اولور  
 اولان اید منصفه و شریک و از این طلب ایدیمی صوبره اید  
 و بر کاسک صاحب ارض اولو اید مور زید زید

عم دام

عمر و اید مشاع و مشترک اولد قری تا ملاقاتش ایدن مولده  
 حرمه صکره اید اولغله زید اولان صاحب ارض اید  
 بکره فراغ اید تقوی اید بکره صکره عمر و بکرک منصفه و زید  
 حرمه صکره منصفه ایدک منصفه سن و حق منصفه و صیقل  
 اولغله و ارباب اول تا لایر زید منصفه بکرک زید قدر  
 صکره تا بوی تقوی و مرد بکرک اوب منصفه قدر اولور  
**اوب اولور** **مسلم** قریبش اولان زید و عمرو و بکرک نین  
 انتقال ایدن تا لایر اشتراک و زید منصفه ایچن ایدوم  
 ایچون بکرک بعد عمر اولان تا لایر منصفه سنی ایدن  
 ارض اید بکره فراغ اید بکرک منصفه سنی و حق منصفه بکرک  
 فراغ ایدت منصفه منصفه منصفه منصفه منصفه منصفه  
 عمر و منصفه بلا و لوفوت اولوب بعد اید حرمه ایچون  
 حرمه و لایر اید و اید اول تا لایر منصفه سنی ایدن بکرک  
 اید قدر صکره عمر و حق منصفه سنی صاحب ارضند  
 تا بوی منصفه و بر اوب لغت قدر اولور **اوب اولور**  
**اوب اولور** **مسلم** زید و عمرو و حرمه سنی صاحب ارض منصفه بکرک  
 اید قدر صکره اول تا لایر یک منصفه منصفه اید بکرک  
 بکره نین عمر و اول فراغ ایدن قدر اید و بر منصفه  
 منصفه اید تا لایر منصفه منصفه منصفه منصفه منصفه  
 اولور **اوب اولور** **مسلم** زید و عمرو و بکرک اشتراک ایدن

متصرف اولدوقی با بلالده زید حسن شریکی عمروه  
 معرفت سبانی اینه تقویض ایلنه او شریکی بک عمروه  
 بدل تعویض و بزرگی اینه تک نصیحت و بی ترب اول  
 خصم دن خصم صبیحه قادرا اولورمی **لوب** اولور **سلسله**  
 فرزند ایشو شهید و زینب ارض میر بیزا اولان بر لری مشاع  
 متصرف اکی نیند وقت ایدوب زینب خندک حصم  
 طه بوابه المعنه طایمه اولما معین صاحب ارض طه بوابه نوره  
 و بیروب اوج بیلدر صکره زینب عمر و سیاهی بیفتنی  
 تزویج اسیکله عمر و زور ایدوب زینب اول زمانه طایمه  
 اولدوب شهیدی طایمه در لوب زینک اوج بیل نوره  
 بر لرین المعنه قادرا اولورمی **لوب** اولما زینک حصم  
 مشاع اولمقله زینب طایمه اولورسم و بیکنه زمان  
 اولمقله در کن طایمه و قیوت نوره و بیروب اوج کینه دور  
 ایشیکلر بعد طایمه ایشو را اولمقله جین طه بوده طایمه لوق  
 کمرک ایدی **سلسله** زینب متصرف اولدوقی نارالار کوره عمروه  
 ملک زینب ان اجداری اولوب بعد اول نارالار کلور اولدنده  
 ایدنه ملک زینب ان اجدارم وارد و کسب سیاهی با ایل بر دی  
 رسم طه بوی و بیروب اینه قادرا اولورمی **لوب** آهوا لیب  
 اولور **سلسله** بری ارض میری و بنامی ملک اوللان دکه منزه  
 شغفه جاری اولورمی **سلسله** اولما زینک بر ده مشاع و کسب

اولمقله صاحب ارض معنینه اتمه اولمقله شریک اولان  
 خارج واجنیدم مقده ارض میر بوده شریک کون عکله ک  
 کبی سینه شریک بوقدر و کن شریک سینه کون حق طلب  
 وار و طه بوابه لور **سلسله** زینب اولمقله شریک سونه اوزره  
 بر قی نارالار متصرف اکی زید حصم سینه معرفت صاحب  
 ارض کله بر مع و معنی بقی ایلنه فالانم و شریک سینه فرور اتمه  
 شریک و خطلم دیو بکون دیر دیکتر و بیروب اوج حصم بیل  
 کمرک نیند اینه المعنه قادرا اولورمی **لوب** اسفا طه مع  
 ایشو ایشو اولور **سلسله** بر قی کسندر ایشو ایشو ک  
 اوزره بر قی نارالار متصرف اکی اول کسندر لرحصم  
 شریک زینب ایشو نیند معرفت صاحب ضایده و معنی  
 ایشو لرحصم ایشو ک حصم لرین المعنه طایمه اولدنده زوی شریک  
 نیند ایشو ایشو ک حصم لرین معنی و ایشو طایمه نیند و بر دی  
 و بیروب اولمقله لری المعنه قادرا اولورمی **لوب**  
 اولور معن عذر معنیه در **سلسله** نوره و عذر ایشو ک سوی  
 اوزره نارالار متصرف اکی زینب کون اول نارالار ایدنه  
 حق قرار اولما ملک ایشو برین کوره ایشو ایدنه نیند عمروه  
 بر اول ایشو ایشو اولمقله اول ایشو ک جواب ایشو لرین کون  
 معنیه اولدوقی بره دیکر مننه قتل برین منبنا برین دیکر  
 قادرا اولورمی **لوب** اولما زینب اولدنده کون کسب  
 ایشو ک بیلدر طایمک بری ایشو در معن اولور **سلسله**

**مسئله** زید عتی قری چند ایل بیشتر اک اوزره بر مقدار ارض  
 مری بر تصرف اولیکن چند جا ولد ذکر فوت اولوب زید چند  
 حصه سنی ظالم اولی لفظ طلب ایکن صاحب ارضه اولی  
 قدر اولور می **جواب** اولی **مسئله** زید و عمرو و بکر و بشر لایون  
 قری کشتی اولوب با با لری انتقال ایکن بر قری قطع تا اولی  
 و چا بزله مشاء و مشترک تصرف ایکن زید با ولد فوت اولی  
 فرورد حصه طلب اولی لفظ طلب ایکن صاحب ارضه  
 و بر صیوب ارضه و بر حکم قدر اولور می **جواب** اولی **مسئله**  
 زید و عمرو و بشر کشتی اوزره تا ناله تصرف ایکن زید با ولد  
 فوت اولی قدر اولی تا ناله روز حصه سنی عتی اوغلی کوشی ای  
 ابوب عمرو و بشر کشتی بوز لری اولی کشته عتی ایکن  
 علم و بشر بر بشر کشتی بوز کشت و بر دین و بر قرب اول  
 حصه لفظ قدر اولور می **جواب** اولی **مسئله** زید  
 قری کشتی عمرو و بشر کشتی اوزره تصرف ایکن اولی تا ناله روز  
 حصه سنی عمرو و بشر کشتی ایکن بکره اولی صاحب ارضه ایکن  
 ایسه حال علم و بکره کشت و بر دین و بر وقت اول حصه  
 بکره لفظ قدر اولور می **جواب** اولی **مسئله** زید قری کشتی  
 عمرو و بشر کشتی اوزره تا ناله تصرف ایکن اولی تا ناله روز  
 حصه سنی ایکن بکره قری ایسه حال علم و بشر کشتی عمرو  
 ایکن بکره و بر دین ای بکره اولی تا ناله لری بکره لفظ  
 قدر اولور می **جواب** اولی عمرو و بشر کشتی ایکن بکره لفظ

صالح و بر قری قطع تا ناله تصرف ایکن زید و عمرو فوت  
 اولی قدر زید نیک اوغلی ای عمرو اولی لفظ ایکن اولی صمان جان  
 و تا ناله لری کلا اولی ای اکثر ایکن سوی منظر ایکن اولی  
 بغیر جری ای منظر زید بکره سنی منظر ایکن بکره قدر اولور می  
**جواب** اولی **مسئله** قری کشتی اولی تا ناله تصرف ایکن بکره  
 انتقال ایکن بر مقدار ارضی ای بر تصرف ایکن زید فوت اولی  
 اوغلی بکره کشتی ایکن بکره عمرو زید بکره انتقال ایکن  
 وضع فصولا منظر ایکن اولی حال بکره کشتی عمرو و بر طلب  
 و ارضه قدر اولور می **جواب** اولی صورت فرورد عمرو  
 بکره بن کشتی عتی اولی ایکن حصه سنی اولی اوزره  
 بشر قاضی به بخت یا زوروم و بر حکم قدر اولور می **جواب**  
 اولی **مسئله** لایون قری کشتی اولی تا ناله تصرف ایکن قری  
 اوغلی بکره کشتی عتی اوزره تا ناله تصرف ایکن زید با ولد  
 فوت اولی حصه سنی عتی ظالم اولی لفظ سنی ایکن  
 حصه سنی ظالم اولی ایکن بشره و بر قری اولی حال علم و بکره  
 لایون قری کشتی ای لفظ بشر و بر دین و بر قرب ایکن  
 حصه سنی بشر و بر وقت ایکن بکره بکره بکره بکره بکره  
 و بر دین لفظ و بر حکم حصه ایکن لفظ لفظ قدر  
 اولور می **جواب** اولی **مسئله** قری کشتی اولی تا ناله تصرف  
 ایکن اوزره تا ناله تصرف ایکن زید با ولد ایکن بکره  
 اولی قدر اولی تا ناله تصرف ایکن زید کشتی عمرو و بشر کشتی

ایه دس کتد کز حکمه عمر و قله سسی زراعت ایوب عشر و سمن کساجه  
 و بر و ب زیند خبری مستغلب اولمش دنگ ایکی کساجی حمزه زیند زراعت  
 انچه دیوانه دن صانسدن طها بواید و بر و سمن دیکه قادر اولورجی  
**کوب اولماز سید** قزیه اشلا اولان زید و عمر و کز اشترک اوزده  
 نالما ره مستغلب ایکی ایدر احو دیار حمزه کیدوب حقه سن مزبورانه  
 سبازش ایوب مزبوران دخی زراعت ایوب عشر  
 و سمن صاحب ارغند و بر لیک صاحب ارض کندی زراعت  
 انچه دیوب حقه سن طها بواید و بر مک قدر اولورجی **کوب اولماز**  
**سید** زید و عمر و مشاعت اوزده مستغلب اولد دخی نالما ارجیه  
 اذن صاحب ارغند بگ نالما سید صا اید ایوب عده عمر و احو دیار  
 اولغند کلوب بیک سنده در حکمه سمن شریک دیوب جل مشتی بکه و بر و ب  
 اول دمه نالما کز المغر در اولورجی **کوب اولور سید** نیکه  
 قزیه اشترک عمر و اید بگ بر قطعه تارک سمن حق تقریف موقت صاحب  
 ارغند علی اشترک اقلوب اشترک اوزده ادا ایکی سمن مستغلب  
 ایکی زید جان ولد و کز قوت اولوب حصصی طها بواید مستغلب اولد  
 صاحب ارض نیکه شنگ اند قدیم حکمه کند و اوزده یا زوب  
 عمر و ک سمن قیده اولغند نالما سمن کساجی طها بواید و بر و سمن دیکه  
 عمر و اول نالما زید اید صا صاحب ارض موقتیم بکده تقوی ایلیکده  
 شمس بود و اولما ایشات ایوب حصصی سمن طها بواید و بر حکمه  
 صاحب ارض دفعه قدر اولورجی **کوب اولور صورت اولور**  
 عمر کساجی موقتی بوغیکن اولما نالما تقوی و شفق و بدین ایزده

سلسله

کوب اولور صورت اولور

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب

کوب



از بند متواضع و معوض واقع اولیجی جائز و صحیح اولور قاندر **سلسله**  
 ارض میریک بیج و بیس و برین و از این کور کورسی و عدل صلح  
 دیو و برسیع جائز اولور **الجواب** اولماز **بوصورتیه** ذکر اولور  
 بیعت صحیح حکم اینتر قاضی بره اولور **بجمله** باطلی خصم  
 مز بعد ایتیمت لا نورد **سلسله** ارض میریک اولور زنده اولان باغب  
 سباهی معوض بیج جائز اولور **الجواب** اولور همه کس کیم  
**سلسله** میریک اولور زنده اولان بیع و باغبه نیت سباهی اذنیله بیج  
 وجهت و بره بی شرقی صحیح اولور **الجواب** بیج مطلقا جائز  
 حرزانه و موجود لم اولان زنده برین سباهی جا بواجب و بر د  
 رایج و واجب رهن باطل **بجمله** اولور میریک اولور زنده میریک اولور  
 جائز اولور **سلسله** میریک زنده اولان بیع و باغبه نیت صحیح  
 صحیح اولور **الجواب** اولور زنده اولور اما بیس مراد اولور  
 اولور کیم تعویض با اولور اولور بیع و باغبه نیت صحیح  
 اکثر اولان مطلق جمله اولور صحیح اولور **سلسله** زنده کمال  
 صحیح اولور کیم حرود و کور و جفت کنگن و کور کور و زنده کنگن و باغب  
 ارض میریک نیت سباهی وجه و جفت کنگن کور فوت اولور  
 قسمت غایب اولور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
**الجواب** ارض میریک حر اولور کیم صحیح اولور مطلق قار  
 اولور ذکر مشور زنده اولور مطلق بیع و باغبه نیت کیم دکلر **سلسله**  
 زنده حرود بیگ اقبه نیت سباهی بر خطه برین سباهی معوض  
 مطلق اقبه بیع اولور اقبه نیت سباهی بیع سبوه اولور

**الجواب** حال سباهی کیم معوضی اولوب معوضه حرود کیم بیع اینه  
 تعویض و تصرف اینه کیم شهادت اولور زنده استماع اولور میریک  
 نیت تصرف اینه سباهی اذن و بر **سلسله** اذن متوکم بیع اولور  
 وقف بر بیافته در **سلسله** وقف بر هر دو زنده تصرف اولور  
 حیث تکلیف نار لاسن عمره بیع ایدوب اقبه سبوه اولور هر کور  
 استون اولور نار لاسن عمره اولور اینه اقبه بیع سبوه  
 استون کیم کسندیم و هر کور قدر اولور **الجواب** قدر اولور  
**صورتیه** متوکم اقبه اولوب ایدوب اقبه اقبه اقبه اقبه  
 بیع صور وقف الطه قدر اولور **الجواب** نیت کیم اقبه حقی دکلر  
 حرود متوکم محکم اولور زنده اولور ایدوب اولور لا نورد **بوصورتیه**  
 زنده حرود کیم نار لاسن اقبه سبوه اولور بیع سبوه اقبه سبوه  
 کسندیم و هر کور دکلر قدر اولور **الجواب** اولور بیع اقبه  
 عقد حیث اقبه اقبه اولور جائز و بر **سلسله** اقبه حقی بیع  
 بیع اولور زنده بر بیافته در **سلسله** اقبه میریک حصصه  
 اقبه متعلق طه یونامه اولور کیم قاضی جفت کنگن با اقبه اولور  
 عمل اولور **الجواب** قاضی جفتی تعویض و تعویض ده معینه  
 دکلر صاحب ارض متوکم اقبه سبوه اقبه سبوه اقبه سبوه  
 الاجمعی اقبه کور اولور اقبه سبوه سبوه اقبه سبوه اولور  
 نار لاسن عمره تعویض اینه کیم سباهی معوضه اقبه الاجمعی  
 اقبه اقبه نیت سبوه عمره نیت اولور **الجواب** حرود در اولور **سلسله**  
 زنده تصرف اولور بیع و وقف نار لاسن معوض متوکم اقبه حرود

تخمین اینگونه متصوره و تقسیم ازین قبیل است **فصل در احوال**  
 عمود در امور **باب اول** در تقسیم و قسده صاحب ارض بوقت طهارت و ازین  
 و بر سر آن میان صاحب **مسئله** در تصرفه اولان تا مالک تقوی اینگونه  
 بسیار غرض فاسدین اجراء باین معنی در احوال است و بر حکم  
 اولور می **الواب** اولان تقوی و تقوی واقع اولور صاحب  
 ارض بن طوعم و نوازیم و بر صوب بیوجه معارضه به قدر اولور می  
**الواب** تقوی ازین و بر مکه از امتناع امر رسیده جبریه فاضله ازین  
 و بر دور **مسئله** در تصرفه اولان تا مالک تقوی تقوی اینگونه  
 صاحب عمود در **عشر** و رسم التمس متفرد و نوازیم و بر حکم  
 قدر اولور می **الواب** واقع اولور اکتاف و بر حکم که در حین  
 تقوی اول و بر حکم اید جا موراد یعنی صاحب ارض ضرر  
 اولی مفید و طرد **مسئله** در تصرفه اولان تا مالک تقوی  
 تقوی و عمود تقوی عمود اینگونه صاحب ارض ازین طلب  
 اینگونه صاحب ارض غرض فاسدین ازین و بر حکم قدر اولور می  
**الواب** اولان **فصل در احوال** احوال تصرف و فروع تصرف و اولور  
 و قوری و گو بهر بر احوال ازین بسیار و جلا مختلف جائز اولور  
 یعنی بسیار اولور تقوی با زمان اولور موطنه معتبر اولور  
 معانی امره اعدی صاحب ارض تقوی اولور او زه معین و بر حکم  
 اولور موطنین خلاف تقوی فاضله تقوی صاحب ارض در اولور  
 و استیمال اولان بر لرد صاحب ارض و یا و کمی عشر و رسم  
 الحظ صاحب ارض تقوی اولور رسم معنای استیمال

اولان بویا بده صاحب ارض غیر در اولور فاضله او زه معین  
 تصرف ازین و بر لرد صاحب ارض تقوی فاضله او زه معین  
 استیمال او زه معین او زه معین **فصل در احوال** احوال  
 و ارضه ارضه و بر حکم اولور می و بر حکم اولور می  
 صاحب ارضه معنای تقوی اولور فاضله او زه معین  
 مستحق اولان بر لرد صاحب ارضه اولور می  
 اولور و یا گو بهر صاحب ارضه و یا یکی کس بر لرد  
 تقوی ارضه صاحب ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی  
 یا و کل اولور می بر لرد زه معین ارضه تقوی ارضه تقوی  
 ارضه تقوی بر لرد زه معین ارضه تقوی ارضه تقوی  
 اولور بر تقوی است نول ارضه تقوی ارضه تقوی  
 و بعضی دیار حین ارضه تقوی و یا جلا بر لرد ارضه تقوی  
 ارضه تقوی و بر لرد تقوی فاضله او زه معین  
 ارضه تقوی ارضه تقوی و بر لرد تقوی فاضله او زه معین  
 تصرف به و بر حکم اولور می و بر حکم اولور می  
 استیمال اولور بر لرد و یا بر لرد ارضه تقوی ارضه تقوی  
 تقوی و ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی  
 سفر تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی  
 بسیار تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی  
 پایه بر لرد ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی  
 ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی ارضه تقوی

مستحق برتری صاحب ارض دلدوگت و بره اگر رسم ده بوالیه  
 و بر ملک امر اولیاد در ایام انزه رسم ده بوالیه تکلیف  
 اعیان الورد لرسم انزه و بره و انا المیوب عشر و رسم و بر دن  
 رسم ده بوالیه اولیاد و بره و انا المیوب عشر و رسم و بر دن  
 ایدر لرسم ده صاحب ارض است و دلدوگت طابواید و بره و کوهدیه اعیان  
 برتر دلی با غره ابل و بر دلی طابواید تکلیف اولیاد قبول  
 ایدوب الورد لرسم انزه و بره و انا المیوب صاحب ارض مختار در  
 و بر سقا نون اوزره رسم الوت تقرقان و بره و بر سه جلین  
 فتح اید بر برتری و جانی برتری است که صاحب ارض تقرق  
 ایدوره دیو فرما از او بخشید رسم اولیاد که هر منده **نوع**  
 اوان صاحب ارض کسند خاندان تقوی حق معشر اولیاد کسبایی بر  
 فتح کسند عشر و رسم ایسه اذما اولیاد صریحی اذما لاهد **رسم**  
 ایدو غم دارا حق بر برتری تقرق ایدان تا اید بر کسبایی هر کس  
 کسند مال تمت و یا خود بر طریق اید بر برتری و از تقرق اید  
 جانی و اولیاد **الجاب** اولیاد **رسم** هر زمانه اید بر  
 اولیاد کسند سابقه زلف غم طابواید و بره و انا المیوب رعایا تکلیف تقرق  
 اولیاد برتری اوان کسند استخراج زراعت ایدوب کن رعایا بر  
 باقیم عشر و رسم با حق کسبایی ایست اید بر کسند بر طریق اید  
 تکرمه لرین کسند تقشش ایدون تکرمه ایست اید بر کسند  
 دیمی عشر و رسم **الجاب** ایست و کسند را کسند و کسند زلفه واقع  
 اولیاد طابواید کسند که انا تقوی حق اید **قانون** اید کسند

فدان ارض میر به تجیه و در بیان اید اید کسند بوز و کسند فدان  
 و یا خود بر طریق اید اولیاد اید بر طریق اید بوز کسند اولیاد کسند  
 طابواید کسند حیطه اید ایست اولیاد معقول خلاف فدان  
 رسم طابواید کسند حیطه تقرق اولیاد بر برتری صاحب  
 ارض یا کسند عشر و رسم اید طابواید کسند اولیاد کسند  
 او بیعت خواص اید بوز و بره و انا المیوب و اوقاف و ارباب  
 تجیره کسند خردا و لدلیج سبب اولیاد کسند ایست کسند اولیاد  
 سر کل کسند با به سر بر اید بره و انا المیوب کسند اید بر برتری  
 صاحب ارض اید ایست کسند کسند کسند کسند کسند کسند کسند  
 رسم طابواید کسند اولیاد اولیاد کسند فدان کسند کسند  
 طابواید کسند تقرق ایست کسند ارباب تجیره خردا و لدلیج  
 ارض ایست اید اولیاد کسند اید بر برتری صاحب ارض تجیره اید  
 کسند زمانه واقع ایست و لدوگت رسم طابواید و بره و انا المیوب  
 فرما اید کسند و ایست اولیاد اولیاد کسند طابواید و بره و انا المیوب  
 تکلیف اولیاد کسند کسند و انا المیوب کسند کسند کسند کسند  
 در بیان اید ایست سلطان بر صاحب ارض و تقرق اید  
 حاصل فدان اولیاد اید بر طریق اید صاحب ارض حیطه اید  
 اوزره بوز کسند کسند کسند کسند کسند کسند کسند کسند  
 و بر طریق اید کسند اولیاد صاحب ارض کسند زمانه و بر  
 ایست ایست اید کسند کسند و بر طریق اید کسند کسند کسند  
 حیطه اید کسند کسند اید و بر طریق اید حیطه اید کسند کسند



خانه کز من و خانه جانبر و خانه بر لر دمی بو منوال اوزره در علم  
 و بر چو رفه نو ندر **سلسله** بر قره با اسیس بر اور مانلیغی موشت  
 صاحب ارضه بانه تره طه اوجوب زرانت او بند کله زده خار کله  
 صاحب اولان مخصوصات غش من صاحب ارضه و بر لر کن مرید  
 ارضه عشره فاعت انبویو بجا شو قدر اقدار رسم ویرت وانه  
 سزانه اوجوب اول تار نری افره و بر ورین دنگه قدر اولور می  
**اوجوب** اجد قری بر اوزره مانلیغی مقدار رسم طه بواله انوس  
 اولقدار رسم طه بو طفسنه قدر در **قانون** در بیان کواهی با حاشی  
 بر صاحب ارضه شماری طه اعدده کواهی بر لر می هر کسینه بانه سله  
 ایتیق ایون طه بواله اوج بینه دنگ اجد ای الیه جوشش وانه  
 اوج بول کوب اقدار صاحب ارضه کواهی بر لر می هر صاحب  
 کسینه بر دمی طه بواله و بر و بر بو مقوله کوچی برده طه مانلیغ  
 قیدی بو قدر و قدر دمی اولماز **قانون** در بیان او بود  
 با ادر سلسله بر حصو یا کشنک و با سبب هفت چهار کله ندر او بود  
 اولوب بعضی کسینه لر اولان او دمی سبب هفت با خود صوبه کشنک  
 طه بواله اندر و بو سزانه ایدو او دمی کسینه ننگ منگی اولماز  
 و طه بوالیغی ز شو یکه اول بر لر او دمی اولوب سبب دیکین طغ  
 اندر او دون قطع ایدو کلهشن اولور اول کسینه لر واروب طه بویطه  
 اولور کله و لر ه مخصوصا کسینه لر اولور از انوب بینه شو ما مضتم  
 حکم اولون **سلسله** اندک سبب کله شره اسیس اجد ای دمی  
 ایدوب قره قرو کسینه لر اسیس ندر زین شین نقیب من اتمکله قدر

اولور می **الحواب** اولماز ارضه مباحه در بین اشجار غیر معرود  
 دمی سبب کله منگی ناس منشرک اولوب قبل الاقر زینک  
 منگی اولما فله حاشی اولان اهر از ایدنکه منگی اولوب حاشی  
 اصحاب اولماز **سلسله** بر قره اسیس قدیمه بر من عذر ندر  
 قطع ایدر کن عالا اوج قره اسیس اول طه علف او دمی ایکن  
 سزانه مخصوصه بر قطع ایدو زر دیو بر صاحب ارضه بر طه بواله  
 اوجوب اشات اتمدن قره اول اسیس اول طه عذر او دمی  
 قطع اتمدن منعه قدر اولور لر می **الحواب** اولماز لر او دمی  
 منقطع ایدو بر عو ب المنق بو قدر **سلسله** بر قره اسیس  
 قدیمه اهر قره اسیس ایدو بر طه عذر او دون قطع ایدو  
 کلهش لیکن عالا قره اول اسیس قره اهر ای اسیس اول  
 طه عذر او دون کسملکله غیر و منعه قدر اولور لر می **الحواب**  
 اولماز **سلسله** بر قره اسیس قره اهر ای قرینه واقع او  
 جمال مباحه دس قدیمه او دون قطع ایدو کله بدینه کانا اولور  
 قطع ایتف حرا د ایدو کله قره اهر ای اسیس بعد ایوم را می  
 اولماز زر دیو بر نور لر می غیر و منعه قدر اولور لر می **الحواب**  
 اولماز لر **سلسله** زینک عالا بواله منقره اولان قور و کسینه  
 بعضی کسینه لر غیر منق او دون قطع حرا ایدو زینک مباحه  
 صاحب ارضه بر نور لر می منعه قدر اولور لر می **الحواب** اولور  
**سلسله** وقف قره اسیس طه بواله و منقطع ایدو کله قره  
 اولان قور و لر ندر قره اهر ای اسیس غیر منق او دون قطع







تیمورتی او حاجی وضع اولسه منه اولور قانونه **نوه** اولور  
 عشر حاصل بارسه و دفتر کوره کیم حاصل بارس  
 است موقوف اولدین بکیمه تیمورتی او حاجی وضع  
 ابتدا اول دفعی سن اولور قانونه **قانون** سنجی قدره طوز اولور  
 طرح اولدنگه رشول قیر لکه اولدنه انوره طوز طرح اولور اولدنه  
 اوله کدره ایت اورزه کیم اولوره طرح اولور اما سدی به دکن نه  
 مقدار طوز طرح اولدنگه ایت اندم زباج طرح اولور اما زیاده  
 کتلف اولور **از سنان** قانون جابر مامرله واجب الاتباع  
 است نه هر چه کسبیه متعلق جابر اوله اول جابری  
 بعضی کسملر معین و مؤثر استور در بوروس سورشل و کتشل  
 و استنان ایدوب تصرف ایش اوله اول جابری قدیمی کنار  
 معین استوری نه ایدوبه و نه کتله ندر ایتیمه اولور قنیش  
 ابتدا در موقوفه اولدنگه قانونه **قانون** اولور اولدنگه  
 دکنه کیم ایش سلب اولدنگه حاصل اولدنگه کسبیه کون  
 جابری کسبه کسبه انور کتله کیم اولدنگه  
 جابری کتله اولور عشری انور کسبیه اولدنگه اولدنگه  
 خصوص دفتر جابری ندر دکنه قانونه نیز ذرا است اولدنگه  
 عشر حاصل اولدنگه دایم جابری کتله انور **مسئله** هر  
 جابری ایدوب جابری کتله اولدنگه یا نیا کتله اولدنگه و ایدوب جابری  
 دفعی ضعیف طایفه اولدنگه جابری کتله انور اولدنگه  
 و اول جابری حال جابری انور جابری ذرا است اولدنگه شرعا اول جابری

ملک اولور وضع اراضی میرته و بخیر **الجاب** اراضی میرته در  
**مسئله** بلا ولد کتله فوت اولان ایدوب تصرفه هر قطع جابری  
 صاحب ارض ترک ایدوب میرتی هنده طایفه اولدنگه ایدوب  
 طایفه و میرورسن دکنه هنده اولدنگه فتح حاق میرته میرور است  
 اولدنگه مستدر اولدنگه انتقال ایدوب صاحب ارض  
 طایفه و میر کتله متعلقه قدره اولور **الجاب** اولدنگه  
 هر کتله طایفه اولان جابری من قدره هر کیم کتله  
 نیمه کتله صاحب ارض هر جابری کتله ایش ایدوب  
 خانه صاحب ارض اولدنگه جابری کتله جابری کتله  
 ایدوب طایفه و میر کتله قدره اولور **الجاب** اولدنگه  
 ذیندر قطع جابری کتله اولدنگه ایش سلبه ذیندر  
 تصرف استله اولدنگه کتله ایدوب ایدوب اولدنگه طایفه  
 ایدوب اولدنگه حکم اولور ذیندر دعویه قدره اولور **الجاب**  
 اولدنگه در صورت هر کتله ذیندر اولدنگه جابری کتله اولدنگه  
 ایش سلبه ذیندر ایش کتله کتله اولور **الجاب**  
 اولدنگه خصوص ایش اعتبار **مسئله** ذیندر کتله جابری  
 اولان بر مقدار جابری طایفه کتله جابری کتله  
 و میر کتله ایدوب اولدنگه اولدنگه اولدنگه جابری کتله اولدنگه  
 صاحب ارض ایدوب جابری طایفه کتله ایدوب  
 ذیندر کتله جابری کتله اولدنگه جابری کتله اولدنگه  
**الجاب** اولور **مسئله** ذیندر کتله کتله کتله اولدنگه

اطرافند و مولوس اولان بر مقدار جاری داشته ملکیت اوزده  
 صبط هر دایند که نده سه پای داشته و در اولوب اخوه و در ملک قدر  
 اولورمی **الحواب** زیدت اوبه مشتمل اولوب نصف دوغند زینچ  
 دکل اسه اولماز **مسئله** هند مشرفانست تخته سنگی اولوب  
 اطراف تخته مولوس اولوب ایچنده بخینا اوج دویم مقدارن جایتری  
 پندت باه سه صبط ایچنده صاحب ارض اول برک بجم دوی  
 تخته سنگ اعتبار زینچ سن ده بوانید و برورین دیکه قدر اولور  
**الحواب** اولور **مسئله** زیدت نرفته اولان جایتری و نستان اولور  
 سقل الح سن کار قیوت معقول و نکلک مشرف اولان تا ملائمت  
 ایله اول جایتری سن ده بوانید و برک قدر اولورمی **الحواب** جایتری  
 اولماز نستان مخصوصه هر سه وارایسه اولور بوغسه انده دخی  
 اولماز **مسئله** فتح حاق نینفه بر خاص و سوره جایتری ملک دلیو  
 حقار اولورمی **الحواب** اولماز بوضو نرفته جایز اولور نده ساز  
 ناست اولوب و در اولورمی اولور نکلک ملک اولورمی **الحواب**  
 اولماز **در بیان** قانون باغچه و نستان صاحب نامه سور اولور  
 قانون بیخه برکنه کند و ملک باغچه کنه صیان قیوت زراعت  
 ایسه حاصل اولان ترکه در صاحب ارض عشر الموع قانوندر  
 جم ملکدر جم نواع ایله هر ایزر صیان کیروب زراعت اولان  
 بر ارض میریدر طابواید و بر جور قانوندر **الحواب** افر بر نری ایچن  
 کشی رتبه مع قیوت بیخه حاکم کیروب زراعت اولورکن  
 اول بر ارض سبل علی انوالی جمایع بوز و طای قلوب طابواید

منصف

منصف اولور برکنه صاحب ارض نر طابواید اولوب زراعت  
 اولورکن اول برک ایچنده خدایه ناست جورا جاری اولورنده  
 اشکی صاحب اولان اول بر مقدمه باغچه ایلی طابواید مستحقه  
 اولماز و ایچنده جورا جاری وارورده نوبت اولور ایچنده خدایه  
 جورا جاری بر باعدر بری طابواید لان نکلک اعا جاری صبط  
 ایدر جور و صوم کمره ناست ایچن ایچن ادر مشرف جمایع  
 و بر نکلک قانوندر **الحواب** دیکه در نکلک اعا ملک اولور انا  
 صیان کیروب زراعت اولان بر ملک اولماز سا املک باغچه  
 صبح ملک نامه اولور دوفا طرح پارلیه مشمول دکلدر عشر برین  
 در صحیح انور **الحواب** مطلقه حاکم کیروب زراعت اولان  
 بر ملک اولماز و کتیر در حکم فیس اولان باغچه در عشر  
 قانوندر **الحواب** افر ایچنده صیان کیروب سورین بر اولور ایچنده  
 طاکش دیوار دخی اولورسم طابواید و بر ایچنده باغچه باغچه  
 اولور طابواید خط اولماز ناست صاحب ارض اخوه و بر هر  
 طابواید داشته و بر طابواید و ملک قانوندر کجور حاکم  
 سور اولورسم اعا جاری کمره حقیق کمره سیرک اولور مطلقه  
 کمره سورین و کتیر باغچه حقیقین بر اولور ایچنده طاکش دیوار  
 دخی اولورسم دخی اولورسم طابواید و بر جور دوا اولورسم  
**مسئله** بر باغچه اشخی رتبه مع اولوب زراعت و حاکم  
 اولور نوبت اولور باغچه طابواید مستحقه اولورمی **الحواب** اولورسم  
 سوریکه قبل ایسه **مسئله** زیدت نرفته اولان جایتری و نستان

بر این نیدار بشنای سبب بوز و کما قویوب مطلق استیکل سببایی  
 سببایی اولان اول تالاری ط بوابله ویریکه قادر اولور  
**قویوب** چا بوزده اولار بستان تمحوسونده بهر مع دارایی  
 اولور بویخسه ایزه دهن اولار **سبب** اطراف ایزه مع طاش  
 دیوار اولوب چا بجا استیجا میوه اولان مطلق با بجه بریند  
 مشرف لیکن چا وند فونت اولوقه بیدک ورته مع اوله بجه  
 مع بوابله ویریکه قادر اولور **قویوب** حساب ایزه سور علف  
 ممکن ایسه اولور **سبب** مباد فونت اولان ایزک مشرف  
 اولدنی خار لای سببی مع بوابله فونده رتوت ارض میری اولور  
 چا بجا مؤوسس اشجار ستره وغیر ستره مع اولوب ارضی قبا در زان  
 اولان میری ذمی مستحق مع بوابله **قویوب** اولور **قویوب** ایسه  
**قویوب** اجمال عسک باج و با بجه و اشجار و حدایه نایه اشجار  
 بکسند بفرنده اولان تالاری صاحب ارض مؤسند بکسند  
 حق مشرفن مقول مع اولوب مزور ذمی قویوب اولان تالار مزاجه  
 نایه اولان چولایه جویز اغا جویز ایله مینطایرکن حکم دست نشانه  
 سالت اولوب حین نوز ایله اول هذایه جویز اغا جویز  
 و کمر اولدی جویز اغا جویز بن مینطایر مع دیونوز ایله فدایه  
 اشجار ارضه نایه بعد راقی دعوی اوله مزور می الان کسند  
 ایله فدایه **سبب** ایزه اشجاری اولکسند حساب اولور  
 ذراعت اولان مزاجه کسند مزاجه کسند حکم سببایی کسند  
 عشر المطلق در اولور **قویوب** اگر ملک اولوب مع بوابله ویریکه

سببایی بر میری ایسه موقت سببایی لایه در اما مع موقت عشر  
 نه طریق ایزه انور کور ملک کبر کور بوضورت شرعه اولدنی اولار  
**سبب** ایزک با بجه ملک اشجاری مینطه و التنده ذراعت ایسه  
 سببایی عشر ویرکن فوت اولدوقه اولاد کور ایله اولدوقه  
 سببایی تریک حینطه مع بوابله عروه ویرکسند ایزک قز لری  
 ۴۴ مزور انتقال ایشین مکر در بویطه بوابله ذمیر مکتون مینطه  
 قده اولور **قویوب** ارض میری اولوب مطلقه معینه  
 بویخسه قز لری ویر مور **سبب** مطلقه اوله ایزه ارض اشجار  
 ایله مینطه اولان با بجه ایزه مشرف فونده حکم و ایزه انتقال  
 ایزه **قویوب** ملک اولان اشجاری انتقال ایزه اگر مینطه دکل ایسه  
 ایضا رسم مع بوابله اولور اگر مینطه ایسه کسند مینطه مینطه  
 سن ویر **سبب** ایزه ارض میری اولور مزور مینطه با بجه کسند  
 بیج ایزه سببایی شوقدر ایزه رسم ویر قویوب با بجه کسند  
 کسند المطلق قادر اولور **قویوب** اولار **سبب** ایزه مینطه اولار  
 تالار مشرف لیکن صاحب ارض ایزه برقی ویر سببایی اشجار  
 عانس ایزه بعد ایزه ایزه وند فونت اولسه تالار ایزک ورته  
 اول اشجاری حینطه در اولور **قویوب** اولور مزور ایله ایشاق  
 صاحب ارضه بهر کس ویر ملک لایه **سبب** ایزه سببایی  
 تیار می طراغیله ذراعت ایله کله و می مزور حینطه  
 ارض مؤسند سببایی اغا جویز کسند ایزه کسند حینطه  
 لیکن اغا جویز مینطه ایزه کسند ایزه کسند ایزه کسند

ادا میدکن فوسف اولوب ادرغ قلمسه صاحب ارض بو اشجارک  
 ایکنه میان کزوب جفت اید سوچور ایدوی جفت اید سوچون  
 بر حواله ایکنده علیا ادرسم قانون اوزره ده بوید و بر مور  
 دیو ایدیت و ابرینه ط بواید المذ تکلف ایکنده و رتیه تریخ  
 ایدوب اوزرزه میوه اعطای و ادرز ملت مقوله سندن  
 دیو همردن ط بواید المذین تقریفا در اولور **المواب**  
 ادرغ زلر **بو** صورته و رتیه ایدوب ادرغ زلر سه سپاهی ادا  
 عمرو ادرغ زلر **بو** میوه و بر مکده در اولور **المواب** اولور  
**بو** صورته عمرو برکی بخره و سرد که تقدیمه اشجاری و دیوان  
 نیکنه در مفضل بیان اولنه ایل دیو دیکین و رتیه و بر مکده  
 ایتقا اولور و بر مکده کزلیه تراضی ایدوب ادرغ ایدوب  
 ایتقی سن ادرغ ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 اولوب ادرغ ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 میوه کسککارا دایکین صاحب ارض ده بوید سستی اولور طلب  
 ایدوب المذ در اولور **المواب** ادرغ ایتقی سن ایتقی سن  
 مخره و ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 اعاط ارض فنی بر نقل مخره ادرغ **المواب** ایدر مخره اولان  
 تار کسده سپاهی ادرغ مخره و ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 اول کزوم قلع ایدوب کمال اولان ایتقی سن اوزره ایتقی سن  
 قادر اولور **المواب** اولور **المواب** ایتقی سن ایتقی سن  
 خدایک نایب اولان ایدوب و جوار ایتقی سن عمرو بر مقدار ایتقی سن

ط بواید بعد زید موزول اولوب برینه برک سپاهی اولدقه مکر  
 عمروه اول اشجاریک بندر دوقی ط بواید اول اولان ادرغ و بر مکده  
 دیکه ق در اولور **المواب** اولور **المواب** زید مخره ادرغ  
 ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
**المواب** ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 سپاهی کزورانه مخره ط بواید مخره **المواب** ایتقی سن  
 موقت سپاهی ایدر عمرو مخره ایتقی سن اولان ایتقی سن  
 نایب اولان اشجاری مخره کس مخره مخره مخره مخره مخره  
**المواب** اولور **المواب** ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 اولوب قدیمه مخره مخره مخره مخره مخره مخره  
 عمرو مخره اولان ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
**المواب** قدیمه مخره مخره مخره مخره مخره مخره  
 مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره  
 اوزرزه اولان اشجاریک ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره  
 اشجاریک ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره  
 اشجاریک ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره  
 ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن ایتقی سن  
 مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره مخره







و حاشا ایروب بخوبه دیاره کیدن خبرورث دفعی دانغا فتح  
 خبری و مکتوب هر اوج کسند هم هر کور کن صاحب ارض اول دیاره  
 کیشمیدر و بیا اول بر لری طابوبه آنچه و برورم جو ترا اید  
 ایا آنچه دیاره کیدن کسند دفعی خبری و مکتوب ککتوب تا بید  
 اولمش بس صاحب ارض طابوباید اول بر لری و بر دست  
 قانوندر **نوع اول** هر کسند بر لری مانده ترکند به و بر مش اول  
 اول کسند دفعی اول بر لری اون کسند دهن زیاج امانه ضبط و  
 عشر در سمن صاحب ارضه اوالله بعد بر لری المین کسند  
 اون کسند دن زیاج بر تقرف و اید عشر در سمن صاحب ارضه  
 و برورم و بون ترا اید عز و امانه زمان اولمش تصرف عاریت  
 اولمش اولور **نوع دوم** امانت فویندا بر لری زراعت اولوب  
 صاحب ارضه ایش و رسوم فاضل اولق کر کور اگر امانت  
 فوینسون و کر فوینسون بلاناغ علی التوالی اوج کسند معقل فودقه  
 حکمه صاحب ارض طابوبه و بر حاله و بوز قاجی امانه و بر لری  
 دیو طابوبه و بر لنت فایع و کدر **مسئله** زید تصرفه اولان تا بید  
 اوج کسند دهن زیاج حاله و معقل فودقه صاحب ارض اول  
 تا دای زید لنت غلطیند طابوباید و بر کسند قدر اولور **نوع سوم**  
 اولور **مسئله** زید آنچه دیاره کیدر اولد قده تصرفه اولان تا بید  
 آنچه تصرفه امانت بندی و کس ایشکله هند دفعی دکالت اول تار لای  
 عمرده فویند ایروب صاحب ارضه سزادن توکره سن طابوبه کیده  
 صاحب ارض فویند و بر کسند قدر اولور **نوع چهارم** اولور **مسئله**

زید آنچه دیاره کیدر کیده تصرفه اولان تا بید سزادن توکره سن طابوبه کیده  
 ایروب عمر و دفعی منط و زراعت و عشر در سمن صاحب ارض  
 ما تمام ادا ایروب قطعاً بوز کسند قلمش و کس ایشکله صاحب ارض  
 اول تار لای بند کیدن زراعت ایشکله طابوبه سستی اولور  
 بوقطه بولید و بر کسند قدر اولور **نوع پنجم** زید و عمر و قدر کسند  
 ایروب دکالت ایسم اولور **مسئله** زید و عمر و قدر کسند  
 اوزره متصرف اولد قلی تار لای سزادن ایروب سستی عمرده کسند  
 ایروب جوده کسند بوز کسند ما عورا و غله اید کیدر صاحب ارض  
 و مصلحت معلوم اولوب مابینه دست کسند کسند ایشکله  
 کسند ایروب سستی ثابت اولد قلی اول تار لای سزادن  
 حکم کسند طابوباید و بر کسند قدر اولور **نوع ششم** زید طرفه  
 سال راسم و عشر سمن صاحب ارضه و اصل اولور **مسئله**  
 زید آنچه دیاره کیدر متصرف اولد دفعی تار لای و ایروب کسند  
 ایروب لیک هند دفعی عمر و سزادن ایروب بر مقدار ایشکله  
 عمرده رهن وضع ایسم تا بید کسند رهن سستی ایروب **نوع هفتم**  
 اولور **مسئله** زید تار لای عمر و کسند ایروب کسند و آنچه دیاره  
 کیدر و عمر و زراعت ایروب عشر در سمن صاحب ارضه و بر  
 کسند هر و بر کسند حکمه صاحب ارض اولان تار لای منط و  
 اید آنچه و بر کسند قدر اولور **نوع هشتم** زید خبر لنت غلطیند  
 اولور **مسئله** زید هر کس ارض سستی طرفه امانت تصرفه  
 و زراعت و محسولت لخص عمر و و بر کسند اول کسند زید



سپاهیه و بر روی تارلا ترک معینان مفضل است هر چه زراعت  
آمیوب که برینست و آنچه در مفضل است لکن قیونین او تارلا  
بر عتداریه است لکن اولی که در مسابیح هر سینه انچه در  
اولی در **قوب** اولی که در مسابیح هر سینه انچه در  
رض اولی که در مسابیح هر سینه انچه در  
زیرین بود است و که در مفضل در اولی در  
**قانون** احوال معطل یعنی زراعت آمیوب بوز و جان قویوب  
ما خود باغی و باغی لکن جواب است که گفت حکم بیان آن  
هر گند تصرف است این یکی بر لری اوج میل علی التوالی بلا عذر بوز  
و طایع و معطل قوت صاحب چهار بویه و بر مصلحت قانون  
اگره نه قوت بود دعوی ایدر است انتفاع او را هر گز که  
قوتی که در قوتی اوج باغی التوالی طایع بوز و طایع  
خود در مصلحت بویه و بر مصلحت لکن باغی و بر مصلحت بویه  
و بر مصلحت طایع و کلک طایع لکن بوز بوز قوتی که در  
ارض میوه بر لریه متصرف اولی اوج است طایع زراعت آمیوب  
معطل ایست بویه است و اولی صاحب ارض نیز در است  
حق طایع بویست اولی و بر لریه است اوج و بر مصلحت لکن  
**نوع** اولی معطل ایست بویه است اوج اولی بر لریه است طایع متصرف  
سابق اولی معطل است بویست اوج اولی معطل ایست بویه  
ایست معطل است بویست اوج اولی معطل است بویه  
**سینه** زید متصرف اولی و لریه اوج است در زراعت

امیوب

ایمیوب معطل ایست بویه است اوج اولی بر لریه است طایع متصرف  
و بر مصلحت بویست اوج اولی معطل است بویه  
و اینست و اولی که در مسابیح هر سینه انچه در  
است بوز قویوب معطل ایست بویه است اوج اولی بر لریه است  
علا و اینست که اینست لکن قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در  
طایع بویه اوج و بر مصلحت قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در  
دوب انچه در اولی در **قوب** اولی که در مسابیح هر سینه انچه در  
تجاری طایع است طایع متصرف اولی اوج است در زراعت  
اول تارلا لری بوز و جان قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در  
کلک که در مصلحت طایع ایست بویه و بر مصلحت  
اوج و بر مصلحت قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در  
**سینه** اینست طایع بویه است معطل است اولی تارلا لریه بر قوت  
است بوز قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در  
ایدر لکن طایع است بویست اوج اولی بر لریه است طایع متصرف  
بوز قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در  
ذکر که در اولی در مسابیح هر سینه انچه در  
تجاری و اینست بویست اوج اولی بر لریه است طایع متصرف  
بوز قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در  
رای حکم اینست بویست اوج اولی بر لریه است طایع متصرف  
ایدر لکن طایع است بویست اوج اولی بر لریه است طایع متصرف  
و بر مصلحت قوتی که در مسابیح هر سینه انچه در

حق

**ناجید** میانه در سلسله زین غایب اولوب حیات و حیات  
 معلوم اولدوقده لایون فرزند اشغور زنگ تفرقه اولان  
 تار لارین نطفه اولوب بکه صاحب ارض معرفت شعوبی  
 ایسه طارذیرت اوغنی ششم یاقه اولدوقده ترک مذکر  
 اول تار لارین یاقه زینت تار لارین زینت اولورق  
 اوغنی صفا ایتمک فایز در کرک بندتر یقینا اولور **در بیان احوال**  
 غایب و مشغول یعنی مشغول اولان تار لار اولسه احکام  
 و قانون بجه در ای احوال مقدفا محالست محمد و حم برز اولست  
 ایضا از سر می آخو دیاره کیدوب نامید اولوب حیاتی و  
 حیات نامعلوم اولان کسنت لرت و اولک احوال دیاره کیدوب  
 تاجیر اولوب و فایز نبت اولسه یا خود سری اوج بل یوز  
 و خالی قلبیه ساسم آخوه طه بوالطه ویر همزی لکن نامید  
 اولان کسنت کیزی انعام و فایز اولور سه سبب ک  
 رسم طه کسنت کل غنیمت اولمغند لازم کلدگی بیعت اولان اوج  
 فایز اولخونیک خرقة کسده یا به سر بر اعطای عرض اولدوقده  
 اول اصل با بدید اولوب اوج کسنت همتی خبری کلید کسنت ترک  
 بر لری طه بوب و بر لیت بانده فرما کسنت صفا در اولمشدر  
**فرع اخر** اول نابدر اولوب بر سسنت همتی خبری کلید کسنت  
 بر لری و طه بوب و بر لیت بانده فرما کسنت صفا در اولمشدر  
 اولورنی طه بوب و بر لیت بانده فرما کسنت صفا در اولمشدر  
 صکره و طه بوب و بر لیت بانده فرما کسنت صفا در اولمشدر

مشغول اولان آخو دیاره کندی اوج کسنت نطفی ایتمک طه بوب  
 مستحق اولدوقده صاحب ارض بجه در کسنت سه جن طه بوب  
 اولدوقده و بر کسنت سه احوال و سیر و فایز کوره و کلدر و مینت  
 سری معلول قلمط طه بوب سنجی اولان فری **فرع اخر** بر کسنت  
 بر کسنت نامید اولسه و اولک فایز همتی کسنت سه کسنت  
 بولکسنت و با بجه بجه و طه بوب اول دعوی سنجی با احوال  
 و در ۲۰ بیت دعوی و کسنت کسنت فایز اولور حکم کسنت  
 و بر موز **دیوار فایز** کسنت کسنت تار لارین بیانده **در کسنت**  
 زندگن با همت کسنت تباری احوال کسنت احوال دیاره کیدوب  
 تار لارین اوج کسنت و بر زین احوال و طه بوب کسنت کسنت  
 اول تار لارین کندی صفا ایتمک یا خود سری کسنت کسنت  
 و طه بوب احوال دیاره کسنت کسنت صاحب ارض اولی  
 تار لارین طه بوب و بر لیت بانده کسنت کسنت در اولدوقده  
**الحواب اولور در بیان جدایی وطن کسنت** جدایی وطن  
 ادبیرت بر لری صفا ایتمک احوال و بر موز و در اولور  
 احوال کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت  
 احوال دیاره اولان بندت موز کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت  
 صاحب ارض زینت تار لارین طه بوب و بر موز کسنت کسنت  
 قبل تحقیق اولان کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت  
 موجود اولدوقده کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت کسنت

ایند که زیدک و فی حشمتن تعویض الیه زید کلمه  
 کند می حشمت سست آخر شش المذقه در اولور می **الوجه**  
 اولور **سلسله** زید غائب اولوب اون شش سست تا پارک  
 خانه قالمغه صاحب ارض نکرده طابو ایله ویروب عمر و غیر  
 ایند که زیدت اقرناسه جیانه در اربو عمر وی تصرفه ز من  
 قادر اولور می **الوجه** اوله زمر **سلسله** نیاوان شش سست مضافی  
 صاحب اولوب صاحب ارض تا مالکین نکرده طابو ایله ویرسه  
 بعد زید کلمه تا مالکین نکرده زید المذقه در اولور می **الوجه**  
 اولور **موضوع** زید عمر قوم نکرده مالکین تصرف مراد ایند که زیدت  
 اقرناسه حق طابو بعد اربو تا مالکین نکرده زید المذقه در اولور  
**الوجه** اوله زمر **سلسله** زید اسیه اوله قدره تصرفه تا وان تا مالک  
 سبالی طابو ایله حق نکرده ویرسه بعد زید طابو اولوب کلمه  
 تا مالکین نکرده زید طابو نکرده المذقه در اولور می **الوجه** اولور **سلسله**  
 اسیه اوله زیدت تا مالکین برقی سست خانه و معطل قالمغه طابو  
 ارض طابو ایله ویرسه خانه زیدت حق اولوب کلمه تا مالکین  
 نکرده المذقه در اولور می **الوجه** اولور **سلسله** زیدت طابو ایله برقی  
 و ایه متوجه اوله قدره اثری نکرده و مالکین سبالی و کله اوله زید  
 عمر وی طابو ایله ویرسه قادر اولور می **الوجه** برقی سست الایوب  
 عظیم المذقب اونور **سلسله** مضافه بر وقت اوله زید  
 اوزر زید تا وان الایوب سست اوله قدره متوجه المذقه در اولور  
 و متوجه وقت ایله عشر المذقه در اولور می **الوجه** سبالی تا وان

او بیج اوله زید **قانون** در بیان مقدار طابو و طابو ایله برقی  
 زید و اوله یان زید و عدلت زید کرد داخل رعیت و کرم طابو  
 مرفقه هم صاحب ارض مع شش کلمه زید و زید قوروت  
 تا مالکین سبالی اعلی سست المذقه اوله اوله زیدت  
 و قرن اسیه زیدت هم طابو ایله سبالی سست المذقه اونور  
 صاحب ارضت اذنه اوله یان بنا اوله صاحب ارض  
 نکرده زیدت سبالی قانون اوزر هم طابو سبالی الایوب  
 کلمه سبالی سست اسیه زیدت کرد طابو ایله زیدت  
 بنا اوله سست المذقه زیدت و صاحب اوله زیدت  
 تا مالکین صاحب ارض مع شش کلمه زیدت بنا اوله صاحب  
 ارض قانون اوزر هم طابو سبالی الایوب اوله مالک  
 زیدت اوله و عینی اذنه زیدت و سبالی سست  
 مقدار سست مضاف اوله زیدت کلمه مضافه  
 اوله زیدت مضاف سبالی الایوب صاحب ارض کلمه  
 سبالی اوله سبالی مضاف اوله زیدت سبالی  
 سبالی اوله سبالی مضاف اوله زیدت سبالی  
**قانون** سبالی در زمان قلمه کلمه قانون در بیان مقدار  
 طابو قراچ اویری طابو سبالی اعلی سست المذقه  
 او سبالی قرن و یا اونور اذنه اسیه زیدت کلمه  
 اذنه زیدت اعلی سست اسیه زیدت **قانون** در بیان مقدار  
 ارضی طابو سبالی سبالی کلمه زیدت سبالی سبالی

رسم تعیین ابر در کسب سباهی آنکه الوری زیاچ ابر را بچیند  
 اتمه و استبرله دو زبان اولمش در ده بواجاره محقر در  
 ارض سر قبا و پختا حکم رسمه صامخه قرد دکلد  
 ملا ولد کتر فوت اولان متوقا نیت سیرلی خزان  
 و قردا نسته ده بواجاره ویرلدکه اول سیرلیک رسمه نعی  
 محصول سباهی ده بواجاره نالوب زیاچ ابر را بچیند اتمه  
 و استبرله دو دست و ن تار بچینه فیهان اولمشد سیر زنده  
 بیغرض مسی ندر تقدیر اتمه کی اجاره مجله سن رسم ده بود  
 الوری **مسلمه** اتمه کده یوزدین تار لادوب زرعت اتمه کتر  
 صکره ملا ولد کتر فوت اولمشد قری و حضرا وارنه اتمه  
 اول یوزدین مملک اوزنه صیغه حرا داشته که صاحب ارض  
 ده بواجاره الا آخوه و سرورین دیکه در اوجورج **لوب** اولمش  
**مسلمه** زنده سباهی نیت قریه کس سوزنده اولوب مع  
 اولنان باغ و باغچه و زمینونق و کتر مندر معرفت اتمه مع  
 نامه عشرین الحقه در اولورج **لوب** اولماز بونل اتمه کتر  
 اتمه نجام دکلد ربع و ستر سباهی ده ابره و نجان سوزنده  
 عشر در زمین الوری **مسلمه** قریبی مشاء اولان زنده و کتر و سباهی  
 رعایا کس اتمه کتر من غیش ابردر لوب خشم بره ته اتمه  
 حصه نرینه کوره می اولمشور لوب شهر بی خور قلات  
 قفسه رعایت قید اتمش ایسه ان لغیش ابره انوکس برده  
 اولسه که اعتبار دفتر ج بره دکلد **مسلمه** اتمه کتر اولان

و باغ و باغچه سن و صرمین و ندر لایرین و جابریلین حله  
 کشته سن بربر در عمده بیع المکده صاحب ارض  
 ندر دس اتمه برین رسم نامه الحقه در اولورج **لوب**  
 اولماز اوج و باغچه دخی بود قرا نده دکلد سیر  
 اتمه لغویض فیهان اولمشد اتمه ویر سباهی نیت  
 صاحب اوزنه قالور اتمه ده بواجاره عشر النقیه  
 کورن مشدر ده نوبه دو کشفده ایل و سر دخی او یان  
 بها معقول و مناب کور نخی خرم اتمه سباهی بی  
 ارض در عشر بود اهری و آراسه کور سونه **مسلمه**  
 اندخت اولوب تقرغه اولان تار لایرین اولمشد  
 انتقال ابر و سباهی نیت دخی ملا ولد فوت اولمشد  
 عمر و اول تار لایرین کور و سباهی پیر دس ده بواجاره  
 اولسه ملا خوزان کس اتمه کتر نکران اولان ملا  
 سباهی کند وجه کس دوشن رسم ده بواجاره و سباهی  
 و اخذه قرد اولورج **لوب** اولور **مسلمه** زنده سباهی  
 رعیتی عمر و فوت اولمشد سباهی ده بواجاره نیت  
 باغی دخی ارض سیرده اولعی زنده نوبه ویر که حرا  
 ایسه و نسته ده بواجاره قلع اتمه کتر قرد اولورج  
**المطوب** باغ مملک اولمشد ده بواجاره اولمشد  
 تقرق ابر مملک قلوب صاحب ارض دخی و اصل اولمش  
 ده دخی قرد در **مسلمه** زنده سباهی عمر و متوقا نیت



مستحق طابو اولان بر قطعه تار لاسن بکره مغویض ایدوب  
 بدینه منت و بر لکده شکره تکرار زین اول تار لاسن بشیره  
 مغویض لبسینه جاشرا اولور **اولاد** اولاد **سلسله**  
 مشترک سباهی سی اولان تیار آرا نینب ندر تار لاسره  
 متصرف اولان زین اول تار لاسن سباهی سبیلت بر نیک  
 اؤنجه مقدمه عمر و ه فراغه ایدوب بعده اطراف اؤنجه دق  
 بکره قراغه ایله مغویض اولور **سباهی حیراتی** دنعائمه  
 مشترک اوله لم بنیازه طابو مغویضی نیمه در سر تیار  
 ایکی ندر مشترک سباهی اوله بر نیک بر ائده و صورت  
 دفتر ح بر وجه نقد دیو بیت الفیه قید اولنم ایکن اول  
 بیت الفیه مشترک اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 نقد اوله قید اولمیان مشترک سباهی هیئت اولور  
 قانوند **نوع آخر** بر رعایت کیمی سباهی دفتر ح یا بر اؤنجه  
 سبک دخی طر اؤنجه سبک کن اولیوب اؤنجه طر اؤنجه ایکن  
 یا بر اؤنجه اوله رسم بنات نصیب اولور اما بو مقوله  
 رعایت بر هر کیم بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 سبک کن اولنجه بر هر کیم رعایت یا بر اؤنجه اوله بر اؤنجه  
 رسم بنات کن اولور اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 رعایت بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه **سلسله** بر فرجه فرجه  
 اولان ایدوب و بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 تار لاسن ایکن بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه

تار لاسن طابو ایله بشیره و بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 بر لور سباهی اوله بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 اول تار لاسن سباهی اوله بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 اول تار لاسن طابو ایله بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 قار اولور **اولاد** اولاد **سلسله** زین ایله مغویض تیار  
 برت ایله مشترک اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 دا خلنه بر تار لاسن اولور اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 بکره و بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 ایله اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه **اولاد** اولاد  
**سلسله** زین ایله بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 حقه سبک اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 سباهی بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 اولاد بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 مغویض ایکنه سباهی بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 اولان تار لاسن مغویض بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 فرجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه  
 بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه بر اؤنجه

وکن بکجری کندی حالده آدم اوله اوله جبر اولور  
 زید مشرف اولدوقی نارالاری عمروه تفویض ایشدکده  
 سباهی مغایبه اؤنده الایچی اولان اچیتمه زید دخی  
 الور عمرو دخی **الجواب** عمرو دخی الور **سید** زید دخی تصرفه  
 اولان وقت نارالارین عمرو عسکری بی تفویض ایشدکده  
 مشرف عمرو دخی مشرف عسکرین حکم و کلدر دیوانین و غیره  
 اول نارالاری بنده زید صیفا ایشدکده قدر اولور  
**الجواب** اوله اولیجی و بر جملت الذم کلور **سید** فلیح  
 الله اولان سباهی افر قریه دیمه ایشدکده و بر سید مشرف  
 اهل قریه دیمه و بر سید اعتبار تفویضه اولور **الاجابه**  
 سهی زید اولان در قلیج و کل ایسمه اهل قریه دیمه و بر سید  
 فرماست اولنمسه دخی سید عمرو **سید** ایکی مشرف کلبری  
 زید و عمرو عمروه و بر سید اعتبار تفویضه در **الجواب**  
 بیج اولان اتفاق که کتر مشرف عسکریه موافق اولان دخی  
 حصد سید اولان اعتبار یوقده بومقوله اولان اوله  
 مراجعت اوله **سید** زید تصرفه اولان شو مقدر  
 اراشمین شو مقدر اچیتمه سید عمروه فرایغ و تفویض  
 اولدوقی تفویض و بدل تفویضی ایشدکده سید عمروه سباهی  
 ارض بن تفویض فریوری طو کلام و بوب بیوجه عارضه  
 قدر اولور دخی **الجواب** تفویضه اؤنم و بر سید اقتضای ایشدکده  
 جبر بید حکم و بر در **سید** زید فوت اولدوقی عسکره کلور

صاحب ارض بر سباهی بکره و بر سباهی ایکی سید عمروه حالده تجارت  
 بنم حصد دخی ارقدر دیور بر سباهی اوجه و بر سید قدر اولور  
**الجواب** اگر صفت بومقوله سباهی زیاده اولان اعتبار  
 اولنور ایکنسته مشرف ایدوب عشری ایشدکده اولنور  
 بواند قدر سباهی حالده دفعه قدر اولان اولن دخی  
 مشرف ایدوب اوله اولور مشرف **سید** زید فوت اولدوقی  
 بر لرین بی بواند و بر سید صاحب ارض و کل اولان عمرو  
 صوابتیه بی بواند حالده و بر سباهی بکره کوی صکاره صاحب  
 ارضت کندند زید بواند مشرف اعتبار اولور **الجواب** و کل  
 اصل کبیر هوکنه خا در مقدمه بی بواند خا که اولان  
 اعتبار اولور **سید** زید در سباهی سباهی مشرف  
 تجارتی طراغده تصرفه اولان بر قیج قطع نارالارین سباهی  
 اوچسنگ اؤنم عمروه تفویض و سباهی عمروه دخی اولن کنه  
 مشرف ایدوب عشرین اول اول سباهی و بر سباهی  
 حاله ایچیند اولن ارض و بر میان بکره تفویضه سباهی اؤنم  
 بوغندی اولان نارالارث ربعین الورم کندم سباهی و  
 یا اوجه بی بواند تفویض ایدوبین دیکه قدر اولور **الجواب**  
 اولان **سید** کل اولان بر قیج قطع نارالاری مشرف  
 سباهی اولدوقی عمروه بی بواند و بر سباهی سباهی مشرف  
 بر دخی اؤنم لقا زید و بر سباهی عمروه تصرفه مشرف قدر  
 اولور لری **الجواب** اولان **سید** ایچ سباهی بر مقدر خاصه



قادر اولور **قوی الواب** اولان **سید** زید شولیک اولدی  
 وقفده برزده مخلول اولوب عمرده تقویض و عمرودن  
 تقویض ایدوب زیدده قنق الواب اول مزنده عیض  
 اولزه ایکن زید فوت اولوب برینه بکر متول اولدوقه زید  
 اول مزنده یاسکمان قص بدل ایله تقویض المیش ایدی  
 دیو عمر و اول مزنده ایله ایکن صفا ایدکده عکره بکر  
 عمر دیو بجه به قدر اولور **قوی الواب** نقصان قحش زید  
 ناقص اولیق تکمیل ایدر عکره قدر در مکر عمر اول بجه **سید**  
 زید سباهی فوت اولوب تیارینی امین موقوفات  
 صفا ایدر مکر مخلول اولان بر لری صا بویه و عکره قادر اولور  
**قوی الواب** عا مورال اولور **سید** زید سباهی مخلول  
 اولان تار لک عمر و طه بولید و سوب رشم طه بونک بر  
 مقدارن الواب عا ایله ایدن فوت اولور و رشه المغه  
 قادر اولور **قوی الواب** اولان **سید** مخلول اولان تار لک  
 طه بولید و عکره سباهی طرفندز و کیم اولان زید رشم  
 طه بوی مثلندز نقصان قحش عمر و طه بولید و بر **سید**  
 صا سباهی عمر و طه بوی مشنه تکمیل ایددی که قادر اولور  
**قوی الواب** اولان **سید** بوقف تار لک مخلول اولدوقه متول  
 و کیم اولان زید اول تار لک طه بوی مثلندز نقصان  
 قحش ایدر عمر و طه بولید و بر **سید** متول زید بکر صا و کیم  
 اولان بکر عمر و طه بوی مشنه تکمیل ایدر **قوی الواب** ایدر عکره

قادر اولور **قوی الواب** اولور **سید** زید صغیر متول با با کند  
 انتقال عادی ایله انتقال ایدن بر قطعه بویکه لغن و صیبه  
 اولان عمر و اجدن هنده تر مقدار اقیه مقابله کنده  
 معرفت سباهی ایدر تقویض ایله صغیر مزین فوت  
 اولدوقه سباهی و صیبه تقویض قدر لری صیبه  
 صا صغیر و فاقه ایکن صفا ایدر عکره بکر  
 بیدر الواب طه بولید ایدر عکره و عکره قادر اولور **سید**  
 متول تقویض معرفت سباهی ایله بویکه اولور **سید**  
 هند **سید** زید متول اولور و عی بر وقف تار لک مخلول  
 اولدوقه صفا ایدر عکره بکر و عکره بکر  
 تقویض ایله بیدر زمان زید عمر و الواب و عکره بکر  
 متول اولدوقه متول ایله اولدوقه مخلول تار لک طه بوی  
 ایدر و عکره بکر زید زید اول تار لک عکره بکر  
 الواب ایدر ایدر ایدر عکره قادر اولور **قوی الواب**  
**سید** بروقت دایمیک و ایکن نصف حصه کنه  
 متصرف اولان زید بلا اولدوقه فوت اولوب حصه زید  
 سباهی طه بولید و طه بوی مشنه زید زید ایکن  
 قمری هند متول زید بوی زید رشم طه بولید صا  
 متول بیدر طه بوی مشنه اولان زید زید و عکره بکر  
 ایله و عکره بکر الواب زید زید ایله المغه طه بولید اولان عکره  
 و برورین دیک قادر اولور **قوی الواب** اولور **سید** با ولد



اکثرش بکین بولسه حصا و که زیدت تا راسه مشغول  
 اولد بچگون عمر و زینب حسته کسندن ناراحت اجاره سن  
 المفق در اولور قری **الجواب** اولور احو مشفق و برینت  
 لازم کلور **سید** هر وقت نارایه معترف اولان ایند بیا ولد  
 و کبر فوت اولوب زیدت اول نارایه فرود بخنی ازلم  
 سباهی اول نارایه بی بوا بیه عمره و سر و کده عمره اول  
 فرود ادرالک اید کله بر کون تر بصیعی اید بر بوضه و نه  
 زین اولد که لک اجر مثل ارضی عمره و برینت تصرفی اید  
**الجواب** بقدر اولک اید بجه عمره و سون اید **سید** بلا ولد  
 فوت اولان زیدک نارایه بی سستی بی بوا ولد کده زیدک  
 اول نارایه اولان کین حصا و کله کده زیدت و کسندن  
 و کبر بوضه حسب ارضی نه اید اولان عمره و نارایه کله کدی  
 دیو کین حسب اتمکم قدر اولور قری **الجواب** اولان وارثه انتقال  
 اینج خصای ارضی عشرین الورا تا اولان ایل و سر و کله کبر  
 اید و رثه ایلر اسیله اولد کده **سید** زیدت هر قدر اولان  
 نارایه سن عمره و اجرت اید و سر و کله کدی اول نارایه  
 حسب اید بر قج کره سور و بطن اید کده کله کده زیدت بلا ولد  
 فوت اولد کده علاوه کلا اول نارایه صاحب ارضند زیدت بو  
 اید **الجواب** تخم زرع اید کده عمره و بطن اید کلا بچون کرون  
 بر مقدار کله المعرف قدر اولور قری **الجواب** اولان **سید** **سید**  
 نارایه برین بی بولدن فوت اولسه قانون بجه و برین ایدر

**سید** بلا ولد زیدت فوت اولان زیدت تا راسه قری  
 حصا المعرفه طایفه اولوب اول نارایه اولد بی جمله کسندن  
 اولان زینب بی بوا بیه المعرفه اید کده سباهی زینب  
 و بر سوب هندت و والده حسب حدیجه و سر و کله کدی در اولور  
**الجواب** سباهی کبر دیو کسندن **سید** بلا ولد زیدت فوت  
 اولان زیدک سستی بی بوا اولان نارایه قری ایدر  
 بی بوا بیه الماز دین مقدمه فوت اولد کده حق بی بوا کده  
 اید اول جمله کسندن اولان لایون قری قری ایدر انتقال  
 ایدر قری **الجواب** ایدر **سید** بلا ولد زیدت فوت اولان  
 زیدت نارایه قری کبر ایدر زینب بی بوا بیه الوی  
 کین حسب حدیجه اولدین فوت اولد کده حسب ارضی  
 اول نارایه کله کدی فرود کسندن محمولون بی بوا بیه و برینت  
 ایدر اید کده و رثه حسب ارضی بی بوا بیه و سر و کله کدی  
 مسعودی در اولور **الجواب** اولان نارایه حسب ارضی و رثه  
 ایدر و زینب ایدر بی راسه **سید** زیدت فوت اولوب  
 قری کبر ایدر قری شرک اید کده کسندن زیدت  
 سستی بی بوا اولان نارایه برینت نصف ایدر بی بوا بیه  
 اقرین دین زینب بی بوا بیه کسندن ایدر زینب فوت  
 اولد کده اول نصف زینب اوغلری ان خزا بچون حق  
 بی بوا و ایدر دیو بی بوا بیه المعرفه قدر اولور قری **الجواب**  
 اولان **سید** زیدت هر قدر اولان بر قج نارایه برین

صاحب ارض باید بر مقدار ارضه مقدار بسند و عمره تقوینش و تسلیم  
 ایند کون حکمه بدل مرقومی المادین فوت اوله حالانیک  
 ورثه بی بدل مرقومی عمره و در طلب ایدوب المصدق در  
 اولور لر می **الجاب** اولور لر می بیان موقت صاحب ارض  
**مسئله** هندی تصرفه اولان تارلا لر می زوجی زید فرخ ایدوب  
 کون موقت کساجی بولنسه حالانیک فوت اولدوقده هندی  
 فرخ مزبور معتبر دکلدرو میاول تارلا لر می مسئله قوره  
 اولور لر می **الجاب** اولور لر مسئله هندی تصرفه اولان میری  
 تارلا واسطه کدر بر قطعه کشتا بر سنی صاحب ارض موقت  
 زوجی زید فرخ ایدوب بعده زید فوت ایند کدر حکم  
 هندی فرخ معتبر دکلدرو بونصرف حراد ایند کدر سایر  
 ورثه اول بستن حندی اولی اولفده سایر تکلیف بزه انتقال  
 ایدوب ایند کدر تصرفه موقت در اولور لر می **الجاب** اولان  
**مسئله** زید تصرفه اولان میری تارلا لر می اولوب بر مقدار  
 ارضه عمره و بر مقدار این ارضه هر هبه نامیده کساجی دانسن  
 تقوینش ایلمسه تقوینش فکر محترم اولور لر می **الجاب** اولان  
**صورته** اول ایلمسه اولان تقوینش معتبر ایلمسه زید  
 وقت عدم مکره کساجی اولی اول تارلا لر می مسئله لر می المصدق  
 قادر اولور لر می **الجاب** اولور لر مسئله زید عمره فرخ ایدوب  
 پسندی ارضه و بر مقدار کدر بر مقدار تارلا و بر و کون صاحب  
 ارضه زیدون نامه ایوب بر مسدود سندن سندن حینی و زید تارلا لر می  
 معوض

مصرف اولوب فوت اولدوقده صاحب ارض تارلا لر می  
 ایلمه و بر مکت هر اولیلمه موقت اذن نامه ایوب بر مسدود  
 تارلا لر می زید بر زید و عمره و طایوبه و بر مکره صاحب ارضه  
 منصفی در اولور لر می **الجاب** اولان لر می اولان تارلا لر می عمره  
 و عوایس موقت **مسئله** زید تصرفه اولان تارلا لر می عمره  
 تقوینش ایدوب بعده صاحب ارضه زیدون طلب ایلمه  
 اذن و بر میوب تقوینش ایدوب عمره و فی اوج کدر تصرف  
 ایند کدر حکم زید با ولد فوت او کدر حال صاحب ارض  
 اول تارلا لر می طایوبه و بر مکت استدکده عمره و مکترون  
 زید و در تقوینش ایند کدر سن اذن و بر مکت تقوینش ایدوب  
 کون صاحب ارض طایوبه و بر مکت موقت در اولور لر می  
**الجاب** اولان در بیان قانون رسوم باید فی وقت شایه  
 و دعا لر احوال در لایسان ایدوب رسم قشلاق و یا یلاق  
 و قتر ح حاصل یا بلش لایمدر و قتر ح یا بلش یا قتر ح  
 قشلاق و یا یلاق هر کس چغور قشلاق و یا یلاق  
 او تندر و صوبند انشعاع ایدوب زید زید کله کوره رسم  
 انصاف دفتر موجبه التار او طاق زید کله کلوب طویلی  
 بو تندر و صوبند انشعاع ایدوب بود که خارجه کله کلوب  
 ایلمه او طاق زید کله کلوب طویلی او تندر و صوبند  
 انشعاع ایدوب عشر و رسم کله کله کلوب طویلی اول  
 معوضه لرت هر او چوز قیونری سر سورتی عذر اولوب

اعلا سوریه بر قیون اوسط سوریه بر شمشک اونا سوریه  
بر طوقلی اولفاق حتی التیق قانون اوروم یعنی  
مرعی بر نزه تعیین صدود یوقدر قدیمه نهر طوار یوری  
کلیتانه اول بخله بر بور و قدیم فرق اتقی بعد و نیز قدیم  
اوله که انت اولان کسند نیز و هر می مرعی النوب صحتی  
وزراعت اولمقی طلاف قانونه جبر ازراعت ادر رس  
بینه مرعای اوزره حکم اولنور بر اهل قریه بک طوار رس  
مرعی مقدر بوقانون اید عمل اولنور **قانون** بر قشاعت  
یا بعد یا باغنت قدیمه مخصوص و سفضل طوار لری یوری  
اوندن و صوبینه انتفاع اید کلد لری مرعی بر لری بعض  
کس لری زراعت اید رس اوندن لری قدیمی اید عمقی اولمقی  
اکونه احکام شتر و بر نوری قدیمی مرعی بر لری زراعت  
اولنور رس طوار لری یور و بخت بر لری قانامق لازم کلور  
مقدوم مرعی مقدر بر جبر ازراعت اولنور و حق قشلاق  
و باطلاق مرعی لقا کون حکم اولنور که اول یا باغنت طار  
و کو اسی بر لری انوب صحت ارض اوندن اجلوب زراعت  
قانامق اول وقت دخل اولنمقی کر کدر **قانون** ایا قریه  
طراغنده اولان قشلاق و باطلاق اول قریه اها کسند بر قریه  
خارج کلوب قشلاب و یا با یوب زمین صحت  
ارض اید که قریه اولنور رس نیز قریه ترک طراغنده  
سکا دفتر یا زبان رسمی و نیز رس نیز رس بر لری  
یعنی

بعض روشن کمالیون و بر و زرد بوتراغ ایلنه بر اولمقی  
وقشلاق و باطلاق حتی اهل قریه نیک علقه یه بوقدر  
مقد حصول صحت ارضه حکم اولنوب قانون اوزره  
امر شریف و بر نوری **قانون** حصار و قشلاق رسم قشلاق  
زهر بده کیمک طراغنده بولنه اولنور و حصار  
اولمقی حق اولمقی زمانده دولن و کیمک جائزه اوزره  
زمانه دلت اوندن و صوبینه انتفاع اید لری حصار  
حق اوزرنده اوست امر شوب طوار انتفاع اید  
قابلیت کلد کرده **قانون** قشلاق حقنک دنی تبی  
زک زهر بر اول زمان النور حصار اولمقی جائزه اوزره  
کره کی زمان اعتبار اولنور اولمقی حق اوست امر شوب  
طوار اوندن و صوبینه انتفاع اید لری زمان مقدر و  
طراغنده طوار اید کلوب کچکون اوندن و صوبینه  
انتفاع اید لری زمانه کشر و رسم و بر میل و س اولمقی  
حق النور زراعت و حاشیت اید و عسکر و رسم و نیز و س  
اولمقی **قانون** الفار **قانون** بر قریه خلفک طراغنده اولان  
بر لری یور و قریه قلوب زراعت اولمقی بر لری اوزره  
بعض کس لری طوار لری بورد کلدک اوجده نوری و کلد  
قادر دکل در صاحب ارض دخل مر قح اید لری اولنور  
ق در اولان نامه تقریف ایدل رز غلین قیدر و قدیم حکم  
اولمقی قیون بر مرعی کچون بر بعد ارا قیون بر صاحب



ارض هر نور لری رخسار منغه فار در دکلدر قانوند **فانوند** بر  
 بورت کسپه یک تیماری اکنده او نوروب زراعت لیکه  
 خنده عشر در رسم و یروب قره سنورنه دوک بوردوب  
 او خاق رسم طلب او نورس جانیز دکلدر زراعت و رسم  
 و برندن او خاق حقی الخازف یوندر **فانوند** تر تیمار جانیز  
 یوتکل کلوب قشلاک بر مضره قشلاک رسمیی ذفرج یا زلفش  
 اب انور صراعه یا زلفش دکل رسم و قدیمه اول بر لوز  
 رسم قشلاک الله کلک معناه اب انور و الا کرمقا  
 دکل رسم الخازف **رسم** بر قره برج قدیمه فیون او تلبه کفن  
 ایکن اول قره کسک اولان زنده صکره در فون کتورب  
 اول قره برج اولان کندی جفتکنده یوروند کنده صاحب  
 زنده در فون اولان زنده رسم او خاق المعراضه ایکن زنده  
 و تر تیمار صاحبان اول فیون زنده دفع اندر مکه قدر  
 اول نورس **ابور** زنده مخصوص قره دکل رسم قره نبت معانه  
 سببیک اذنی اولمدن زنده زیاچ فیون او منغه قدر  
 اولان سببای دفع اذنی و یروب زمین تیمار مخصوص قره  
 اب بر قره تیمار همان سنوی نقاطه کسک **رسم**  
 بر قره خفتن رعایا لرنه او قره خلقی صفای بو عین  
 قون کلدرت دیو فونوت طوار لرین او تعدادت اغا هرت  
 کسکه قدر اولان لرین **جوا** اولان لر **رسم** بر قره اهل  
 قشلاک لرین آخوند بعضی کسکه لره بیع ایند کزنده اول کنده

قون لرین کتورب اول فیون اول قره نبت فر عاتج با صوب  
 سببیک عشر بنه ضر سنوی او بیج سببای اول اهالی  
 قشلاک لرین کسکه بنده تر منغه قدر اول نورس **الطوب**  
 یا یله اضرا قدر صدی اول یوب قدری وانض و بیج تقویضه  
 اذن و بر حکم قدر در در کنگ ما ده ده سببای کسکه بنه ضر سن  
 کلک رعایا به اصغاف کتوت اهل اولور اوله اوله رعایا  
 تقویضه رعیت اینتر لردی حمله سبب بر لرین زاضی اولوق  
 نو اهر عبید و مع هذا سببیک نظر ری اوقوع الی الله  
 و بر حکم قدر در **رسم** بر قره رعایا کسکه اولان  
 زنده و کوا و وفعلک طراغنده واروب فیون لرین  
 رعیت اینتر شکل و قف آخر صباطی اندونه رسم او خاق  
 طلب ایند کنده انز فیون زمین رعایا سبب اولد و عمر و وفعلک  
 متواتر کنده و بر حکم رسم او خاق و بر نبت لازم کلمه دیو  
 و بر حکم قدر اول نورس **الطوب** اولان لر فیون سببیک  
 رسم او خاق نبت در **رسم** بر قره کسکه لر بر قدر نه اولان  
 نارا لرین بر نبت زراعت تیموت خذالیه اوست ناست اولان  
 سببای نو کسک رعیت اهر اولان کنده نایله صاحب لری منغه قدر  
 اولورس **نظر** اولور **رسم** بر قره اهل کسکه نارا لرین  
 حاصل اولان صوبت عشرین سببای زنده و دکل ندر حکم کس  
 مجرد تر منصرف اولد و کون نارا لرین بعضی زراعت  
 ایند کسکه بعضی کسکه فیون او خاق ایکن اذن قره



صاحب چهاره اسبجه موسیسه اول بر لری تفرق لیون هر کم  
 اولورسه اولونو اسبجه و در **قانون** ربعی رعیت بر سن طوقه  
 بورت اولسون وغیری اولسونو رعیت اقیهت اگا خدیق  
 اقیهت در سر لدخی اول ولایتده رسم جفت دفرج **قاج**  
 اقیهت بقین اولونش اسیه و رعیت قانوندر اما مورک  
 ده بقیده حکمه در کند و فایده نریده احد فوری بر لرت **قانون**  
 جفته تخم و ایا اسیه اون ایکی اقیهه رسم جفت النیق **قانون**  
**قانون** بورک ده بقیده اسیه جمارن طراغده کند و باله  
 یکدیگر احد فوری بر لرت سنون جفته اون ایکی اقیهه و نیم  
 جفته اقیهه و بر لرت زیاده و بر لرت دفرج حاصل اعلی  
 حال بر لری اولوب رسم و حاصل **قاج** باله نریده اقیهه  
 سالاریه و رسم زمین که بر فولق در و بر دفرج همان عشر  
 و بر دفرج اما بقیده رعیت بر لرت بر تفرق ایدر بر کسه عشر  
 و رعیت رعیت ایکی و بر لرت **قانون** رسم سالی  
 و رسم خمره و اسبجه و رسم زراف و جفت رعیت کچی  
 زمان مارت اینک ابتدا سدر اول زمان معتبر در اول  
 کونک کیمت کونیند و در شمس مارت محموله جمله نیک  
**در میان** اعشار و رسوم باغات و مقطوع باغ و رسم دیم  
 و دوغ و دفرج مقطوع و یا خود یا کوز رسم باغ و خواج باغ  
 یا زلسه دفرج بار ناک رسم انهار عشره معادل مقطوع  
 و رسم و خواج باغ انوار عشره معادل و بر لرت رسم شرکده

عشری انوار دیوا احکام شریفه و بر لرت **قانون** کثیر در  
 حکمه یکدیگر باغ و باغچه غولس اولنسه حکم و اولایت کثیر  
 اولنجه و دیکین عشر النیق **قانون** قدیم در بومنوال اوزره  
 حکم شمس و بر لرت **قانون** بر باغ و دفرج و عقده  
 مقطوع یا خود رسم دو نیم یا زلوب اول باغ و دفرج حکمه قواب  
 مشرف اولوب کردی اما ایوب بر لری زراعت و  
 خواج اولنسه مقطوع و در شمس یوز لیش اولور  
 اول بر لرت حاصل اولان ترکه دسه ایسایین عشر لوب اسی  
 دفرج مقدیم مقطوع و رسم یا زلسه در دیون باغ ایدر  
 عشر النیق **قانون** شرف در مسامه خصوصه دخی رسم  
 دو نیم باغ یا زلسه دو نیم اولان باغ مسامه انوار دو نیم  
 یا زلسه باغ مسامه اولان **قانون** بعضی بر لرت حین  
 کثیر عشر نفس یا زلوب عشر قدیم لایه کلوت  
 اول ولایتده ترکه دسه عشر سه نفس النور **قانون** **قانون**  
 عشر قدیم یا زلسه بر لرت حین کثیر باغ بعد از  
 خواج مشرف اولوب بر لرت زراعت ایسه بر لرت  
 اولان ترکه دسه نفس النور باغ ایکن دو نیم و بر دفرج یا خود  
 مقطوع و بر دفرج دو نیم ایدر هر لرت اول ولایتده ترکه  
 عشر قدیم لایه کلوت سه نفس النور **قانون** **قانون**  
 بر لرت طراغده اولان باغ و دفرج عشر باغ یا زلسه  
 اسیه سالی ایدر عشر و بر لرت معصوم اولنسه

اولمغده عشره معادل رسم صاحب ارضه و بر زر اگر عشره  
 معادل رسم و بر مکه و نقل از زر رسم عشره عشره  
 البور و بر زر و بر خاکم عشره و بر طورق نوذر **ق نوذر**  
 بکنه در عشره بنیق لازم کلده و دفتر رسم تا زلفق لازم در دفتر  
 بکنه و در عشره با زر مکه قانون شد هجره الفجر و کمر دفتر حج او  
 در نده بر النور نیرانش است و در زر فوج نام زده و در زر فوج  
 نام هم بود و هر جمله مسطور و مقینه در **ق نوذر** بر هر چه از ملک  
 نیجاری قریب است طراغنده اولان باغله در زر دفتر حج عشره  
 با زر رسم اوله باغ ایچنده اولان میوه استجی ندر زر دفتر حج عشره  
 النی زاکر رسم یا زر رسم اول میوه استجی ندر زر با ششده عشره  
 ق نوذر قدر بجه **ق نوذر** و بنیق طایفه است سبب است فاج  
 قریب سنگ صدوی واخنده اولان طراغنده اور طمان  
 بر لرین کجیر دهنه صکره با نده لریم بر مقدارین زراعت ایدوب  
 و بر مقدار بر لرین باغ خوش آغیشی اولسم لر زراعت  
 ایدو کوی بر لرین حاصل اولان شکر ندر زر عشره ایسه لایزه  
 سکر حج بر خوش ایدو کوی باغشان حاصل اولان او زده و در  
 عشره عشره سبب استی به حکم او خوب البور بر لرین و بنیق  
 طایفه استی بوز دیو نقل و نزع ایدو لرین **ق نوذر** و بنیق  
 طایفه سنگ دفتر حج او زر لرین و بنیق با ششده است حاصل با کوفه  
 دفتر حج اعیان او زر لرین و بنیق سبب استی طراغنده  
 دخل ایدو قریب سبب استی طراغنده دخل ایدوب زراعت لریم

سبب استی بر عشره و سبب استی البور بر طورق نوذر **ق نوذر**  
 و بنیق طایفه است اگر بر کشته نیت نیجاری طراغنده بر  
 طوطه لر عشره لرین و بر لرین و کمر زرین اولسم بر لرین  
 و بر لرین و با بجه سبب استی رسوم خاقیه و عادیله لرین با بجه  
**ق نوذر** او زده و بر طورق نوذر **ق نوذر** و بنیق کند و  
 او زرین یا لرینان و بنیق لرین در عشره النمان اما ها ره  
 بر لرین خوب نقره ایسه کجیک طراغنی اسم عشره لرین  
 او زر و رسم الله کلمش ایسه بر لرین دخل او زر **ق نوذر** **ق نوذر**  
 و بنیق و زر ایدو لرین سبب استی بر رعیت یا زر رسم کجیک بر لرین  
 ایچیه سبب استی لرین و با دهوانیست که حاصل یا زر لرین ایسه کوی  
**ق نوذر** و بنیق طایفه است و بنیق کشته کند زر لرین  
 بر سبب استی و با ضرر با ششده است اولو و بنیق سبب استی طراغنده  
 بر طوطه لرین یا ضرر با نده لرین خوب زراعت ایسه لرین  
 اول بر لرین عشره و بر لرین سبب استی لرین با بجه و بر لرین و بنیق  
 ایدو لرین و بنیق ایسه لرین حکم و بر طورق نوذر **ق نوذر**  
 یا زر رعیت نیجاری سبب استی اولوب بولوشنی یا زر  
 عوض و نیجاری فرماز ویدینه برات و بر خوب رعیت لرین  
 جقوق اما ندر رعیت برین طویوت اول وقت دخل  
 النور و اول بر لرین رسوم و بر طورق نوذر **ق نوذر** لرین  
 دفتر حج طایفه یا زر خوب قدر بجه حاصل او زده نقره  
 اوله کجیک لرین باغ خوش اولسم صکره کجیک سبب استی طایفه

حشمتکبیر دیو وضع ایست جائز دکلدر ربع صا صین سپاهی  
 الحق قانور دیو هم صوم و مفسور له قمره کشت کل طرف  
 و بر شتر در قانور عشره و است انومیه و اسم باغ نام  
 یازدهان برده حساد عسکری بود جمله جار بهر باغ و ست  
 و میوه و زعفران عشره مشقه است از دم و ست  
 خواگه ابریشوب که فی بینه کلد و که زان کیمت کوی خنده  
 واقع اندیش این عشره الی کلد را اول زمانه اعتبار اول نور قانور  
 س لانه و قتر ح مسطور اولیا بر ست دات و سپاه حشمتکبیر  
 بر لرزه نش ناریه الففار قانور حساد و در رسم باغ یازدهان بر  
 از دم ابریشوب کمان بولوب کند به کرب و مسقط و فی زه و تقیه  
 مسلم بر قریه یکت ذبیحی اسلامه کلوب و ذقیله زان کیمت  
 ادوب و ستلی نزل کلد بر کما مسلمون مسلمینند خود  
 دویم الفار دیو صورت و قتر ح قید اولی عشره و بر کلم  
 قانور اول نور می **الحواب** اولیاز کلمه کلوب دویم قید حقه  
 نین عشره الفار **مسلم** زیدان با غند ز عشره و بر کلمه اول اسپنی  
 کلد که با غند دو غنده فرق یکیشتر لقب یازدهان در ش ایکن سپاه  
 نین عشره الفار اول نور می **الحواب** اولیاز دویم عشره معادن  
 اولی می نین عشره الفار حعلی جار بهر **مسلم** زیدان کلمه بر نه  
 مغز و ست اولان با غند ز عشره نام **الحواب** نام دکلدر **مسلم**  
**مسلم** و در ذمی آخر قریه کسونه قتر و یکت دویم قید اولی  
 باغی اشتری الی ذکره عمرو سپاهی کافره دویم اولیاز دیو کبیره

قانور اول نور می **الحواب** مقطوع ابودک مقور او ایمنی تقریر اول نور  
 بو معقولی و قتر قاطدر **مسلم** زیدان سپاهت رعیتی  
 عمرو کیمت بر لرزه باغ انصراف الله زیدان رحمت کلد  
 دیو باغ عشره من الفار اول نور می **الحواب** اولیاز عشره  
 تا بعد بر حسته و بر جور **مسلم** زیدان طوغاخی بر لرزه اجنبی  
 اولان عمرو و کبر و شتر آکین الکوب باغ و کسم لر زیدی اول نور  
 بوضه قریه سپاه سی انور **الحواب** حرج بها زیدان لغه امر کلد  
 کور شدر طوغاخی بر نه سپاهتک و حل اول نور **مسلم**  
 زیدان طوغاخی فوت اولیاز قده و زنت طوغاخی بر نه اولیاز  
 سرقطه باغی عمرو اجنبی بر ربع التسم اول باغت عشره من  
 قریه سپاهتک اول نور بوضه طوغاخی می انور بوضه و زیدان  
 می انور **الحواب** طوغاخی کما بر نه نظار طوغاخی کین اول نور  
 نامزه سن اولیاز بر نو لغه بر حرج بها عشره یکه انده در  
 یکون امر کلد کور شدر زانینتی مع حساب بو قلوب بر نه  
 اولان امر حعلی به نظار اول نور **مسلم** زیدان عمر و عشره شیره  
 حقه نه تراغ الله زیدان دحک الشیخ نه وقت اعتبار اول نور  
**الحواب** از دم ابریشوب با ناز لر حرج اولیاز کلد قیدینتی  
 اولی و قی زمانه **مسلم** زیدان فوت اولیاز کلوب بقمره اولان  
 مملک باغی قتری هنده انتقال ادوب بعده و در ایام  
 کرد می قتر و مملک هند بر جی تا لاله دست زراعت و عشره من  
 صاحب ارغند بر کن فاق صاحب ارغی شده زیدان کلمه



نیز هر طایفه بر هر کوزه و کوزه بدو بوب صوب بشی اندر عشر الحوی  
**الجواب** العجز **مسئله** هر دیار و دیوچ اولان زید و یار هر نوبه  
 اهل سکنت مخایم و بجنگلین البوب و قضا ف شرح و  
 قانوز خانه کشتا ایشتر اقیه طلبت اربوب المغه قانوز اولان  
 اولور می **الجواب** اولان **بوشور** نه بو مقولم علم و نقدی اربوب  
 بول ممکنتی چو ایساعی اولان زید و بوده به نه لازم اولور  
**الجواب** عمل لغز **مسئله** ایدو یوچ نلت رعیتی ایشتر  
 طراغینه زراعت و محصول کقبیل اربوب عشرین  
 اول فریسه هیستدیر دگر ندره حالاندر تجر و نیم ضعیفی  
 اولور و تخم قره جم من ایلدی کل دیو اول محصولدر کف و  
 دهن عشر المغه قانوز اولور می **الجواب** اولان **مسئله** هر دیار  
 دیوچ اولان نیر کندیر مینت و مخانا اول دیار رعایا  
 نسلدر ریکه قانوز اولور می **الجواب** اولان **صورت** دیو  
 رعایای مرهوه نفر ندره اولان زینان اسما کونیک هر  
 بری اکون زید مرهوه و فخر سلطان ایشتر اقیه  
 و بر لر تخم زید قنعت ایشوب زیاچ المغه قانوز اولور  
**الجواب** اولان **در بیان** قانوز شریک بر لر می کسب ایشتر  
 زیاچ نصف و تخم یا زله بجه بر کسب ایه و فخر شریک  
 بر لر می قید اولن کسب ایه نصف تخم و نصف او کوز  
 رعایا یه و در ببعده قاض اولان محصولک نصفی صاحب  
 ارضک اولور تخم و او کوز و بر هر یکی کسب نصف حصه

انما ز بهمان عشرین الوری کجا و فخر شریک بر لر می قید اولور  
 نصف اولورم دیور رعایا بجه ایده **مسئله** هر قانوز کسب ایه  
 و فخر شریک قید اولان کن شریکی منصف ایدر رعایا و  
 بری فوت اولوب اول بر لر قانوز اوزره او غقر نه  
 انتقال ایلدی که فخر بیدر اول بر لر کی تصرف ایدر نه  
 سوال ایده کسب ایه اول منوال اوزره تصرف اولور  
 بر بری بر ایشتر تارک زراعت ایتدی **الجواب** ایشتر  
 ایشتر تخم و او کوز صاحب ارض اولاندر طلب ایده فخر  
 فخر بیدر نه سوال اوزره تصرف اولوب محصول ایدر کسب  
 ایه اول سوال اوزره محصول ایشتر قانوز **مسئله**  
 ارض میریه بین نسنه نلب نصفه دکن ارضت کسب  
 کوره عشر و تخم و فخر و نسنه کسب شریک ایدر  
 اگر قوان فار بیدر اول سو کوز اگر رعیتک اول سو کوز رعیتک  
 کسب کوره تخم مشر و عددر قانوز قانوز قید معبر اولان  
 و فخر اعتبار در عشر با زبان عشر و ربع قید اولور  
**مسئله** ایشتر ایشتر ایشتر و فخر اولان بر فخر  
 جنگ کسب نصف عمر فوت اولورده سوال ایدر  
 ایشتر اوزره عمر کوز او غقر کوره بر تخم و بوب  
 وقف اکون منصف ایدر ایدر کسب کوز قید ارضی اولوب  
 خلاف ایشتر کسب قانوز ایشتر کسب قانوز اولور  
 ایشتر ایدر وضع اولان قید ایدر عمل اولور **مسئله**

نیز سبب می بخاری طراغنده همروک طابوایم تصفیه اولد  
 تا آنکه نوزده بعضی کسند لرح جفت زراعت اولن کلوب جنگ  
 زراعت ایون کسند لرح جانب میره قانون او زره حاصلک  
 زمین و مردب شد از باغن اول کسند لرح قشقی اینک نوزده صکره  
 نیز سبب می اول کسند لرح اول کسند لرح اول کسند لرح اول کسند لرح اول کسند لرح  
 جفت عشرين المذق در اولو می **الحوار** جفت میرسی  
 المذق فاکره عشرين صاحب ارغند و برید و نوا اراش  
 اب عشرين البلبور قانان الجار در میان قانون سبب می  
 عشرين دمت ایون و ترکد انیم و برینک و نسیم و نقل  
 المذق و ایشار و بازاره المذق قانون تجیده صاحب  
 ارغند تجاری طراغنده اولان میصول صاحب ارغند  
 کند و کسی یا خود و کیو موجود ایکن عشرين امدن میصول  
 حوسن بر نوزده قدر فرما صاحب ارغند اولن و در عشرين  
 زراعت کند و کسی یا خود کین حاضر و موجود اولان قانون  
 قانون قانون بر اولان نوزده ترک عشرين قانون اول و لانه  
 تا آنکه نوزده دمتد انک کلک عسکری قانون عشرين  
 تا لاج و دمتد و بر و بر حوسن بر نوزده عشرين قانون  
 اما رعایا قانون عشرين حوسن بر نوزده و سبب  
 سبب می ایکن و کیو برینک قانون نوزده سوال او زره  
 حکم عشرين و بر و بر قانون بر رعایت عشرين هو سفینه  
 طوارر و ترکد صاحب نوزده بازاره و کوبه اولان اناره

کوردک

کوردک قانون و خیر رعایا قانون و قانون جاری و  
 اجوی اولنور **سبب** نیز سبب جفت تجاری طراغنده تا  
 زراعت ایون و وقت جفت ذم زراعت عشرين تا  
 اولد و کل جملده نوزده و بر کلو نوزده ابر راضی اولمیوت هر نوزده  
 البته اول عشرين و بر کلو نوزده ابر راضی اولمیوت  
 مسافکن اولد و قانون نوزده عشرين و کله قانون اولو می  
**الحوار** اولان رعایا عشرين هر هفته طور و ترکد صاحب  
 اقرب بازاره کتور ملک قانون اولمذق و قن و قن صاحب  
 عشرين بر موجب ارسططه اقرب بازاره کتور حکم و اصل  
 ایکن متدی راضی اولمیوت بعد بازاره کتور کله قانون اولد  
**الحوار** اولان رعایا عشرين اولان عشرين رعایا عشرين  
 هر اولو میوت سبب می ایون قن نوزده نوزده ایون  
 المذق قانون نوزده ایون اولو **سبب** قریب لری مشق اولد  
 نیز و عمر و سبب رعایا عشرين ایون نوزده  
 جمع اولنوب هفته نوزده ایون اولو **سبب** هر بری نوزده  
 و قانن قن عشرين رعایت قن عشرين ایون  
 او بدیده اول کسند اعتبار نوزده در نوزده **سبب** نیز  
 جمع قن عشرين نوزده رعایت قن عشرين ایون  
 اولن نوزده ایون حاصل اولان صاحب نوزده ایون  
 نوزده ایون می و بر نوزده **الحوار** نوزده سبب سبب  
 طراغنده حاضر نوزده رعایت ایون رعایا سبب می هر قن رعایت











اقیه التوب من عدد زنده نیمی دیو فرمایند عیسا در اول شد **روز**  
 در میان رسوم عیث استیله در رسم جنت و نبات و محمد و پیروز  
 رسم جنت و نبات و محمد و نورده است آینه الملق فی نور  
 عارث اول کونگی کیمت کومند و در رسم جنت و نبات  
 و محمد و نبات اولور در رسم جنت و نبات مطرزه و کله و سفید و نباته  
 و فترزه آرو و حیله برده ز باجه با نوب و فترزه بر هر دو نبات  
 معقل و فتری ظهر نره اولان قانان نامه سده نوجمله بارش  
 اسمه اکا کوره انور و رسم کوره یا امر شریف یا لیه استیله وضع  
 اذیت در فرودند در محمد و ندر طرف اولور و فترزه در  
 بر هر فرودند کون شریف استیله انور دیو و مخصوص و نبات  
 و فترزه قانان نامه سده معقل و **روز** در رسم محمد و مطرزه  
 و کله و استقبال کار و رسمه قادر اولان مسلم از عیث اولور  
 محمد و فترزه انور کار و اطراف ندر محمد اولسون فرود و رسوم  
 سیده کون شریف استیله انور و استیله استیله اولور  
 اعتبار موجود و مسلم و کار و اطراف ندر استقبال کار و رسمه  
 اولور محمد و استیله انور و سلطان رعایا نبات اوغلی محمد  
 ایکن اولور رسم نبات اولور ایکی اقیه انور و مسلم نبات کله  
 فوت اولور رسم محمد انور و مسلم انور و نباته نبات  
 اسمه کور رسم محمد انور **روز** استیله سده کون ایکی اقیه و  
 کار و رسم کون شریف در رعایا فرود و فترزه جنت معنی  
 و بیوندن حقی تدریز کار و سیده استیله دیر **روز** بارش

سده یکم در فتح بندگی ملک اسکی استیله بر نره مقرر قلی  
 بر نره اولور و نطفه عیث اسمه سبای الذی اول بر نره عشری  
 اولور بر نره و سکر بر نره و بر جان فرخ مقام سده و جنت رسمی  
 اذیت و بر جان فرخ موقوفه نبات یکس سده رسوم شریفه در  
 عقال حقی در رسوم غریبه و نبات انور اصلا نره اولور نباته  
 حیوانات اذیت نبات و نبات مثل رسومه که انور اقیه نبات  
 انور عیثه نباته استیله **روز** و فترزه در رسم قید اولور  
 کله انور اصلا اولور نره علامه سده بر دور نره معقل اولور  
 بیخ طرفه مسطور اولور بیخ بر نره اولور اقیه نره فترزه بر نره  
 انان رسم بر مقدار حیال کار رسم نبات و بر هر رسم رسوم  
 و ندر نبات طرفه اولور نبات طرفه اولور و ندر نبات  
 جنت حقی که اکا استیله و بر نره رسوم شریفه ندر فرود و موقوفه  
 فرود و استیله عیثه اذیت اولور اذیت معقل کله  
 ایکی کون شریفه فترزه اجور سده جنت رسمی اذیت و بر نره  
 فرود و ندر سبایک عقال معقل در دویا رسمه رسوم  
 عقال اصلا نره بر نره اولور نباته نبات انور ندر نبات  
 مثل رسومه در عشر طیب و عقال و کله و فرود و موقوفه  
 عقال نره اسم قانان استیله نباته نبات و فترزه نبات کون  
 بر نره ندر ندر و ندر ندر اولور فرود و ندر ندر استیله  
 و نبات و جنت و رسم جنت نباته نبات نره اولور رسم  
 اول کوره معقل **روز** فرود و موقوفه و جنت قیسه و نباته



چنانچه رسوم رعیت النور که تجاره جعفره یا شاه رعیت  
 اوله و فی عوض اوله نوره بولد کشفی مقاصد سنه تیار اولمش  
 اولوب بویغ برانته یا ریش اوله اول وقت رعیت کلدی  
 فرغ اولمش اولور در رسم رعیت انجا زامتا رعیت برین لغزه  
 اول وقت رعیت نون مانو دکلدر قی نون قییم بویغ تک اولمش در  
**قانون** بر ساطک و فریدر با فایده مفیده بقیتی افرج  
 حد تک فریدر رعیت اولقم شافی دکلدر قانون قدیم  
**قانون** بر ساطک هیک ذقی رعایا سی یکن اسبجه و بر کن مکه  
 ون شرف اسلام اید مشرف اولدقه ساهی مقدمات ذقی  
 یکن اسبجه و بر دکن اسبجه النورج دیور وظ اولدکه مسلمان  
 اولقم رسم ناک النور اسبجه النور دیور حکم شریف و بر شرف  
**قانون** نوره رعیت ایکی سبجه و فرج رعیت یازده  
 ایکسنت و فی غیر غنیه کس کن اولقیب آفره خراقه ایکن  
 یا ریش اولسه رسم ناک تصیف اولنور اما بویغونه رعیت  
 بری کجر و دن اول سن مقدم بر سبجه هر بقده ساکن  
 بونسه اول فریه بعد رعیت یازده اول فریه سبجه  
 ناک النور اولکی فریه سبجه هم و فر تو رکا یا مدرد بویغونه  
**قانون** نوره و فرج معلول یا ریش رعیت نفسنده معلول  
 اولوب کار دسبه و در اولسه معلول رسنه النور اما  
 نفسنده معلول اولوب زنده اولوب کند و فرج معلول  
 یازده رسم اولسه رسم رعیت نعلان و طاز و فرج رسم رعیت ناز

معاد اوله یونیا ریمان کسنته در رسم ناک النور نوره بر رعیت  
 و فرج ناک یا خود مجر یا زلسه یا فرج یا زلسه ساطک  
 بتون حفت یا نیم حفت یا دوج اقره عالت اولسه نکرار  
 و است یازلوب نقر قنده اوان و فرج اوزرینه بار لجه به دکن  
 اولور سه رسم ناک و هم نقر قنده اولان بر نیک رسمن  
 و بر سطل کار کسه قادر مجر اوسه رسم ناک هم بر یک  
 رسمن و بر اما حین کجر بر بر رعیت نقر قنده بتون حفتک  
 بری بونوب اوزرینه قیده اولمش اول رعایا در رسم ناک النور  
 همان حفت رسمی النور اما اول حفتک عکله کار کیمک  
 السنه و نقر سه ناک و هم حفت رسمی النور و بر رعیت  
 القده نیم حفت ز اقل بر مقدار بری اولوب و فرج ایکن لوبیک  
 یازده اول سکوا لجه اولد اما نقر قنده بر لری اولسه اگا  
 جیاساک و بر لرون ایکی افره و مجر اوسه النور نوره  
 بر رعیت نقر قنده بر لری بویغین و فرج اوزرینه نیم حفت  
 و نیم حفت بری اقل اولان رعیت ایکن لوبیک یا نقر  
 بر کسنته تک و فرج رعایا آرد و خطیب اولسه نوره رسم  
 ناک النور اما و خطیب مقصد ای ساس اوله و قزل اعت بر لره  
 مارا کما عانت و خطیب خدمتده اولدجه رسوم رعیت النور  
 اما مؤذن و قییم اوسه رسم ناک النور برات ناکت خدمت مؤذن  
 و قییم اولره قییم اعتبار اولد **قانون** قاضی و مدرس و طوخی و  
 جبرج و قیوبج و جواس بوالتی هینیم در رسم رعیت النور

حجره استوری دفتر رحمت بونمقد رسم نیک رعیت نماز  
**نور** دفتر یا ز نور رعیت قاضی و مویش و معازم اول رسم  
 نیک و در رسم حجره نماز و دانشمند در حق نماز نماز دانشمند  
 نامنه اولوب تحصیل علمه اولوب هوا و هووسه ما اولسه  
 رسم رعیت نور و اول رسولدن رسم بنات و حجره نماز دفتر  
 یا ز رسم اعتبار بوقدر یا ز نور رعیت حکمه در تمام و حیطه  
 ما ملکه امامت و خطابت حدیثه اولدر نیک و حجره نماز  
 اما بوه حدیثه نزع اولسه رکوع و النور قاضی نور **نور** دفتر ده یا ز  
 رعیت سید و یور رسم ناکورن و جرمه نزع ایلمه را کجیم  
 الشب است اوله قدره الفکره است اوله نعتی که شرف  
 مشکلی و چشمه لری و ارا رسم دفتر رعیت یا ز زرعیت اعتبار  
 بوقدر که یوقیه دفتر جیمه رسم نیک لری نور **نور** دفتر  
 یا ز نور دفتر رعیت حکمه در بنیاس اولوب جرح و اسبند نور  
 اما راهب شیر خالقا اولوب دیره معازفت ایوب رعیت  
 نقد ق ناسی ابد اسمه سنه نماز جیمه جرح و اسبند نیک  
 رسم حجره و غیر رسوم ناسیده اصلا سنه نماز **سنه** نیز نیک  
 دن عن طه انزه یا ز ش او عا کینا هدر ز صد اولمشق حکم شرفی  
 اولوب رسوم و دفتر معاف و مسلم اولوب کج حاله انور  
 دیومقر نامه شرفه و اریک سباجی مع نفیس و غیره ای امر شرفه  
 مخالف حقوق و رسوم طلب ایدوب المعرفه در اولور **نور**  
 اولما ز **سنه** جرح اینه دفتر کابنی جمارب ایلمه جمار و بر رسم

کا اول اسبند المعرفه در اولور **نور** اسبند دید کلری کله  
 شرفه در ناسیه مسلمین در حق جفت آینه انور سباجی  
 معاف رسم زید و در حق نماز بوقوله سنه اولوب **نور**  
 اولمشق کرکدر **نور** در میان احوال رسم عروس یمن کرکدر  
 کرکدر و کمری تعیین اولنن سباجی حکم دفتر هدیه رسم  
 عروس دیو حاصل یا ز نور رسم اول کلین اولان قز لک اولوب  
 و سباجی حکم دفتر لور عا یسه قز لک در اولوب سلطان قز  
 ایسه التمش ایله رسم عروس راجه بندر انور شرفه رسم طراظه  
 تا بعد یورون ایلمه ککل ایسه و نور ز جیمه رسم طراظه انور  
 اما دفتر عا یسه دفتر ایسه دفتر قز لک ز اولوب کج ایله  
 اولور ز جیمه و یوه لر ز اون ستر ایله انور قاضی نور **نور**  
 ده نیک سنک عور **نور** ایون صوب نیل و سباجی طراظه مار  
 جفدی دیو نزع و در حق ایله مزقنا کجور معاف در حق سنک  
 بوقدر که طراظه اعلی ایله اوله طراظه شرفه عورت کرکدر  
 رسمین طرازه استی اولان مع حسب جمار ایق مقیم و سخن  
 رعایا عورت مخصوصه در نور **سنه** بنیدت دفتر لور رعیتی  
 شهره کجور قریب کج کلین و جرح کلان قز لک ایله  
 و مرده کرکدر دفتر ایله اولور بوجه شهره سباجی اولور  
 شرح شرفه کرکدر حق دیو ایله ایق بوقدر نماز  
 اولور رسم سباجی حوام اولما ز برقع کوز شرفه کوز شرفه  
 اولور سباجی برافنده نامور در **سنه** اید سباجی قز لک



حاصل اولان رعیتی غمروک قزنی هندکی حاله سب اینک قریه ایسه  
 حاصل اولان کرمتر و بیخ ایسه کردک حقی زیدی اولور حاله کی اولور  
**النور** شرعی کسالت و کله قانونلری قزنی طرفه اولور  
 کورلری بوجوقده حرا و مالکانه مراجهت اولغنی کرکر **دور**  
 قانوله جو جفت بوران رسمی و قزنی یا زور رعیت جفت  
 و جیوعن بوزوب تقریقه اولان زراعت صالح حاصل و بر  
 برلرین زراعت و عواش اینجوب بوز و حاله قویوب کار  
 و کسبوی احو صنعتدن برلرین بوز و حاله قصب اول  
 اصل رعیتک برلری جفت ایسه زخا ازم و جیور اجه و نیم  
 و نیم جفت ایسه بوز اجه اجه نیم جفتدن اقل اولور قانون  
 قریه اوزره عیش بش اجه جفت بوران رسم النور و جفت بوران  
 رسمده کز شسته اولور و مخصوص سنه محرمک غره سنه و نیم  
**المنشد قانون** جفت بوران خصوصه صلی اولان رعایا قی  
 دا کله را جو قغان صا در اولدی و می وارد در امر شریف و بر جود  
**قانون** تقییل ارضی تقصین اشته لر رسم جفت النور کی قزنی  
 رسم جفت بوران بیون جفته حرا و جیور اجه و نصفه بوز  
 الی اجه و ربع جفته عیش بش اجه النور رسم جفت بوران  
 قانون عیش بش اجه بمووال اوزره در اما شرع عشر ایسه  
 ضرری مقدا یا ایسه ارض تقصین و در بیون جفته حرا و جیور نصفه  
 بوز الی ربعه عیش بش اجه و کله جفت اجه بی کر ایکی اجه  
 بعض برلر اجه بدیش اجه وضع اولمشدر بمجر و متا صحت الیه

اروزه جوقدن بر بوق ایسه اوزره مرده شری بوقدر رسم  
 و حق بویله **قانون** تقییل ارضی بوزدر مرآی تقییل تقصین ایسه  
 و تقصین اشته لر قانون عیش بش اجه رعیتک برلری بوز خودی  
 بیون جفته حرا و جیور اجه و نیم جفته بوز اجه اجه و ربع  
 جفته عیش بش اجه بمووال اوزره در اما شرع عشر ایسه  
 برن ضرری مقدا یا ایسه ارض تقصین ایدر برلرین  
 و تقصین و تقییل اولور ای رسم جفت بوران خصوصه کز شسته  
 اولور **قانون** اوزره رعیت ها ایسه تقریقه زراعت صالح  
 و برلرین بلاغ بوز و حاله قویوب و اوزوب احوک قزنی  
 زراعت و عواش ایسه تسلا اولوب بعد ایشیه مسجده ادر  
 زحالیم اول مقوله رعیت نامکی عشر النور بری صا صا اوزوب  
 و بری صاحب رعیتک اولور قانوندرا اما بر عیانه احو طر  
 باغ عیال ایسه ایکی عشر اجه اجه اجه اجه اجه اجه اجه  
 منع اولور بویلمی قانون وضع اولمشد سب بودر که بوجوقده  
 جفت و جیوعن بوران رعیت ایجه حاله کله ریا واره  
 احو طر اقره زراعت ایدر یا قود زراعت ایتموب و اوزوب  
 احو صغیر مشغول اولور زراعت ایدر ایسه ایکی عشر اگر زراعت  
 ایتموب احو صنعت مشغول اولور رسم جفت بوران رسم النور اگر  
 احو طر اقره زراعت ایدر نیم اجه عشر جفت بوران رسمی  
 النور اما سب ایسک طر اقره زراعت صالح و برلرین  
 اگر کوزر هکده و اوزوب احو طر اقره زراعت ایسه ایکی عشر

انما في نون **سلسله** زير سپاسي بجاري را ظننه اردن ليشو  
 بلا عذر بوز و حاله فلان تارلا لوز بوز حق و بربلجك افوه  
 لغويضه قار اولور من **كوب** را يي هاكده اولور بوضو زنده  
 ايند سپاس اولد تارلان كه بوايد و برعت مراد ايند كه ارباب  
 بعد النوح در عت ايد ز زنجور زنده رسم كه بوز بركه قدر  
 اولور من **كوب** اولور بوز حق و در مشواينه **سلسله**  
 ايند خويديار كيدوب باشنه سن عموده اصهار بوب كوب  
 بچوب اعشار دور سوكن ادا اير كن صاحب راض هر سنه  
 اكيون اوچر بوز اچه جفت بوزان رسمي ديونيدونه طلبت  
 اضفه قادر اولور من **كوب** اولور بظيل اوليجي بوز لازم كلور  
**سلسله** زير ترا و علائقه كنده باشنه سن عموده اصهار بوب  
 كوب بچوب اعشار ركسا رسوسن ادا اير كن صاحب راض  
 هر سنه اكيون زنده اوچر بوز اچه جفت بوزان رسمي اضفه دور  
 اولور من **كوب** اولور بظيل اوليجي نه لغويضه اولور بوضو  
 واردا فلان او شريف شرعه قويموا اضفه **سلسله** قونون  
 احوال جلاي وطن دفتر جيا با نور عيت قديمي قريم اوسه  
 قلعوب اخر قريم واروب وطن ايسه لادنه بطله ترم  
 ايسه قلمبر بوب قديمي قريم ايد كنده بوب اسكان ايند بطله  
 اكا و نه بيلدنه زيام اورور اولان رعالي اي قلمبر من اولما زادور  
 دقلو ره اخوه رعيت يا بخش و كل ايسه رسم رعيت من دفتر  
 موجب همسپاهيلي الورما و بديرا چا يسنده اوقاف رعالي

بوق نون اجا و انما زنده حاله قايين قلمبر بوب قريم ايد  
 ايلد بربوب در زنده حفظه و جاست ايد بوب و حفظه  
 طو توب كندي چا عت فائق قانونه **سلسله** اولي قريم ايد  
 بربوب ائده اولميه و ائده قيوك و صفوي در قاي اوليه عقايد  
 قالا مشدر رسم جفت بوزان و **سلسله** اولور و **سلسله**  
 اولما ز كوكي در زنده اولور **سلسله** در بيان احوال مسلم ها  
 يورك كلوب مستلق طراغنده زراعت ايد بربوب  
 و رسم در رسم صكه مسلم بولنه اولي كنده جبر اولور من  
 استر رسم مادامكه ضروري اولميه قلمبر اخر اما ضروري اولو  
 متنبه اولميه مسلم رسم مستلق بربونه قلمبر بوب بولنه  
 حكم شريف و **سلسله** بربوب قريم ايد مستلق اولون  
 بعده علم و سپاهي كند دفتر برفق قلمبر بايكه مال و  
 مستصرف اولوب عمر و حقوق در سوم طلب ايد كنده زنده اول  
 تارلا در قريم مسلم بايكه است اولميه او عايد بوب عمر و كندي  
 بربونه اولوب حقوق و رسوم در ميبور بربونه اولميه ايد  
 ايسه بيشه قلمبر لازم اولور **كوب** مدعي عمر و اولون بيشه  
 عموده دوشهر بوضو قلمبر حاقايه قاطعه البينه لغوي  
 واليهين علم من انكر كمانه دعوي اخلاصه **سلسله** زير بايكه  
 رعيتي قريم كند جلاي وطن ايدوب اخر قريم قلمبر  
 اوله اون سنه دور امتد من سپاهيه بوب كوي  
 قريم سنه التمهق در اولور من **كوب** اولور **سلسله** زير بايكه



اول برجه اولی که در صومخه کلوب عمر و فوت اولوب اولی  
 بیرون صخره دیدن نقشه و اسبجه و رسم جفت بوزان الهه  
 قادر اولور و **الول** اولماز اولون بیرون صخره جفت نقش  
 اولماز عظیم ارض تقصیر نه شرحه رنه عظیم رستخیزه دیو  
 طلبه ابروس اول کورسون عتلاف شرع کمنه دنز مال  
 المنه ادرن سلطان یوقدر شرع مشرفه موافق اولمیان  
 امره ارض و عن اولنور ارضه واجب اولماز امرنا  
 بطنه اولی الا ارض اکان موافق المشرفه و اوله عتفه  
 المصنیه و اتمام الطبعه بالمعروف کما فی قبحی و **دعوه** **مسئله**  
 زید صفا و وطن ایدوب اهلان قریه صاحب ارض موافق  
 عمره دهن قریوب برمه ارضی اولوب تکالیف لانه سنه  
 و بر یوب بر نه ای غرو ارض سنه تصرف اینه کوز صخره زبرینه  
 قریه مشرفه عمر و در الهه قادر اولور و **الول** اولور و  
 سن زبرینه اهل قریه دهنی استر و او بر **مسئله** ترک و ارض  
 جلال و وطن طریقه ایدوبین سبب اینست متقونی تا فخر و ارض  
 میری ارض اولماز نهایی متقونی دهن ایدوب غیر انمش اولور  
 تکم عتف خانه برجه جعبه اولنور دهنی اگر کور اولنور  
 کله کله اولوالاخر فرمات اولور زید صخره اولنور عمر و اهلان  
 قریه دن استر و او بر **مسئله** زید صفا و وطن ایدوب کوزیه و سینه  
 تکالیف اهل قریه در طلب اولنور زید معلوم کما اولمکان اولنور  
 اهلان قریه کس تکالیف دن مضطر اولور قریه یوردی و یوردی

رقی ها که ایدوبه قادر اولور و **الول** اولور بوس بر عتف  
 کی اولنور و تر کوس اولنور حاله قالیوب عه ارضی  
 جاری اولماز **قانون** اشتقا متوله اولنور عتفه بر ایدوب  
 قدیمی بر نه قراره محاکمی اولنور باضر قریه شر اولنور  
 حاله کوش بر یورینه وارمن فرمان اولنور اولنور  
 بر کنده اولنور کس بر نه ای اولنور زید با بوز و حاله قلیقه  
 و کرم و باغ و باغچه لر نه اقدیر اولنور عشره رسم و حکم  
 صاحب ارض اولنور اصحاب متناصب و قوله طاهره سنه  
 و غیره طایفه و یوب بعضی عتفه تصرف یوباده رعنا  
 و رعنا به ظلم اولور و بی باج بر سر اعلایه عرض اولنور دیک  
 اولنور شکر محرمت عتفه سنه ایدوب دهن بر نه وارن  
 رعنا تک بر نه ای و جابر ای و محاکمی کند و در نه سنه اولنور  
 کما کان منقرض اولوب انست که عه یوب اولنور ارض بر نه  
 ارضه کورالوق و امان اولنور **مسئله** زید صخره قریه  
 عاصیوی روز بر نه قریه بر نه ای عتف بر نه ای و **قانون** اولنور  
 زید صخره بر نه ای تصرف ارض بر نه ای کسملر و عور دهن رعنا  
 الهه قادر اولور و **الول** اولماز عظیم ارضی شرع علی ایدوب  
 اولما عتفه فرمان یوقدر **دوبان** قانون احوال عه ایدوب  
 زید در یورک طاهره قریوب کوه کله کلان اعلیایم  
 کسینه رعیت اولنور هر قریه کیدر سه قاعیتله یازده قریه  
 قریه کسینه رسم رعیت و یوب طرف صاحب ای



و حاشا مشغول اولوب قهر و ولایت اون بیلدر زبانه رسک  
 اولدی و منی قریه قهر و رشک یازدی نقدیه بور کلکدن حدی  
 اولمویوب کیم و یورک بیلگی حصار معنی آفرینش یهن ویر یوزون  
 کن فرخه چرستان بر ایلی یورک ایگون کاه یورک بگی  
 کاه یورت جوی با شیرلی بر جهلی آدمی اول فریه و ادوب  
 مرقم کون اولدوب فریه خلقندم معنی می نایم و یکت معنی  
 اعلایه غیر ادوب فریه حدی کلک محصوله هر رشت اولدی  
 طفویوز کلک دست ناز کلک قاضی اولدی کلک اول  
 بر کی کوننده با بر سر اعلایه عاقبت اولدوقده قهر الوه بر یورک  
 اون بیلدر زبانه بر فریه چرستان یوزوب اول فریه رشک  
 یازیش اولدی دفتر مومجم عمل اولوب هر بعد یورک کلک ناز کلکده  
 ابتدر شد دیو خطه ایون ادر زمان سورطین اول زمان دینرو  
 دستور نالما اولوب یورکت کلکی دخل ابتدر کلک اوزده اولد  
 شریعت و بر حبیب فانوز ایونده سطور و معنی درق نور  
 یورک ز رسم زانه النماز شطابق و بیجان حتی انور قانوز  
 در بیان قانون احوال طایفه و سینی بجه در و سینی زوایین  
 سببیه رعیت یازسه بکوش اقی سببیه نری و بادیه  
 کیمه حاصل یازدی ایسه رسم و حجاب اول اولدیون  
 اولد رسم علم کیم حاصل یازدی ایسه اکار و در اولدی  
 اولد رسم کلک کیم و باجه سببیه رسم حاشیه عار و رعایا  
 کیم قانون اوزده ویر لر کلک لغت ایده فرم قانون و سینی اوزده

یاران

یازان و سنیق بیلر خدی کسنه و بر ملک جانیه کلکدر  
 بر طریقه نقد العیش اولد کیم و نینه البیور سوز یوقدر زمان  
 سیم نقدیه در دیو دعوی ایلیک جانیه نقد را تا کلکده  
 ویر سه و سرر و زماننده کمر و لقی کسنه و وجهله قول  
 شطراش ایسه معتبر درق نور سنیق کند و اوزر رشک یازان و  
 سنیق بر بندرش النماز اما خار جدر بر لرا یوب تقریف ایسه  
 کلک نظر ایلی ایستش بر انور و رسم انور کلک بر سینی  
 دخی انور **قانون** و با کلک کیم و سینی بکشنه اولد کیم  
 و سنیق اوزر رشک یازیش اولد اول امرا کیم فرورده ایلد  
 حکم برینه یازان و نینه تسلیم اولور قانوز **قانون** اصطلح  
 عاقره و خدمت ایست و سنیق انور و یازان و انظاری و  
 قرمز اشیری و سببیه افری اولوب **قانون** و سببیه بر قبل  
 اولوب **قانون** یازیش سببیه طرفه دخل اولد کیم  
**سببیه** رعیت یازسه فرام بار لغت سببیه دخل اده  
 انک سببیه رعیت و سینی رعیت ایلیک **قانون** و سینی  
 زوایدی کیم **قانون** یازیش رعیت باشند سببیه رعیت  
 زراعت ایسه سببیه ملک ایسه اوز رشک خدمت کلک  
 ایسه لرا جایت کلکدر و سینی اوا سببیه **قانون** و سینی رعیت  
 قسمت کیم و نینه انصاف کلک کیم **قانون** انور کلک اولور و سنیق  
 اوز دیندر اولسون انک کیم اوز کسنه ما انک رعیت یازسه



تیمار طالب سپاهی زاجم لمرک دوه لری وفات آمد که کو نیند  
 اول بیل وار کجه و بنا با لری متقاعد اولغا علمه تیماری ایچی نیند  
 و سرلوب اول اصل مقاعد و فتنه صکره تیماره مستحق اولغا  
 منتظر لشیچی زاجم بود و فتنه صکره تیماره مستحق اولغا  
 وار کجه تیمار طلبنه عدت قوتشد در شولکه تعیین اولن ان عدت  
 ایکنه تیمار طلبنه استانبول و کجایکی به ملازمت انعیوب با خود  
 سفره وار میوب کاسیکو سکنه منسلک اولغده حین کتیرج  
 رعیت با طلبه لمره عیا اولور لمره عوارض و بیانات تکلیف انور  
 کرد قترج کسنده به رعیت باز مشق و کمال است کترین نوقوش  
 انور تعیین اولن ان عدت ایکنه تیمار طلبنه استانبول و کجای  
 کجی فوسنه ملازمت ایسه لریا در لمرک امینده سفر انیمش  
 اولسه لرد و مرک مسر اولغا معده مدت ز زاجم نونه قدر زاجم  
 کتر کجسون سپاهی اولغا سپاهیلد و عوارض و بیانات تکلیف  
 اولغا ز دیوقا نوندره نونسلطان قاجار سلطانیه نسلطان  
 محمد خان علی قرجه و الغفران حضرت لمرک انغا دسوز نوندره رجوع  
 ایند کلنده کسکونوز سکنه سر تار کجه ارباب تیمار در رعیت  
 دفع صورت قرا اولوب قزارع و قرا تعیین اولمیش زمان اولغده  
 قافلن بو یون اول عثمان قفلان رعیت قافلن تیماری قفلانه  
 و مردم دیو یاز میورمش قافلن استا نوز مع مناسبت لمره عثمان  
 غازی در یوز کسنده نونکجه سلطان اولی که قرجه حصار لری  
 سنجی دخی ز بر اوشلی او جهانه دیردی و اسکی شهر لمرک لری

جوان اوکن انغور لری دیار حصار لری حصار لری کولک لمره خود اولد  
 و سر ترق نوندره سمش لشیچی او فتنه صکره و باغن حد سپاهی  
 او قان ز نوندره نزل و سکره نزل کجایک انور من نزل سکره کجایک  
 انور شری مصلحت در رسول اکرم صلی الله علیه و سلم حضرت لمرک  
 و ما کج و دیگرایله جیاد اولغده سور دیو نیشل دیو ایدر نزل  
 انیق مشروع اولغا ز دل ایله خلف دعا در انفا حد جیق ووشلده  
 اما عوارض قلنه کسنده هاسبه لشقه کجند عوارض الله نزلک  
 فرقی وار در عوارض و فواج ارض قیلمده ندر خصین طلبه کجند  
 نزل ایچ ایله انور خصین نفس کجور خصین ملکره ملکه کوره  
 خصین غمده بر ارج کجور کجند ان غمده قاضی مسر لمرک  
 بر لمرن کجوه دیر و با حال قفلان کجور کجور کجور کجور کجور  
 سینه سوزش خوین کجلی کجین نزلک اولغده عیار اول کجور  
 با ملکره سن ان عدت من بعد من عدت ایدر دیو کجور قدر اولد  
**الجواب** اولغا استحقاقه و کله عطا یه در یوقه عدت عطا یه  
 قطع یه سلفا قدر در سمش قریم لایا غمده تکالیف حقیقه یه  
**تکلیف** اولن انوار ارباب تیمار در اولوب سپاهی اولغده  
 رعایا شد عدت هر کجه کله غلت تکالیف کجلی کجلی کجلی قدر اولور  
**الجواب** رعایا ارباب تیمار در اولوب با لمره اولغده در رعایا  
 بدل اموال ایچ سپاهی نوندره سمش اولوب عدت رعایا یه  
 دولت سپاه مؤدی اولوب امتثال استماله و امتثال  
 امتا دعاه و عمل نوندره و عمل نوندره رعیت اولور کجلی



اجتماعه و نین داعی و نظام دولت سبانی انهداضه تدعی  
 اولغه شهر و مملکت و عسندم و خونه ماله منتهی اولغ لایم  
 بیابنده سان سورن حصب روزان و یا صو کورن و در کونده  
 غوری حیاشی او کورن بیخ رن و منقن اکلن معصاف کوننده  
 صفت چکن اولور می او کوننده بال کوننده روت و جان صلاینه  
 ال که بایشه دشمن حیامن جالیس دنا و در لری کجه اوق آتہ بلور می  
 و صیه روح جفانه کند من قتم بلور می رو بان شمشیر کشنده  
 یا تہ بلور می ارجت ساجیبا نقیاد و تعینت اده کشت اکلن  
 انرا ایدہ عیبت کشفه فارح مملکت حکمت حکمیه و علمیه و کجا ارا اده  
 و ادایه عروج و جہر طرفه جلایه عروج و اعدایه و کشت کشتی  
 دعار و کشته نه فرود عروج بوند سو و تدبیر ایلہ قیون قدح عروج  
 اولد عذرا و عسدر اولن نوزید کسبای ارجت کجه اگر اولد  
 کجه انرا ایدہ مکان سف معیت اندک سف شرف ایت عظیم کجا ایدہ  
 عظیم اولد عیبا اولد کس عروج تہ شهادت اذاتری کنگه و سبانی  
 سقار کتخلف انگه جوات ایدہ جز اولور می **مملکت نام**  
 اقلون و اوقاف بر لرینه متعلق بعض قوانین میان اولور  
 تخارج اراضی اولور سباج عسشر طلب املد کجه و قسدر دیو  
 ترزم و وقفتت دعویسی است در ملک تانہ ہمالوز و دفر  
 طلب بود سوبکہ صحیح و قضیہ و ملک ہما لون کہ دتوان عالیدر  
 و بیویوت قانونه موافق و مطابق بازلوب و قاعدہ اوزرہ  
 و یاد فخر ہم و دھیدہ دفر کسلوب اوزرہ و قاعدہ اوزرہ

السنہ الفار

تخار قوایمہ وقف بازلوب و لایت کاترک حیات ایدہ و یاد  
 فاضیل مختار دیار بلوب کسہ اندک ستمہ سلاطین عثمانیہ  
 ملک نامہ ہمان و بیویوت صحیح ملک اولد قند کسکہ و وقف  
 انش اولدہ الیک کسہ تک و قضیت در دست و کلد کسک  
 ایدہ عسشری اعرا و نور و فرزم و وقف اولد عسشر دفر و ادر  
 است نزلہ یا زلمش اکلن یا اولد مقبول و کلد راول حکم  
 قانونہ من اذدر صحیح اولماز انرا کسہ انور قانونہ **سہ** ایدہ  
 ایدہ عسشری یا قلمہ کسہ انرا کسہ ہر مقدار بر سنی کاه کاه نراحت  
 ایدہ عسشری و قات املد کجه بیت المال ایدہ عسشری بزرگ اولاد و کون  
 و قدر دیو و قفلت اولان اشجاری کدر دقظہ و مر سوب اولد  
 سری اولد ایدہ عسشری بزرگ اولاد و کور می یوقدر و ستمہ قدر  
 اولور می **کوب** و قفلت اولان اشجاری در ارض و کلد  
 ارض حصص ستمہ ہر مقدار معین بر قبیل کونور اولد ایدہ عسشر  
 ارا کسہ عالی قاجان اوجہ و سربلہ دیو قانون نامہ مسطور در  
 بو مقبولہ امور دوز اولو لاقرہ اراضت اولور **سہ** ایدہ  
 بکرسن و وقف ایدہ و وقف یا کسہ ستمہ و کرسن فریدہ و ایدہ  
 اولد ارض حالیہ ستمہ دجن و وقف ایدہ دیو و یوقد ایدہ  
 ذکر اولان ان ملک و قضیت صحیح اولور می و حصب قانون  
 اوزرہ اولاد و کور می استقال ایدہ **لور** ارض مر ستمہ ملک  
 سسقا شرف و قلم صحیح اولماز و کسہ تابع اوقلوب ایشتم  
 بر اولد ارض حالیہ یا کسہ بلور **لور** ستمہ حصب نہ مقدار

بیان میورید **کوه** و شراده ابر لبوب معترف لا یکل  
 و کسک استعاجی اول ارضه موخوف استه نواخذن اولیر  
**سهم** برتریم واقع اولان سلطان او قاضی معاضه  
 قدیمه اید زید نعمتده اولان خصم اذن متور اید اشجار  
 غاس ایدوب و باغچه ایدوب بعده زید باغچه نلت اشجار  
 سرجت اخوی مؤثریه وقت لازم اید وقت و طقه سن  
 الالانقراض اولاد شرط ایدوب اولادون اولانر مسط اولاد  
 این حساب اولوب این بر قاج ایدوب اشجاری فالغله اولاد  
 مرکوبه عرصه نورانی زراعت ایدوب متولست عرصه  
 دخی و در بر کن یکله ندر بری فوت اولوقده عرصه متولست  
 اول فوت اولانک حصه سنه بی بواله و مرکه قدر اولوقده  
**ابجد** وقت نامش اولاصلا مرثقا بی شش است اولور **سهم**  
 لاهکس ع یوله ارض میرتون اشجار طلف اولان بر اینجیر  
 باغچه اشک اشجار بر زید سرجت بره وقت ایسه بعد زمان  
 اول اشجار یکله قورلوب این عرصه حساب اولوب زید دخی  
 بنا اولوقوت از این حساب ارض اول عرصه بی بواله و مرکه  
 محمولند و مرکه قدر اولوقده **کوه** اولور قدر اولوقده  
 سلطان ماضیه بر بری جامع شریف بن ابریز کسکه بی تکلیت  
 ایدوب ایسه طلف نام جانوز و بر دگر ذکره اولوقده  
 بر ترک معترف جامع شریفه خطیب و اام اولوقده وقت  
 شرط ایسه اام اامتی زمانده اول بر بری آخر کسکه بر کبار

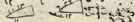
ایسه بعده اول اام کدوب برینه اام اولوقده اول بر بری الحق  
 استدرکه اام کسک بقدر کلکت ورزه الدم دیو مشرف و غیره  
 اید عرصه اام کدو زما یکله و برش اولوقده اول بر بری اوب  
 و برسه کدوسه منبسط ایدر استه بر زمان اولوقده  
 و برسوب اجه تقرف اندر مکنت قانون معرور **سهم** سلطان  
 ماضیه دن بر بری بر قاج طراعی وقت ایستدرکه اول مر ارضه  
 بری کلون اولوقده وقت رعایتکنده هکس اولوقده و برسوب  
 اجه و بر سید دیو شریف و عقبین اجمعیکن عا اول مر ارضه تقرف  
 اولوقده و بر سید دیو شریف اولوقده سواتس رعایتکنده  
 اولوقده و بر سید دیو شریف اولوقده سواتس رعایتکنده  
**ابجد** اولوقده معین زمان اوقاف نواجسند واقع اولان کوه  
 باغچیک و عرصه تقیر باغچ سترعی مقدار کجه اون کسکه شرف معاضه  
 عقبین اولوب که بیست هکتار اولوب او زید تقرف اولوقده  
 تقرف کسکه لوروز باغچ اتموب برین جا شرف معاضه ایدوب  
 خواب ایدر جوی بر دوقم تقیر اجه و بر سید استوب و تقیر  
 ایدر بر اتمش اجدی باغ ایدوب حساب کسکه شرف باغ حوی  
 التبع لار بعد امدی ارضه قصور بو شیکن حسابی قصه اید  
 با تقیر اید حساب ایدوب باغ با صلق ایدر کوی باغ کسکه  
 تقیر اجه او زید معاضه سن ادر سن حساب یک تقیر  
 اولوب کسکه ارضک باغ اولوقده ایدر ایدر ایدر حساب  
 اولوب با فعل حصول قدر نفعی اولوقده بر بری زراعت اولوقده

حاصل اولان سوختن شش الدرہ سن و زراعت اولینک  
 دویمہ انتشار الفی الدرہ سن از حد و تصور و صحتہ  
 تقصیری اولیوب تک صاحبی ضعیف یا خفت اولوب  
 ایتمی فی ذراقتی سدر جواب اولان با غلک صاحبان  
 غیر جنی تکلف ایوب قول ایوب بعد التجر مفاطه قدس  
 یا سر تقدار کسان مفاطه و هر که مفسر او و رس فیها و ان  
 خار قدر اسلوب مذکور او زرنه قیل ایوب تعمیر او کسند بو  
 اگا و یوسن و ان طباب بوخیه اصحا و ان ذره ابقا ادوب  
 زراعت اولن نوز شش حاصل زراعت اولینان زرنه انتشار  
 الفی الدرہ سن و یو طغوز بو زرنه شش سنه فرمان  
 علی صاحب ذراقتی در هر دو و ان متعلق اولان قوانین  
 و احکام شریعتی و مشایخ و وجوب شریعی و دویم استوکی  
 و طریقی بیان در بعضی جغیه کلکون طراغنده نزع اوله خوانه  
 عاوه ج محفظه اولان ایمنه کنجی کشی مهر بو در غان و کبر  
 ولایت ق مینس اوله دیارک سن و معنی علی اهل و خوف  
 اجم الکف کی بر اوله او زرنه و اربوس است اولک ایوب  
 حکم شرف جی قطع و در بطور قیلون ارانی ج جاری اولان خبر  
 شریعی که قول و حدت التمش زراعتی مساجد اوج بک استوز  
 نزع اولوب بو دیار ج جاری اولان دویم طول و حدت فرق شش  
 زراعتی بک ایوب شش نزع اولوب جوب شریعتی  
 کیل بسن نزع زراعت اولور قیوندر در تفسیر مساجد با عات

برکت بیان اولجک مراد ایوب اقا که هر که زراعت او و نوز شش نزع  
 زراعتی و طغوز سر ج بری قیل بری بشیل خود با بره لرید  
 شش ان ایوب که اون قطع اولور کرد و بنا زراعتی او جوم جوم نزع او  
 سر بک او زرنه کلوب اولجی اولد قده هر کس نزع او و بر  
 و ان کذ قیل شش ان اولور سه رقم ایوب عدد قویار عددن بری بو در

۱۰	۱۲	۱۳	۱۵
۱۴	۱۶	۱۷	۱۹
۱۸	۲۰	۲۱	۲۳
۲۴	۲۶	۲۷	۲۹

شما بر یک او زرنه سبج بو ک یا نمود خود قور اوله افراده  
 اولجی اوله راست طرفی بو در او زرنه کسند و حساب او زرنه  
 ایوب بکوب هر دو نزع نشان ایوب اولوب هر ضلع ایوب کن  
 بر برید ج ایوب تصیف اولد قده کسند ایوب تصیف بر برید  
 اولوب حاصل ضربک بو زرنه هر دویم حساب اولد او بر اعدان  
 دردی ضرب اندک بو زرنه درت جی دویم او زرنه درت نصف



بو اولان مراد ج نشان التی مسافت اولور بو قده هر دو ضلع شریعی  
 اولور و اوج هفتصد کک زراعتی اولور مفاطه هر دو ضلع  
 قده اوله ایوبه اولان شش نزع جی قوی مفاطه قاعده بود که هر  
 درتی مفاطه کسند که رقم ایوب جی ادوب ایوب برده و مفاطه اولد بعد







مقصود از این است که در این نوبه نتیجه قسمت اول نور **الحاصل** محصول کند  
 اول آن یکی سهم قنوب هر برهمنی فی جاتی خدمت استی است  
 عدد که تمام و هر سوز **کود** و **نور** و فوت و سبیل اکلان در آن نور  
 بیان اول نور هر خصاک که کرده منقرض اولان انبیا و خدمت  
 او بود استخراجه خدمت هر و بر هر بقیمه که کی او زنده برات  
 است و در کعبه جمع اولان که استجه ترا عن ایلمس را عشت برات  
 تا رکنه نمیدر بوجه برات سبیل اولند و می گویند **مدر اولان**  
 تجار ششمه اعانت بر یک کویل و تبارکنا اولقدر علی ابق  
 اعانت را که کن حصار که کل فی خدمت دفعا کند اول اولقدر  
 کوره قسمت فرما اولند و عفا ارجه کور شد بر بوک مقصد  
 جز وصول الیه مؤذنه اولی کور بود بر تقدیر سبیل اولند و می  
 افغان مستبر اول نور **سهم** بر زاویه مشرف اولان شش زاویه  
 عمده فراغت او بود عمده برات است و در زاویه هر که است که  
 ولایت خدمت از با خت را به مشیخته فراغت ابدی کلور  
 و بیکه عاقب و در دست بردن برات است و در خدمت هر که  
 بر تمام خدمت قبل اول نور **الحاصل** ایکنه دهن زنده و برهمنی است  
 عمل مقصد در **سهم** بر زاویه برات با دشت ایلم متصرف است  
 زنده و عمده اولوب برات است و در حصار که نفع کرده زنده اعلام  
 است که بر تمام تاریخه علی امده بر حصار و هم زمانه و طبعش  
 دیون زنده و کرا و دشت زاویه یک محصول اولان است و بر هر که قادر  
 اولور می **الحاصل** قادر اولان زنده بر هر که در و حاصل و سبجه

معقول اولان **سهم** بر تجار برات با دشت ایلم زنده توصیه  
 اولند که محصول تجاری زنده توصیه اولند و می تا رکنه  
 صفت ابر بوجه اول ولایت وار و بر سبجه قنوب ایلم و می  
 کورند می صفت ابر **الحاصل** متصرف است بقوت و فاقده و بر  
 است توصیه تا رکنه صفت ابر زنده است قنوب یا رکنه  
 صفت ابر **سهم** جاولد فوت اولان اندک تا رکنه مستحق  
 عه بوا و تقدیر سبجه عمو اول تا رکنه ایلم عه بوا ایلم  
 و بر مدین معقول اولوب برت برات ایلم سبجه اولوب  
 اول تا رکنه ایلم است و کند عه بوا و بر صفت ابر ایلم که عمو  
 هم زمانه مستحق عه بوا اولند عه بوا ایلم و بر هر که  
 عه بوا ایلم و بر مکنه منفق اولور می **الحاصل** اولان **سهم**  
 زنده و زنده اولان بیک تجار بری عمو کند او زنده برات  
 است و بر مکن براتی سبیل ایلم برات صفا و ابدت کرا  
 برات ایلم بر تجار نور عه بوا و دشت اراضی بر ارباب  
 استحقاق اولان عمو می و بر بوجه زنده می **الحاصل** زنده  
 عمو و بر **سهم** بر تمام برات شرف ایلم متصرف اولان  
 زنده فوت اولور عه برات ایلم بولعه عمو اولان شش عمو  
 شش مقدار ایلم است اولوب تجار نور و وار سن صفت ایلم و عمو  
 عمو اول تجاری صفت ایلم که اول تجار کل اولان تا رکنه  
 فایده عه بوا ایلم تقوی ایلم تقوی مرفوع معبر اولور می  
 اولان بر صورت عمو تقوی ایلم تقوی ایلم عه بوا تقوی ایلم







سقاج اولان متنزه و با مشوکه رعائتی و مطلق ارباب قدر  
 مجلس است محموله دهن ایقان حوم و جنایت دقون و طبع  
 مشغول و رسم و آرد بر بوندم غیر اولان خصوص رسوم  
 سر مستی در نگه بر کیم که رعیت اید یا نش ایستک اولور  
 حکم شریف و قانون قدیم بود **تذکره** میراحور تیار تک باد  
 حوکی کویک نگار و قور و ده طوختان بوه و نا جنون دهن  
 میراحور تک اولی اوزده احکام شریف و بر بولور قدیم شریف  
 نه و جمله اوله کیش ایستک و او ایله دیواجرا و شمشیر **تذکره**  
 سببیک تیار قزیه ایستک با دجوسی و فخر حاصل یا بقره  
 اول قزیه تریک رعایا استک با دجوسی بونم جوارنه واقع بر  
 قور و قوربان قور کیم با دجوسی اوزور دیونتر ایدر رعیت قزیه  
 اغا بلن اولان اورمانه در لر رعایا با ده شمسنگ و ده مشر و  
 اوزره عایا قن رسومه قور و جیلور دهن ایستک جایتز دکلر دیو  
 حکم و بر شدر **تذکره** دیکر سبب تیار طراغنده محمول اولان  
 جنگلک اراضی عطا بوندم و بر صفت عرا و شکره غر و محرد  
 اول اراضی بر مقدارین من میر تیر الیم دیو زیدک اوله اراضی  
 عطا بوندم و بر حکم سنه قدر اولور **تذکره** اولور لوسور نه  
 غر و اول اراضی تک بر مقدارین محرد بری محرد میر سید الیم دیو عطا ایستک ایست  
 حاله زیدک سبب اول اراضی غر و دس اولد دلو کیم عطا بوندم و بر حکم  
 قدر اولور **تذکره** اولور زیدک عطا بوندم محموله غر و  
 اشراف اید و بر و بر غر دهن و ارباب عاقله کور صنف و محموله

اولان نه لاری بدل شدن نقصان فحش ایدر تعویض ایست  
 حاله زیدک و ک و صحره راورزه تعویض طو قیوب اول تار لاری  
 ایستد و کیم تعویض قدر اولور **تذکره** اولان محمول اولان  
 بر تار لاری عطا بوندم و بر حکم سبب ایستک هر فخر و کیم اولان زید  
 زیم ده بوی مشندم نقصان فخرش غر و ده عطا بوندم و بر حکم  
 حاله سبب ایستک غر و ده بوی مشندم تکمیل ایستد و کیم قدر اولور  
**تذکره** اولان زیدک و فخر مقامه مشول ایستد زیدک  
 شو قدر ایستد مقامه ایستد ایستد عطا بوندم غر و اول مقامه  
 سنوی محموله ایستد ایستد و محموله اولان تار لاری عطا بوندم  
 اید و بر حکم کیم ایستک غر و بعضی محمول اولان تار لاری عطا بوندم  
 مشندم نقصان فحش بعضی کیم اید و بر حکم تار لاری عطا بوندم  
 اول تار لاری عطا بوندم ایستد تکمیل ایستد کیم قدر اولور  
**تذکره** اولور سبب کیم کیم و سخا نیمی و جود کیم **تذکره**  
 بعضی خصوص در اید و ایستد کیم در جود قدیم و غیر  
 بیان اولور **تذکره** کیم کیم سفره اید و ایستد در اید و ایستد  
 کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 اولور بعضی جود کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 طشرده اولور کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 حقه جود کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 و اید و ایستد کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم





وقت ابونوز وامن و متونو چله سنی و صحاحی و رسم اغن مجی ندر  
 اصحابی که اون بکثیر است ایوب زاده انانیه سبب از الی  
 و صبری کثیر سبب کثیرین کند و با لذت کوره و طلاک  
 سز خاتم و بد کلکی بنمیدر اصل و قوفه سز تمام معلوم اید  
 بنان تفر سز ترمه یا سز سکه خلاصه ظاهر اولور سز قاضی یغین  
 ابتداء و امر شریف و با دعوا جید طیباید لازم کلیمین تا بلیق  
 قوی و تواضع ایضا لیور تمه و کفره نکا حد سز رسم المیه و کلک  
 یکی کسختی یکی کسختی و قول کند سز ایضا قاضی  
 قضیه استخوان اینه و قد کیده و غلط و نصیحت اید ترمه اسم  
 انورن ماعدا کتت فاسد و حادث است سز حد قادر و وظ  
 و نصیحت لایق اولد دغه بدتره و شکلی اولور انورن ماعدا  
 منع اید ترمه سده سعاد و عا مدار سال المیه بو صندرت تاریخ  
 یازده بوسوال اولور طغفور بوز سز سز سز و قانون سز دور  
**سبب ای ایوب** یا بعد از ای سبب ای ایوب زاده واقع اولان سز  
 و صحاح ای متعلق اولان احکام و مسال سز شریعت بیان اولور  
**سبب ای شری** عمرو و شری و مردم دلس عمرو الموم دلس  
 انورن دن عا اولور عمرو الموم عین ایست عمرو دن سز  
 الموم قادر اولور **سبب ای** و سز سبب ای ایوب و سز سز شری  
 ایوب معلوم دکلد از بعضی ارض شریه ضامنک ملک اولور  
 سز و شری و سز و با جمعا حکام مملکت حاکم و رعایا بوسقوله  
 شرفنامه قادر دکلد در انار کبیر در و مردم کلکی از مکت سز سز

تسلیمت اید کلد کفره النده اولان ارضه مود عشیه اکل ایوب  
 مقدر و مردم کلکی مبره و اونه مزالم غلب اولمغین عشر شری  
 صانور کلد **سبب ای** زید سبب ایوب و سز سز شری کلد  
 رعایا سز یغین و مردم کلد در اولور **سبب ای** مقدار مودت کلد  
 دیو دعوا اید سز اولور **سبب ای** انورن مصلحت اولور و سز  
 عمرو سز شرفه در دیو دعوا انورن مصلحت ارضت عین  
 دعوا ح حفقور کلد **سبب ای** لازم **سبب ای** سبب ای ایوب  
 تذکره سن سز اولد کفره تذکره اولان عمرو انیه یغین و مردم  
 قادر اولور **سبب ای** اولد دعوا سز یغین دکلد در ان ایغین  
 ایست مصلحت الدعوی **سبب ای** زید سبب ای اهل قره در عشر کدم  
 دیو طلب ایست که اهل قره و مردم سز سز رحمت طه لای دیو  
 ایش است ایست ارضه و سز ایست سز سز سز سز سز سز  
 ایش است ایست دلس اهل قره نک سز سز سز سز سز  
 خود حقیق و مردم اولور کفره سز سز سز سز سز  
**سبب ای** شرفه متعلق اولور **سبب ای** اولور سز سز سز  
 آخو رک سز سز سز سز سز سز سز سز سز سز  
 دکلد سز اهل قره دن جموع حقیق الدم دیو سز سز  
 شرفه است ایست ان صاحب الرضه اولان ماضی و سز  
 مصلحت ایست ارضه ان مصلحت ارضه مصلحت مصلحت  
 ارضه ایست سز سز سز سز سز سز سز سز سز  
**سبب ای** سز سز سز سز سز سز سز سز سز

بمنزل به خلاص او نور لمی **اول** او مارا ما هر رنگ و مرد که  
 اولی شهادت املت مسر و عدد **سید** زید سیاهی کوه  
 الهی رسوم شرعی به انکار است کافر و مردگاریه ذمیت شهادت  
 ایست سیاهی یوزنه شهادت شهادت مقبوله او نور می  
 تصدیق او نور **زید** سیاه سنگ بخارنه هر قطعه برین  
 عجم و سیاهی هم بخارند زید بکره ده نوبه و مردب آفرودیه  
 کتسه آید کند و بخارند زید بکره بخارند ثبات ایدوب المعه  
 قار او نور می **سید** خشم شرعی عجم و در اولان مکر زید شهادت بخارند  
 ایکی متقار اولوب قدر عجم و حقوق و رسومک آید الکلش  
 اول اوله اداست عجم دک دعواست و کره و برکت با طهر **سید**  
 زید سیاهی رعایا دن حق کل کین رسوم و عشر الوب خشم  
 حق اولان عجم و سیاهی کعب زیدت الوبی رسوم و عشر  
 عجم و دعوی ایدوب استرسه رعایا دن استرسه زید  
 سیاهی جسد طلب ایدوب شرعی المعه قار او نور **سید**  
 زید سیاهی عجمه الحق ما مور رعایا دن طلب ایدوب و الوب  
 زید رعایا اول مقبوله خشم و ظلم ایدوب سیاهی عجمه و و بوج  
 ایدوب استرسه قار او مارا رعایا دن عقیدین اولوب اول  
 و مردگاریه شهنیه قار او ولد فکری تقدیر به صناع اولوب  
 ایکی کرده ادا عجم و الوب و بوج مانه سندان صاعه در او ششدر  
 کناز المعروضات **سید** سر حدیم بخارنری اولان سیاهی بکر  
 سئور خصوصه اولان دعوا رنده ذمیت شهادت حق قبول

ایدب سزده بکر یک قاضی بکتوب کند مکتوبه قاضی کجا عجم  
 یوزنه ذمیت شهادت شهادت استماع ایدوب حکم است حکمی ناند  
 او نور می **سید** امر سلطان اولینجه او نماز بکر تصرف  
 ایدوب ذمیت خصوصتین سیاهی بکره خلع نظر قدیمه  
 نتیجه اولیکله و کینه ذمیت بکره ایدوب بوجی اوزره  
 حکم ایدوب سیاهی بکره مره این اکا کوره العوره سن  
 دو حکم شریف اولینجه ناند ذمیت المعروضات **سید**  
 بر قریه ایدوب سیاهی بکره ایدوب بر ضرعه و حق عجم  
 سیاهی بکره بخاری اولوب سیاهی بکره شرعی خشم او نور  
**سید** متصرف اولان عجم ککره موسونده شرع اولان بر لری  
 رعیتد متصرف اولان کسند زید بر برینه خشم شرعی اولان  
**اولان** اولان کسب عجمه ککره **سید** زید سیاهی بخاری اولان  
 جاری اولان هر دین عجمه اولان بالقدره عشر المعه قادر  
 او نور می **سید** اولان سیاهی بکره ایدوب ایدوب  
 شرح شرع ایدوب بوجیم بخارند زید عشرین الوب و بوج  
 ذمیت بخارند ثبات ایدوب عشر سیاهی بکره اولان  
 مکره ذکر اولان ایدوب زید سیاهی بکره خشم عجمه ایدوب  
 عجم یوزنه ککره ایدوب سیاهی خشم اولوب ثبات بوج بخارند  
 کفایت ایدوب **سید** ایست عجم و ککره کل واحد منزه  
 بادشاه طرفه زمانه متصرف خود در ذمیت مراجعت ککره بکره



**مقر حرمه اول** و با مشایق بر هر خصوصه متعلق قانونه و شرعه  
 و این بعضی صورتها و صورتها و در صورت و غیره است  
 مفصل و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اینها کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اولان با تقدیر اینها با تقدیر بر اینها صاحب شماره و بر یک  
 اکنون حسن بن ابراهیم و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده  
 شراکت مع فرعونیه اینها کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اولان با تقدیر اینها با تقدیر بر اینها صاحب شماره و بر یک  
 اکنون حسن بن ابراهیم و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده  
 و غیره مشروط و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده و زنده  
 حسنک و مشایق اولور **الحجاب اولور** و مشایق و کما کما  
 فرعونیه همین کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اولان کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 روز کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 باغ و کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 شراکت مع فرعونیه و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 و برهان و قدره مفصل کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 بر حقه اخلاقیات مفصل صورت اینها و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 مفصل کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
**مسئله** اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 زراعت اولور و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در

اضره اذن کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 باغ اولور و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 فوت اولان نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اول جمله کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 و برهان کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 معلومه و غیره و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 هنوز صاحب ارضه و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اولور **الحجاب اولور** و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 بوغیگی و غیره و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 تسلیم آمدن صاحب ارضه و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 دیوشیه و کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 ولد فوت اولور کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 تفویض معتمد کما کما و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
**الحجاب اولور** و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در  
 ارض بوغیگی و غیره و اینها نیز شراکت مع فرعونیه در قرب و در



زراعت و محصولک عشرین صاحب ارض اولان کوه دیرو ب  
 یکروز نقویض و نقوض بویب کن نقر کجا اذن و تمسک در برین  
 عمر و جاد و فوت اوله زید نقویض مریور معتبر و کلدر دیو اولدر  
 تار بلدی اوب شرف مراد ایند کوه کج منو ایدوب طه بوانه در  
 و کج قدر اولورم اولماز بوسورده کج عمر و سره صریح  
 آذن المشی اریک و تمسکه المشی ایدوب طه بوانه و سر زمین دگره  
 بکج عیانه و حد مستطع اولان تمسک و حد متکا اری کج  
 المسه ارجه بونا اولورم اولماز هنرا و عی اولوب  
 بلا قله فوت اولان زیدک تصرفه اولان تار کاسنی صاحب  
 ارض اولان عمر و در طه بوانه اوب طه بوشکی زج ارفه  
 صکره قی کسدر بر قسه نعل ایدکده طه بوشکی صناع المسه  
 صاه هنر عمر و در طه بوانه اوب تمسکی ایدو عین ایش  
 اتر کوه صاحب ارض نقر زیدینه تمسک اولما معتبره طه ب  
 ایدو سرورین زویب و زریک قدر اولورم اولماز **مسلمه**  
 زید صغیرت نفعه کسه صرف ایدنجه کسم مال طلاق اوسور  
 منقول و عی اولورم بکسدر انتقال ایدن طه بوانه ایدک  
 و صی اولان عمر و ضرورت نفعه اگون معرفت صاحب ارض  
 ایدو کسینه نقویض قدر اولورم اولور **مسلمه**  
 زریک تصرفه اولان تار کاسنی صوب صوب بر فاج کسه زراعت  
 قدر اولورم بعد کسلب زید زراعت مراد ایدکده صاحب  
 ارض دگر اولان تار لای بر فاج کسه طای قدر ک دیو ارفه قدر اولورم  
 زید

**مسلمه** و کسینه طای اینجه زراعت صالح اولدر نفعه  
 ایدو صغیره بابی عمر متوفی دن انتقال ایدن تار کاسنی  
 بک اذن صاحب ارضه کسه فراه نقویض المیه حلا زید  
 بالغ اولدر کسه تار کاسنی بشر دن العی قدر اولورم  
 اولور بوسورده زید عد البیوع اولدر کسینه بشر دن المقی  
 مراد ایدکده بشر عد البیوع نقویض کسینه مراد ایدک دیو  
 اول تار کاسنی ایدو و کسینه قدر اولورم اولماز **مسلمه**  
 کسینه وجهه کسینه بنوعه کج اولان ایدکس بشره اوقار  
 و اعتراف ایدوب بکسینه زراعت ایدوب ارضک تصرفی بر  
 مقدار اقی بدل منقوله کسینه اذن صاحب ارض ایدو و نقویض  
 و بدل نقیض ایدوب عمر و اول ارضی بر فاج کسه تصرف ایدک  
 صکره زید صغیر نقویضه من صغیر ایدوب نقویض مریور معتبر و کلدر  
 دیو عمر و در المغه قدر اولورم اولور **مسلمه** حین نقویض کسینه  
 اذن ایدی بیاغ المسه اولماز **مسلمه** زید شرف ایدی بکسینه  
 انتقال ایدوب ارضک تصرفی بر مقدار اقی بدل منقوله کسینه  
 اذن کسینه ایدو عمر و نقویض ایدوب بعد زمان حین نقویضه  
 صغیر ایدوب دیو دعوا ایدکده عمر و اول زمانه زریک بقوعنی  
 ایشا تصرفی ایدو اولمغله زید عمر و در ارض الیج عمر و در  
 و سر دکی اقی زید در المغه قدر اولورم اولور **مسلمه** اولور  
**مسلمه** زریک تصرفه اولان تار کاسنی کج عمر و کسینه  
 نقویض المیه مقدم و بوشک ابراز ایدوب زیدین کسینه  
 مقدم بودتر نقویض ایدوب بوشک ابراز ایدوب ایدوب

**مشکک** باریج مقدم اول فغندک مشکک اعتبار اول نور  
**نور** از یک مشکک اعتبار اول نور **مسلم** هر قطعه زرع  
 مخلوله اوله فقه نابون از فقه ششی لاب از فقه رشکک اوست  
 ترجم اول نور می **اعتبار** بنا به در علی التویه در  
 مزرعه اوله نقل اندک کنه او علی وعنده رخی  
 دخی انتقال ابر می **انتقال** ایلخه بویه استی اوله  
 خطا بوا ایله نور **عورت** تقریب اینه و کی مزرعه می  
 ریحی کنه اوله دنه انتقال ابر می **نور** او علی ایل و مرد کی  
 خط بوا ایله نور غیر کی الماز **مقطع** و مریخ و باقی صحت  
 بوزوب مزرعه اینه **سباغ** عشر المغه قادر اولور می  
**اقول** عشر النع عشر اولور **مسلم** هر مزرعه مخلوله  
 اوله سباغی کورده آخوه و بر سه نعه من کو مشید  
 دیوب زیاده و بر مکه قادر اولور می **نور** هر مزرعه بو  
 ایله مشکک و مرد کنه حکمه **نسخ** ابره **مسلم** هر مزرعه  
 آخوه و بر سه مشید که بر قیاسی است که بر قیاسی رضا و در  
 بر قیاسی و بر مکه قادر اولور می و فلیه اولان و بر سه آخون  
 و بر مکه قادر اولور می **نور** بجز بر قیاسی و بر مکه در حکم  
 اوله نه نهایت صفت اینه و در سن عشرین اولور **مسلم** حصه  
 فقه دیم حکمه بر قیاسی عشرین و بر مکه در مزرعه بر طوار  
 کونر کونر استی باریج اوله فقه نورین دیکه قادر اولور می  
**نور** سباغی بر عشر و در مریخ و بر مکه در حکم و اطلاق  
 الحار **مسلم** اهل قریه کینون فقه دیم حکمه بودک فقه فقه

و باغورنده و باغ اولان قریه طوارین بوزوب مندق در اولور می  
**نور** قریه طوارین بوزوب مندق در اولور می  
 کونر کونر **نور** طوارین بوا ایله دن صفت اولان کنه باریج  
 قریه دن عوارضی کجاب ابره ملک السانت مقابله عوارض  
 و بر می **مسلم** مکه در عوارضی خانه مشکک عوارضی کورده  
 عوارضی و بر **مسلم** هر مزرعه سن اوج کس بوزوب کسبای اوله  
 و بر بوفانون هر مزرعه زراعت اولور هر مکه بر مکه بوزوب  
 کسبای مزرعه ایلان از مری دخی سباغی و بر می **نور**  
 بدین اوج کسبای مزرعه کتان مریک عوارضی و بر مری اولان و بر  
**مسلم** هر مزرعه مری زراعت ایلکه در مری کسبای ایلوب غایت  
 اوله سباغی مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 کونر کونر کونر کونر کونر کونر کونر کونر کونر کونر  
 بر مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 آخوه و بر مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 زراعت اول مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 و بر مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 فقه دیم مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 ابره مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 ارض مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری  
 مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری مری

در بس اول تار لاری المفضله دره اولور لرمی اولور  
 بوسونده نسیفوت اولالک کسنه مرور ایش اولسه عمر و  
 وزینب بیکر زنده فوت اولالک الی کسنه مرور ایدی دیوب  
 ذکرا اولان تار لاری المفضله دره اولور لرمی اولور  
 اول کسجه کسب سبازا حاکمه جاری اولان عن  
 جاری اولوب و کیم ان پهلوان ویزش دیوزیاچ طلب  
 قدر اولور **اولور** زنده نسیفوت اولان تار لاری  
 معرفت مشعله رحب ارض اون توکلن اون ایکی عرش  
 اول مقالمه سنده عطرده نقویض و شعلیم ایدیب سبغ فریبا  
 عمره دن المارین زنده ولد ذکر فوت اولسه جلاله زنده  
 زنده ای عمره دن المفضله دره اولور لرمی اولور  
 زنده بلال ذکر فوت اولوقده نسیفوت اولان تار لاری  
 حق سه لوس اول تار لاری اولان محله کسب فر فر  
 هند وزینب اولوب کن هند و زنده مستقله بو  
 اید الوت زینب اول کسنه سکوت افسه تار زینب  
 هنده و مردکی رسم کن یونک نسیفوت و زوب اول  
 هنده ای اشتراک اوزده نسیفوت قدره اولور لرمی اولور  
**اولور** جلا ولد ذکر متوفی اولان زینک نسیفوت اوزده  
 تار لاری صغیره فری هندک و هنده ای اولان زینب  
 صغیره ایون ال دیوزیاچیه زینب ایوب کیم و زینب  
 ویردینه دهن اذن ویرسه صاحب ارض و اول با بنان

عمره طه بولم و زوب طار زینب نادم اولوب شمرک  
 و مردکی رسم طه بولور زینب مال صغیره زنده اول تار لاری  
 یوزده اول صغیره ایون المفضله دره اولور لرمی اولور  
 اولاد کور قاسمان زنده متوفی اولور لرمی اولور  
 اولوقده کسب ایچو نقویض ایدی کسب حاکمه نسیفوت  
 و بادوم و بلا منط و کسب انا غلری تیره نادم اولوب نسیفوت  
 داخل اولور **اولور** اولور زینب اول صلیح و تریب کسب  
 دکماله زینب ایچ اطراف ارض کسب کسب و اولوقده  
 بروجه نسیفوت فلان قدر و اول اعتبار اولور و نسیفوت  
 اندکی بر مقدار تار لاری کسب و اولی نسیفوت اولور لرمی  
 نسیفوت متحقق اولور زنده نور کندی نسیفوت اندکی مقدار  
 زینب کسب عمره نسیفوت اولور لرمی اولور نسیفوت  
 اولور لرمی اولور داخل حد و اولان مقدار نسیفوت  
 ایش اولور نسیفوت نسیفوت اولان نسیفوت نسیفوت  
 نسیفوت اولور لرمی نسیفوت نسیفوت اولور لرمی  
 نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت  
 مرقع درت کسب نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت  
 اول حاکم و یونک نسیفوت اولور لرمی نسیفوت اولور لرمی  
 ایدی کسب نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت  
 اما نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت  
 اولور لرمی نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت نسیفوت

عمر و اند بزرگ بر قطعه نارالاسنگ حق تصرف معرفت صاحب  
 ارض اند علی اشتراک اولوب اشتراک اوزره اولان کسسه  
 مشرف اولدوکن ایدجا اولدو کفر فوت اولوب حصه سه سه بود  
 مستحق اولدوقده صاحب ارض زیددم تحت کن الما قدر سکون  
 کندی اوزرینه یازاروب عمر و ک اسبی قید اولمعله نارالاسنگ  
 عملی سه بو اولدو سرورین دیگده عمر و اول نارالای زیددی  
 مفاصا صاحب ارض مع قسقه کدره انقراض اولدو یعنی مشهور  
 عدول ایلی اثبات ادوب حصه سه سه بو اولدو بریکدر  
 صاحب ارضی دفعه قور اولدو **جواب** اولور صورت  
 مزبور عمر و معرفت سبب بوغیکن اول نارالای تعویض و  
 قبض و بدین ایزه تسلیم ادوب مشرف ایکن سبب ایلی  
 مزبور معتبر دکله رد اولان نارالای عمر و ک موندن اولوب  
 ضبط ایله فالاعمر و فوت اولدوقده ورثه سه سه اولدو  
 ایددیز طلب واضحه قدر اولور **جواب** اولور و تعویض  
 معتبر اولیب یعنی نارالای و تصرف ایددیز سبب ضبط قادر  
 دکله **مسئله** زید مشرف اولدو یعنی نارالاسنگ الفاء مزارعه  
 نایب اولدوقده نصر کن با اولدو کفر فوت اولوب اول تاقه  
 مستحق سه بو ایلماعده عمر و و ورثه اولسه فالاعمر و  
 اول مزارادراک ایددیز تعویض ایددی بوضه ورثه زید  
 زغان ادرک دکن اجتماع ارض عمر و و ورثه نارالای می  
 تصرف ایددیز **جواب** مزارادراک ایددیز تعویض ایشخار **مسئله**

زید تصرفه اولان نارالاسنگ معرفت صاحب ارض عمر و  
 تعویض و تسلیم ایددیز صاحب ارض حق زغان مضم  
 الا حق الفاء عمر و ک طلب ایشخار زیدین طلب و  
 اخذ سه سه زور اولور **جواب** اولماز ضابطه فانور  
 زید مشرف اولدو یعنی وقف معرفت مشرف ایددیز مقدار  
 ایستول مقابله کسه عمر و فواغ و تعویض و تسلیم ادوب  
 کن مفاصا تعویض اولان الفاء کسه فالای مزارعه  
 مرور ایددیز نصر کن زید اول الفاء عمر و ک طلب قادر  
 اولور **جواب** اولماز **مسئله** زید معرفت تک تصرفه  
 اولان نارالای کسسه کسسه ایشخار عمر و و مفسد ایشخار مکره انتقال  
 ایددیز عمر و اول نارالای ضرورت دین ایکن معرفت  
 صاحب ارض ایددیز بشره تعویض و تسلیم ایله فالای  
 مال اولدوقده اول نارالای کندی حصه سه سه حق مغان و  
 عمر و ک حصه سه سه زین دفعه ایشخار بدل تعویضدن  
 قسطن بشره و ورثه مزارعته کسسه بشره  
 زیددم الفاء قدر اولور **جواب** اولور **مسئله** زید  
 تصرفه اولان نارالاسنگ معرفت صاحب ارض ایله  
 تسلفه عمر و تعویض و تسلیم ادوب عمر و ک اولان  
 تحت کسسه اول نارالای مزارعه مزارعه ضبط ایله فالای  
 زید اول بدل تعویض عمر و ک الفاء قدر اولور  
**جواب** اولماز **مسئله** زید معرفت اولدو یعنی برکت

فرزند طایفه و بر میوب کند و سه ضبط و تصرف میس  
 حاله زید معزول اولوب برین عمر متولیه اولوب عمر اول  
 خزر عده زید دن اولوب طایفه و بر میوب قادر اولور  
**اولور** زید نقرنده اولان تارکس عمرده  
 تقویض و تسلیم ایروب و بدل تقویضی اولوب صاحب  
 ارغمن تارکس عمرده تقویض ایتم اولون تکی و بر کین  
 حکره صاحب ارغمن و بر میوب ایتم اولان تارکس عمرده  
 اوله کیم اول تکت ایلم اول تارکس عمرده کیم برین عمر اولوب  
 ضبط قادر اولور **اولان** زید تارکس خزر عده  
 عمرده و بر و بر محمول اصل اولوب کیم زیدت لایم  
 عشری لازم اولور **زیده** لازم اولور  
 زیدک تقویض ایلم مستحق بو اولان هر قطعه تارکس صاحب  
 ارغمن عمرده تقویض ایروب عمرده نور زراعت ایتم کین زید  
 خزر عده اولوب حاله وضعی کیم باغ تارکس بر دیوب اول  
 تارکس عمرده اولان معده قادر اولور **اولان** زید بر  
 سنه قطع علاقه ایروب قطع اولور قطع بر و قریب  
 تقویض ایروب معده فوت اولور قطع اولور عمرده سن اولور  
 اخر قریب اولی اهل عمرده سنک باغات زید معده  
 بر و قریب اولور سنک اولوب عمرده علاقه بو عین کیم  
 تقویض معده قادر اولور **اولان** زید بر  
 سن عمرده بر و بر ایروب حکره اول سنه عمرده  
 زید اول باغ دفع ایلم ایروب عمرده و باغ ایلم حکره زید  
 ایلم حکره

و برین اول باغ دفع ایلم ایروب  
 ایلم حکره

اسر کلوزه

تارکس زیدک معده کس تارکس الصلوه اولوب عدالتی  
 اولان کیم و سنه شهادت ایلم کلوزه عمر اولوب مراعات اولور  
 حاکم بو اول تارکس الصلوه دور بو اولی تعدیل و تکریم ایلم کین  
 حاکم اصفا ایتم بر عدل و تکریم ایتم بر سنه و تقویض قبول  
 و موافق ایلم کیم ایلم حکمی بنا فخر اولور **اولان** زید  
 حکم موافق و کلور **اولان** زید تقویض ایتم اولوب تقویضه اولان  
 هر قطعه تارکس مستحق بو اولور معده صاحب ارغمن ایتم  
 زیده بو ایلم تقویض ایلم کین حکره سنک قریب  
 طرور ایروب بدل طایفه و بر و بر اول تارکس تقویضه  
 قادر اولور **اولان** زید اولور معده کیم فوت اولان  
 زیدک مستحق بو اولور هر قطعه تارکس ایلم زید عمرده  
 ایلم تقویض ایلم بو زراعت اولور ایلم زیدک ایلم سنه  
 مستحق بو ایلم زید اول تارکس عمرده و تقویضه قادر اولور  
**اولور** زید تقویض ایتم قریب ایلم  
 ایلم ایلم ایلم سنه انتقال ایلم بر ملک باغچه زید ایلم  
 و زینب ایلم ایلم سنه سنه قسنت ایلم کلوزه حکره سنه  
 و زینب ایلم ایلم سنه سنه قسنت ایلم کلوزه حکره سنه  
 اولدی دیود عوی و معده ایلم سنه سنه سنه سنه سنه  
 ایلم ایلم ایلم قسنت ایلم کلوزه قسنت ایلم کلوزه  
 قادر اولور **اولور**

تمام کتاب معده  
 ایلم ایلم  
 ۵۹۲

alt

